

(عمران، معماری، شهرسازی، راه و ترابری)

راه و ساختمان

سال شانزدهم / آذر 1402 / 30000 تومان / شماره 203



صاحب امتیاز : موسسه عمران توسعه افق فرناک

مدیر مسئول : پوریا مهدوی

سر دبیر : محمدرضا رنجبر

همکاران هیات تحریریه : دکتر پیمان شجاعیون،

دکتر وحید وکیل الرعایا، دکتر سید محمدرضا ناجیان،

پاشار سید مرتضایی، محمدرضا معینی، علی مبینی،

محمد حسین حانمی زاده، سارا نصیری، معصومه

ذاکری، دکتر بهزاد نیکنام، دکتر آرمین اخوان

طراحی و صفحه آرایی : آتلیه طراحی ماهنامه

راه و ساختمان

همکاران اجرایی : مهدی صائمی، آرش نصیری، علی

باباپور، لیلا حانمی نیا، امیرعلی رنجبر، ناهید مرادی



ماهنامه بین المللی راه و ساختمان

راه و ساختمان

سال شانزدهم / شماره ۲۰۳ / آذر ۱۴۰۲

لیتوگرافی و چاپ : اندیشه

ارتباط با ما

تهران، خیابان سپاه، خیابان حانمی، پلاک

۴۲، طبقه دوم

صندوق پستی : ۱۲۷-۱۵۶۵۵

تلفن : ۰۲۱-۷۷۶۸۲۶۴۶-۹

فکس : ۰۲۱-۷۷۶۰۷۰۳۲

www.rah-o-sakhteman.ir

info@rah-o-sakhteman.ir

فهرست

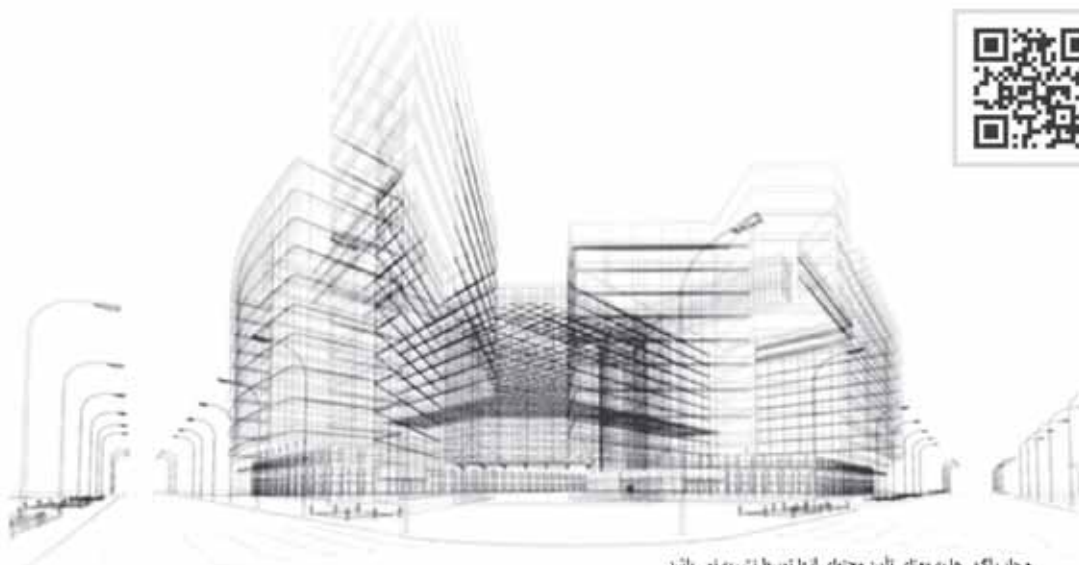
۴ مشخصه خطوط لوله پلی اتیلنی (PE).....

۱۷ آبه‌زدایی سامانه‌ها و تجهیزات، شارژ میرد و اجرای آزمایش.....

۳۸ استراتژی‌های تخلیه اضطراری ساختمان‌ها.....

۵۱ بررسی کاربرد چنفرای کم افت در سامانه‌های گرمایشی به همراه شبیه‌سازی جریان در داخل آن.....

۶۱ کنترل موج آبی در ایستگاه های پمپاژ.....



• چاپ آگهی‌ها به معنای تأیید محتوای آنها توسط نشریه نمی‌باشد.

• استفاده بهره‌ای از مطالب نشریه با ذکر منبع و اجازه کسب بلاذایع است.

• مطالب عنوان شده در مقالات، نظریات شخصی مولفین است و مسئولیت صحت و سقم آنها بر عهده نشریه نمی‌باشد.

آماflex

علامت ثبت شده

لرزه گیرهای صنعتی آماflex®



تاییدیه ها :

- دارای گواهینامه ثبت اختراع
- دارای تاییدیه از سازمان پژوهش های علمی و صنعتی ایران
- دارای استاندارد بین المللی اروپا CE
- دارای گواهینامه های بین المللی ISO 9001 & ISO 14001
- تاییدیه از شرکت ملی نفت ایران
- تاییدیه از صنایع ملی پتروشیمی ایران



www.amaflex.ir

دفتر فروش : پاساژ بزرگ خیام ، زیر همکف ، پلاک ۹۰ ، فروشگاه آما

تلفن : ۰۲۱-۳۳۹۴۱۷۱۵-۱۶

OMRAN

Heating, Ventilation And Air Conditioning

تاسیسات تهویه مطبوعه

Lovely Weather For Ever

پروژه‌های نفت، گاز، پتروشیمی و نیروگاهی:

- پروژه صادرات محصولات نفت و گاز تمیک
- پتروشیمی جم
- پتروشیمی بندر امام (ره)
- پتروشیمی فارابی
- پتروشیمی تبریز
- پتروشیمی ایلام
- پتروشیمی مرجان
- پتروشیمی میاندوآب
- پتروشیمی کنگان
- پتروشیمی پارس گلپایگانی
- پتروشیمی آریین متاتول
- پتروشیمی گچساران
- پتروشیمی رایان پلیمر، واحد اکسیژن
- پتروشیمی دماوند
- پتروشیمی نخل آسماری
- پروژه فرآورش بندر امام (ره)
- پتروسینا پروژه B.O.G
- OTCC پروژه توربین شمس آباد
- واحد اکسیژن سیرجان
- نمک زدایی گچساران
- مناطق نفت خیز جنوب
- مناطق نفت خیز مرکزی
- سایت آبگیر فاز ۱۴ پارس جنوبی
- فاز ۱۳ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۲۲ و ۲۶ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۲۰ و ۲۱ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۱۷ و ۱۸ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۹ و ۱۰ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۶ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۷ و ۸ پالایشگاه پارس جنوبی
- فاز ۲ و ۳ پالایشگاه پارس جنوبی
- پالایشگاه گاز بیدبلند ۲ خلیج فارس
- پالایشگاه نفت سنگین قشم
- پالایشگاه نفت پارس
- پالایشگاه نفت آبادان
- پالایشگاه شیراز پروژه ODCC
- پالایشگاه گاز خانگیران
- پژوهشگاه صنعت نفت
- پالایش گاز شهید هاشمی نژاد
- پالایش نفت سازند اراک
- پالایش گاز ایلام
- IGAT V
- ایستگاه تقلیل فشار گاز شلمچه
- میدان نفتی نفت شهر
- ایستگاه توزیع لامرد
- شرکت ملی نفت



برنده پلاک اجلاس کیفیت اروپا در سال ۲۰۰۱
 برنده تندیس طلایی اجلاس کیفیت اروپا در سال ۲۰۰۱
 برنده ستاره طلایی مدیریت در سال ۲۰۰۲
 برنده آرک طلایی تکنولوژی و کیفیت فرنگفورت در سال ۲۰۰۳
 International Gold Award For Management And Quality And
 Technology Of Europe Quality Convention 2001 - 2002
 Golden Arch Of Technology and quality. 2003 - Frankfurt



Since 1991

OMRAN TAHVIEH

www.omrantahvieh.com

info@omrantahvieh.com



Air Cooled Chiller



Water Cooled Chiller



Hygienic Air Handling Unit



Fiber Glass Cooling Tower



Industrial Cooling Tower



Centrifugal Cooling Tower



Packaged Air Conditioner



Dust Proof Cooling Tower



Air Cooled Condenser



Heat Recovery



Low Profile Cooling Tower



Centrifugal Fan



Trapezoidal Cooling Tower



Zent



Room Fan Coil



Packaged Industrial Cooler



Unit Heater



Air Washer Cleaner Cooler



Packaged Semi-Industrial Cooler

صادرات محصولات به کشورهای
عراق - لبنان - سنگال
افغانستان - تاجیکستان
ترکمنستان



شرکت صنعتی عمران تهویه (سهامی خاص)
تولید کننده دستگاههای تهویه مطبوع

دفتر: تهران، خیابان پاسداران، بوستان دوم، خیابان عراقی، خیابان کشوری، خیابان ملکی نسب، خیابان بهاران
بن بست بهار، پلاک ۴
تلفن: ۹ و ۶ - ۲۲۳۲۴۳۷۸ و ۲۲۵۱۴۱۲۹ - ۲۲۳۰۷۲۰۹ - ۲۲۵۳۱۰۵۹ - ۲۲۵۳۰۹۵۹ - ۲۲۵۳۰۹۸۶
کارخانه A: شهرک صنعتی پرند، خیابان نوآوران
کارخانه B: شهرک صنعتی پرند، خیابان نوآوران
تلفن: ۳۳ - ۳۱ - ۵۶۴۱۸۴۳۰ و ۷ - ۵۶۴۱۹۳۰۶

Office: No.4, Bahar Dead-end, Baharan Alley, Maleki nasab St., Keshvari St., Araghi St., 2nd
Boustan, Pasdaran St., Tehran- Iran
Tel & Fax: (+98)(21) 22324378-9 / 22324965-6 / 22514129 / 22307209 / 22531059 / 22530959 /
22531007 / 22530986 www.omrantahvieh.net / www.omrantahvieh.com / info@omrantahvieh.com



آذر دماگستر

Azar Damagostar

تولید کننده انواع دیگ های بخار ، آبگرم ، آبداغ
روغن داغ ، اتو کلاو صنعتی ، مخازن تحت فشار و مبدل های حرارتی



astebo

تحت لیسانس Astebo اتریش

دفتر تبریز : خیابان علامه طباطبائی جنوبی ، مابین پل قاری و منصور، جنب ساختمان فنی حرفه ای ، شماره ۵
دفتر تهران : خیابان طالقانی شرقی ، چهارراه بهار ، نبش بهار جنوبی ، شماره ۱۶۳ ، طبقه چهارم ، واحد ۱۴
تلفاکس : ۰۲۱-۷۷۶۶۶۶۶۶ - ۳ ، تلفاکس : ۰۲۱-۳۵۶۵۷۶۷۳

www.azardamagostar.com
info@azardamagostar.com

پیوست E (آموزشی)

نصب

۱.E فاصله بندی تکیه گاهها

برای جلوگیری از خراشیدگی و برش لوله‌ها باید کاملاً گرد و یا طوقوی باشند. تکیه‌گاه‌های تجاری لوله‌ها نظیر میله‌های لاشکل پیچی (کرپی)، آویزهای تسمه‌ای باریک، و تکیه‌گاه‌های غلتکی برای لوله‌های پلی اتیلنی مناسب نمی‌باشند، مگر این‌که بر طبق عرض و درجه دربرگیری لوله‌ها تغییراتی در آن‌ها اعمال گردد. وزن لوله و محتویات داخلی آن باید به‌طور یکنواختی بر روی سطح تکیه‌گاهی عرضی توزیع گردد. سطوح تکیه‌گاهی باریک می‌توانند با تولید تنش‌های متمرکز شدیدی (بارگذاری نقطه‌ای)، سبب گسیختگی احتمالی لوله شوند.

طراحی سکوهاى تکیه‌گاهی مرتفع، مستلزم ملاحظات طراحی ویژه‌ای برای لحاظ فاصله‌بندی تکیه‌گاهی مناسب و لحاظ تغییر طول حرارتی لوله می‌باشد. تیرهای تکیه‌گاهی با توجه به حدود خمش قائم لوله‌ها، عرض سکوی تکیه‌گاهی موردنیاز برای خنثی‌سازی انبساط حرارتی کلی و همچنین با توجه به قطر لوله، فاصله‌بندی

عمدتاً لوله‌های پلی‌اتیلنی روی‌زمینی نیازمند تکیه‌گاه‌های غیرپیوسته می‌باشند. چنین کاربردهایی معمولاً شامل نصب لوله‌ها بر روی سکوهاى لوله، پایه‌های ل‌شکل، تراورس‌ها و یا نصب معلق لوله‌ها از سازه‌های بالاسری می‌باشد. در کاربردهای مذکور، سازه‌های تکیه‌گاهی باید با تامین تکیه‌گاه مناسبی برای خطوط لوله، امکان انبساط و انقباض حرارتی لوله‌ها را نیز فراهم کنند و با فاصله‌بندی سازه‌ای مناسبی از خمیدگی قائم لوله‌ها و جابجایی عرضی لوله‌ها در میان تکیه‌گاه‌ها، جلوگیری نمایند. تکیه‌گاه‌های خطوط لوله پلی‌اتیلنی باید حداقل ۱۲۰ درجه از کف لوله و دست‌کم نیمی از عرض قطر لوله را در بر بگیرند. لبه‌های تکیه‌گاه‌های مذکور نیز





می‌گردند. با توجه به کج‌شدگی عرضی لوله با تغییر دما، تغییر مکان تکیه‌گاه‌های لوله در راستای تیرهای تکیه‌گاهی الزامی می‌باشد و در صورت عدم امکان مذکور باید شرایط خنثی‌سازی تغییرمکان افقی لوله فراهم گردد.

هنگام کاربرد تکیه‌گاه‌های غیرپیوسته برای خطوط لوله افقی باید از آویزها و قلاب‌هایی با فاصله‌بندی تقریبی مندرج در جدول E.۱ استفاده نمود.

۲.E اتصال قطعات

لوله‌های پلی‌اتیلنی را از طریق کاربرد یک و یا چندین سامانه اتصالی ذیل به لوله‌ها یا اتصالات پلی‌اتیلنی و یا به لوله‌ها یا اجزاء غیر پلی‌اتیلنی متصل می‌کنند. شیوه‌ها و سامانه‌های اتصالی شامل موارد ذیل می‌گردند:

ذوبی حرارتی، ذوبی الکتریکی، جوشکاری حرارتی و شیوه‌های مکانیکی نظیر اتصالات نر و مادگی گسکتی، فلنجی و کوپلینگ‌های فشاری. شیوه‌های اتصال و الحاق مذکور با توجه و وابسته به الزامات فشار داخلی یا خارجی، میزان نشست‌بندی، مقاومت در برابر تغییر مکان طولی (ظرفیت بار محوری)، الزامات گسکتی، الزامات ساخت و نصب، و نوع محصول تغییر خواهند نمود. شیوه‌های اتصالی ارائه شده در ذیل برگرفته از اطلاعات متون و استانداردهای ذیل می‌باشند:

(۱) ASTM F2620، روش اتصال ذوبی حرارتی لوله‌های پلی‌اتیلنی و اتصالات.

(۲) PPI TR-33، شیوه عمومی اتصال ذوبی لب‌به‌لب لوله‌های گازی پلی‌اتیلنی (۲۰۰۳).

(۳) PPI TR-41، شیوه اتصالی ذوبی زینی لوله‌های گازی پلی‌اتیلنی (۲۰۰۲).

(۴) PPI، مرجع راهنمای لوله‌های پلی‌اتیلنی، فصل ۹، شیوه‌های اتصال اجزاء پلی‌اتیلنی.

(۵) ASTM D2683، مشخصه استاندارد اتصالات پلی‌اتیلنی سوکتی و لوله‌های صنعتی و غیرصنعتی پلی‌اتیلنی بر طبق قطر خارجی.

هیدروکربن‌های مایع می‌توانند به خارج و یا داخل لوله‌های پلی‌اتیلنی نفوذ کنند. نفوذ هیدروکربن‌های مایع درشرایطی نظیر وجود هیدروکربن‌های مایع در درون لوله در هنگام آلودگی خاک اطراف لوله با هیدروکربن‌های مایع و یا در هنگام چگالش گاز داخلی خطوط لوله گاز، به‌وقوع می‌پیوندد. تمامی انواع هیدروکربن‌های مایع (آروماتیک، پارافینی و غیره) دارای تاثیر مشابهی هستند و اساساً تاثیر نسبی آن‌ها بر روی رزین‌های مختلف لوله‌های پلی‌اتیلنی مشابه می‌باشد.



جدول E ۱ : فاصله بندی تکیه گاهی

							فاصله بندی تکیه گاهی* (فوت)	قطر خارجی (اینچ)	IPS ^۲ سایز اسمی لوله
DR 26	DR 21	DR 17	DR 13.5	DR 11	DR 9	DR 7.3			
—	—	—	—	4.9	5.1	5.3	2.375	2	
—	5.3	5.5	5.8	6	6.2	6.4	3.5	3	
5.7	6	6.3	6.5	6.8	7	7.3	4.5	4	
6.4	6.7	7	7.3	7.6	7.8	8.1	5.563	5	
6.9	7.3	7.6	7.9	8.3	8.5	8.8	6.625	6	
7.9	8.3	8.7	9.1	9.4	9.7	10.1	8.625	8	
8.8	9.2	9.7	10.1	10.5	10.9	11.2	10.75	10	
9.6	10.1	10.5	11	11.5	11.9	12.2	12.75	12	
10.1	10.6	11	11.5	12	12.4	12.8	14	14	
10.8	11.3	11.8	12.3	12.8	13.3	13.7	16	16	
11.4	12	12.5	13.1	13.6	14.1	14.5	18	18	
12	12.6	13.2	13.8	14.3	14.8	15.3	20	20	
12.8	13.2	13.8	14.5	15	15.6	16.1	22	22	
13.2	13.8	14.4	15.1	15.7	16.3	16.8	24	24	
13.7	14.4	15	15.7	16.3	16.9	17.5	26	26	
14.2	14.9	15.6	16.3	17	17.6	—	28	28	
14.7	15.4	16.1	16.9	17.6	18.2	—	30	30	
15.2	15.9	16.7	17.5	18.1	18.8	—	32	32	
15.7	16.4	17.2	18	18.7	—	—	34	34	
16.2	16.9	17.7	18.5	19.2	—	—	36	36	
17.4	18.3	19.1	20	—	—	—	42	42	
18.6	19.5	20.4	21.4	—	—	—	48	48	
19.8	20.7	21.7	—	—	—	—	54	54	

* فاصله های تکیه گاهی مندرج در جدول مذکور برای لوله هایی در دمای °F ۷۳ که با آبی در دمای °F ۷۳ پر شده اند، ارائه شده است. فاصله بندی های مذکور برای دماها و سیال های مختلف دیگر تغییر خواهند نمود.

۷

۲.E-۱- اتصال ذوبی حرارتی

اتصال ذوبی حرارتی، فرایندی است که از طریق آماده سازی سطوح مورد اتصال، گرمایش آن ها تا حد ذوب و اتصال آن ها و در نهایت سرمایش تحت فشار اتصال مذکور انجام می گیرد. تمامی شیوه های ذوبی مستلزم کاربرد ابزارهای آماده سازی سطحی مناسب، ابزارهای تراز کننده، و اتوهای حرارتی کنترل شده دمایی با سطوح گرم کننده غیر چسبنده و شکلی مناسب می باشند. استفاده از شعله باز برای گرمایش سطوح

اتصال ذوبی گرمایی لوله هایی که در معرض نفوذ مایعات هیدروکربنی قرار دارند می تواند منجر به اتصالی با استحکام پایین گردد. خطوط لوله در معرض نفوذ ترکیبات هیدروکربنی را نباید از طریق شیوه اتصال ذوبی گرمایی و یا شیوه اتصال ذوبی الکتریکی تعمیر نمود. برای اتصال و یا تعمیر خطوط در معرض نفوذ ترکیبات هیدروکربنی باید از اتصالات مکانیکی استفاده نمود.



تولید کننده انواع بوستر پمپ

WWW.KARABCO.COM





دمای اتصال پیوندی.

۲. E-۱-۲- ذوبی سوکتی

شیوه ذوبی سوکتی عموماً برای لوله‌هایی با قطر خارجی کوچک‌تر استفاده می‌شود. شیوه مذکور شامل موارد ذیل می‌باشد:

(۱) گرمایش همزمان هر دو سطح خارجی لوله و سطح داخلی اتصال سوکتی تا زمان ذوب مواد لوله‌ای مذکور (۲) بازرسی الگوی ذوب (۳) جای‌گذاری سرلوله در داخل اتصال سوکتی (۴) نگهداری و یا گیره‌بندی اتصال مذکور تا زمان خنک‌شدگی اتصال. عموماً از تجهیزات مکانیکی برای نگهداری اتصالات سوکتی استفاده می‌گردد و استفاده از تجهیزات مذکور برای سایزهای (CTS)^۱ بزرگ‌تر از ۲ اینچی برای افزایش نیروی موردنیاز و هم‌ترازی بهتر، الزامی می‌باشد. برای ایجاد اتصالات ذوبی سوکتی از مراحل ذیل

1. the Copper Tube Size (CTS)

استفاده می‌گردد:

- (۱) انتخاب قطعات و تجهیزات
- (۲) مسطح‌سازی و آماده‌سازی سرلوله‌ها
- (۳) گرمایش اجزاء اتصالی
- (۴) اتصال اجزاء اتصالی
- (۵) انتظار برای خنک‌شدگی اتصال.

اتصالات ذوبی سوکتی بر طبق مشخصه استاندارد ASTM D2683، یعنی اتصالات پلی‌اتیلنی سوکتی برای لوله‌های صنعتی و غیر صنعتی، بر طبق قطر خارجی تولید می‌شوند. لوله‌های صنعتی و غیر صنعتی باید بر طبق مشخصه‌های منطبق با قطر خارجی لوله‌های صنعتی و غیر صنعتی تولید گردند. برای اتصال ذوبی سوکتی در سایت مورد نظر و از طریق ابزارهای دستی و برای سایزهای بالاتر از ۲ اینچی معمولاً از ۲ اپراتور استفاده می‌شود.



(۷) فشرده‌سازی و نگهداری قطعات بر روی یکدیگر
(۸) خنک‌سازی اتصال و برداشتن دستگاه ذوب زینی.

E. ۲-۲- ذوب الکتریکی

شیوه جوشکاری ذوبی برقی تا حدی از شیوه‌های اتصال ذوبی متعارف تشریح شده در بالا متفاوت می‌باشد. اختلاف اصلی میان ذوب حرارتی متعارف و ذوب برقی ناشی از شیوه اعمال گرمایش می‌باشد. در اتصال ذوبی حرارتی متداول، از تجهیزات حرارتی برای گرمایش سطوح لوله و اتصالات استفاده می‌گردد ولی در اتصال ذوبی برقی، گرمایش مذکور به صورت داخلی و از طریق سیم‌های هادی و یا پلی‌متر رسانا انجام می‌گیرد. در این شیوه گرما از طریق جریان الکتریکی عبوری از ماده رسانای داخلی اتصال تولید می‌گردد. روش ذوب برقی به‌طور گسترده‌ای در میدان‌های نفتی، درجایی با نفوذ مداوم هیدروکربن‌های مایع از دیواره داخلی لوله به کار می‌رود. همچنین روش مذکور در مناطقی با محدودیت فضایی لوله‌ها، نظیر مواقع

E. ۲-۱-۳- ذوبی زینی

شیوه ذوب زینی یا ذوبی دیواره جانبی اصولاً شامل گرمایش همزمان هر دو سطح خارجی لوله و انطباق سطح اتصال زینی با ابزارهای گرمایشی محدب و مقعر تا زمان افزایش دمای دو سطح به دمای ذوب مناسب می‌باشد. شیوه مذکور را می‌توان از طریق کاربرد تجهیزات ذوب زینی و یا به اصطلاح «ذوب دیواره جانبی» اجرا نمود.

اصولاً برای اتصال ذوبی دیواره جانبی از ۸ مرحله استفاده می‌شود. ۸ مرحله اصلی مذکور برای ایجاد یک اتصال ذوبی زینی در ذیل ارائه شده‌اند:

- (۱) تمیزکاری لوله
- (۲) نصب تبدیل‌های زینی
- (۳) نصب دستگاه ذوب زینی بر روی لوله
- (۴) آماده‌سازی سطوح لوله و اتصال
- (۵) هم‌ترازی قطعات
- (۶) گرمایش لوله و اتصال زینی





پلی اتیلنی به لوله‌ها و اتصالات فولادی، فایبرگلاسی و غیره استفاده می‌شود. در این مورد از فلنج کلاس ۱۵۰ ANSI استفاده می‌گردد. همچنین اتصالات فلنجی برای ایجاد اتصالات بازشدنی و ایجاد شرایطی برای فرایند تعمیر و نگهداری نیز به کار می‌روند. تبدیل فلنجی پلی اتیلنی و طوقه پشتیبان آن، اتصال دوقطعه‌ای را تشکیل می‌دهند. یک انتهای اتصال مذکور به لوله پلی اتیلنی جوش داده می‌شود و انتهای دیگر نیز شامل طرح نوع- فلنجی با طوقه پشتیبان فلزی می‌باشد که امکان اتصال پیچی به یک فلنج کلاس ۱۵۰ ANSI را میسر می‌سازد [کاربردهایی با نسبت ابعدای (DR) برابر ۵ و فشار ۴۰۰ psi مستلزم کاربرد طوقه‌های پشتیبان کلاس ۳۰۰ و یا فلنج‌های کف رینگ (لپ جوینت) کلاس ۳۰۰ ANSI می‌باشند]. فلنج‌های پلی اتیلنی بدون طوقه پشتیبان، به دلیل نیاز فلنج‌های پلی اتیلنی به فشار یکنواختی در سراسر کل سطح درزبندی، توصیه نمی‌گردند. امکان نشستی سیال از میان پیچ‌های فلنج‌های پلی اتیلنی بدون

تعمیر اتصالات واقع در گودال لوله‌ها به کار برده می‌شود. برای اتصال برندها و یا گریدهای غیرمشابه پلی اتیلنی و همچنین اتصال اجزاء پلی اتیلنی دارای نرخ‌های جریان ذوب متفاوت نیز از شیوه مذکور استفاده می‌شود.

اتصال ذوبی برقی از طریق مراحل ذیل انجام می‌گیرد:

- (۱) آماده‌سازی لوله (تمیزکاری، صاف‌سازی سطوح)
- (۲) هم‌ترازی اتصال و لوله از طریق کاربرد کلمپ‌های ترازکننده و یا بدون استفاده از آنها
- (۳) علامت‌گذاری لوله
- (۴) اعمال جریان الکتریکی
- (۵) سرمایه‌گذاری و جداسازی کلمپ‌ها
- (۶) تهیه مدارک و اسناد مربوط به شیوه ذوبی مذکور.

۲.۲-۳- اتصال فلنجی

اتصال فلنجی برای اتصال لوله‌ها و اتصالات



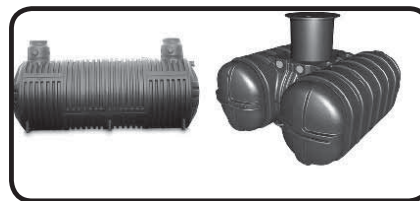
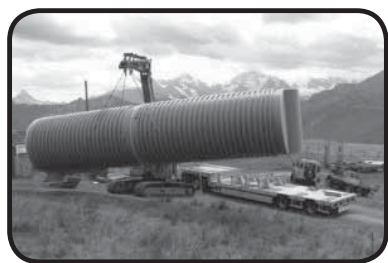
فشرده‌سازی خاک اطراف و روی لوله به حد کافی بزرگ باشد. بستر لوله داخلی گودال نیز باید از مواد دانه‌ای نظیر شن، ماسه و یا مواد مشابه دیگر تشکیل گردد. اطلاعات بیشتری در خصوص مواد پرکننده مناسب و مواد بستر لوله در استانداردهای اشاره شده در ذیل ارائه گردیده‌اند. بسترسازی میدانی لوله‌ها می‌تواند تغییرات سمتی (جهت‌گیری) جزئی لوله‌ها را برطرف نماید.

دقت نصابان لوله‌ها در طول فرایند نصب نیز دارای تاثیر قابل توجهی بر چگونگی کارکرد سامانه لوله‌کشی می‌باشد. نصب دقیق و مطلوب لوله‌ها بر طبق توصیه‌های استاندارد ASTM و الزامات مهندسی و مشخصه‌های تولیدکنندگان قادر به تضمین کارکرد مناسب محصولات پلی‌اتیلنی بر طبق استاندارد تولیدی‌شان می‌باشد. از سوی دیگر نصب بی‌کیفیت لوله‌ها نیز می‌تواند سبب کارآیی زیراستاندارد محصولات لوله‌ای گردد. اطلاعات بیشتری در خصوص نصب زیرزمینی لوله‌های پلی‌اتیلنی در مشخصه‌های استاندارد ذیل ارائه شده است:

ASTM D2774، شیوه استاندارد نصب زیرزمینی لوله‌های فشاری ترموپلاستیک
ASTM D2321، شیوه استاندارد نصب زیرزمینی لوله‌های ترموپلاستیک برای مجاری فاضلاب و کاربردهای جریان ثقلی دیگر
ASTM F1668، راهنمای استاندارد شیوه‌های ساخت لوله‌های پلاستیکی دفنی

۴.E آزمایش نشستی (آزمایش هیدرواستاتیک و پنوماتیک)

دلیل اصلی اجرای آزمایش نشستی سامانه لوله‌کشی



حلقه پشتیبان بسیار زیاد می‌باشد. نیازی به گسکت فلنج برای اتصال فلنجی قطعات پلی‌اتیلنی به پلی‌اتیلنی، به‌ویژه برای فشارهای پایین‌تر از ۸۰ psi وجود ندارد. همواره در هنگام اتصال فلنجی قطعات پلی‌اتیلنی به قطعاتی از مواد دیگر، استفاده از گسکت فلنجی توصیه می‌شود. برای اطمینان از تطابق کاربری موردنظر با جنس گسکت انتخابی و همچنین تطابق سختی مواد گسکت با فشارهای وارده از پیچ‌های فلنجی، مشاوره با تولیدکنندگان گسکت‌ها الزامی می‌باشد. گسکت‌های سفتی که نیازمند فشارهای پیچی بالایی هستند، قادر به درزبندی مناسب اتصال فلنجی در هنگام استفاده به‌همراه تبدیل‌های فلنجی پلی‌اتیلنی نیستند.

۳.E نصب دفنی لوله‌ها

نصب زیرزمینی لوله‌ها عمدتاً مستلزم حفر گودال لوله، قراردهی لوله در داخل گودال لوله، خاک‌ریزی اطراف لوله، در نهایت پرسازی گودال تا تراز زمین می‌باشد.

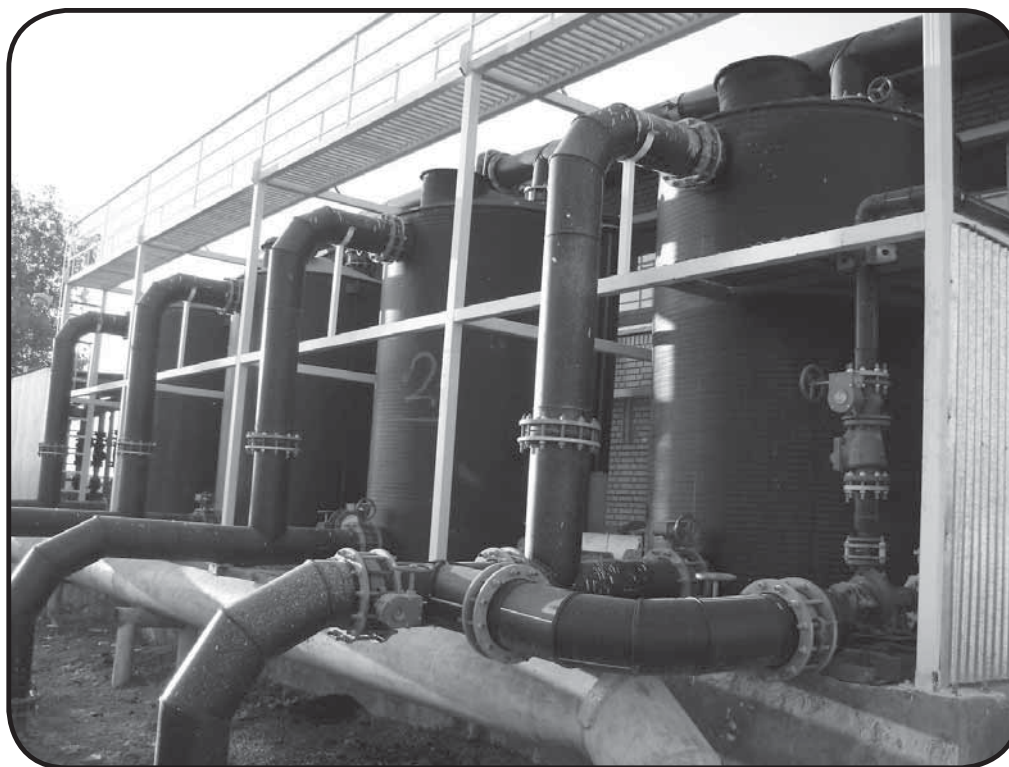
هر پروژه و سایت معینی شامل پارامترهای ویژه‌ای می‌باشد که بر شیوه نصب لوله‌های پلی‌اتیلنی تاثیرگذار هستند. پارامترهایی نظیر کاربری لوله و الزامات کاربری، سایز و نوع لوله، وضعیت خاک، کیفیت خاک پرکننده، عمق دفن لوله و الزامات اتصال لوله‌ها بر شیوه نصب زیرزمینی لوله‌ها موثر می‌باشند. عرض گودال لوله وابسته به عمق دفن لوله و شرایط خاک تغییر می‌کند. عرض گودال لوله باید برای



مذکور می‌تواند به شدت خطرناک و فاجعه‌آفرین باشد. به دلایل مذکور و در صورت امکان، اجرای آزمایش نشتی هیدرواستاتیک در مقایسه با آزمایش نشتی گاز فشرده در اولویت قرار دارد. اجرای آزمایش نشتی هیدرواستاتیک از طریق کاربرد آب، متداول‌ترین و مناسب‌ترین شیوه آزمایش نشتی محسوب می‌گردد.

E. ۴-۱- مراجع

پلی‌اتیلنی، تشخیص هرگونه نقص احتمالی سامانه، قبل از به‌کارگیری سامانه لوله‌کشی می‌باشد. آزمایش نشتی را نباید بر روی لوله‌های موجود، برای بازبینی و اعتبارسنجی رتبه فشاری سامانه لوله‌کشی و یا بررسی قابلیت کاربرد لوله‌های موجود برای کاربری خاصی به‌کار برد. از طریق کاربرد اطلاعات و معادلات بخش ۵ و محاسبات رتبه‌های فشاری لوله و طراحی سامانه،



۱۳

(۱) ASTM F1417، شیوه استاندارد برای تایید نصب خطوط فاضلاب ثقلی پلاستیکی از طریق کاربرد هوای فشارپایین^۲.

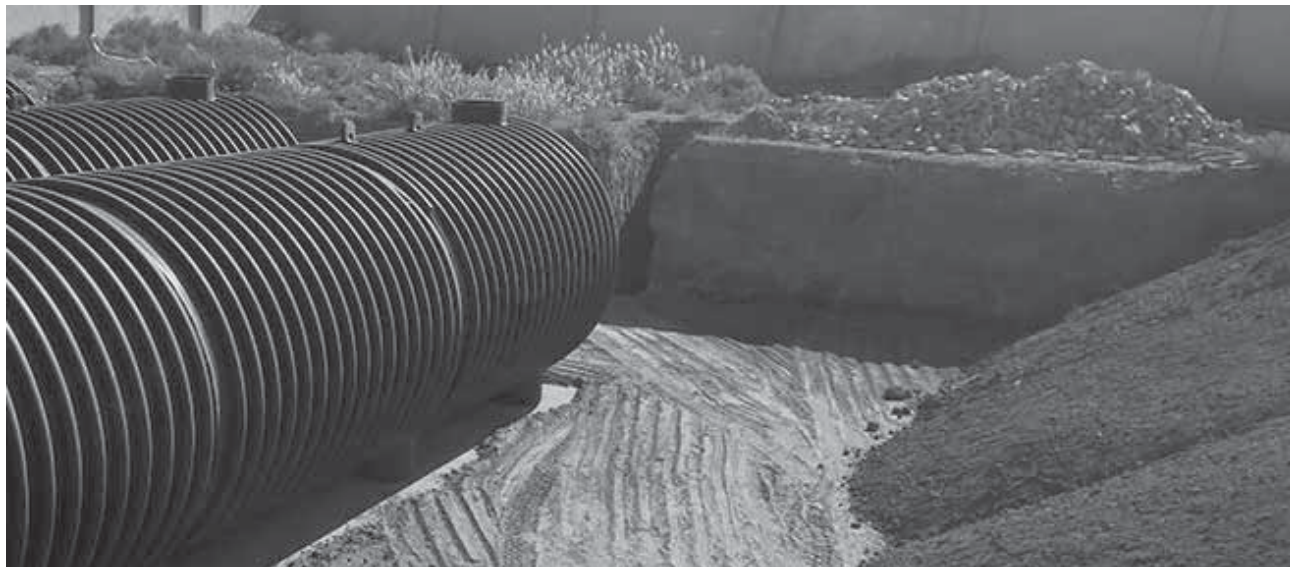
(۲) ASTM F2164، شیوه استاندارد برای اجرای آزمایش نشتی میدانی سامانه‌های لوله‌کشی فشاری پلی‌اتیلنی از طریق کاربرد فشار هیدرواستاتیک^۳.

2. ASTM F1417, Standard Practice for Installation Acceptance of Plastic Gravity Sewer Lines Using Low-Pressure Air

3. ASTM F2164, Standard Practice for Field Leak Testing of Polyeth-

رتبه فشاری سامانه و کارایی بلندمدت آن به‌دست می‌آید. در صورت وجود نشتی، عمدتاً نشتی‌های مذکور در اتصال‌ها و یا در محل اتصال تجهیزات داخلی سامانه رخ می‌دهند.

بروز نشتی در طول آزمایش نشتی خطوط لوله می‌تواند بسیار خطرناک باشد. مورد مذکور به‌ویژه در صورت استفاده از گازهای فشرده‌ای نظیر هوا یا نیتروژن فشرده برای اجرای آزمایش نشتی، خطرات بیشتری را به‌همراه خواهد داشت. خروج گازهای



(۵) واریسی قابلیت تحمل فشار آزمایش توسط تمامی اتصالات و تجهیزات داخلی سامانه لوله‌کشی الزامی می‌باشد.

(۶) تمامی اقدامات ایمنی پیش‌گیرانه برای محافظت از کارکنان در هنگام گسیختگی احتمالی سامانه لوله‌کشی باید فراهم گردد (نظیر پوشش‌های حفاظتی برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی).
(۷) در طول اجرای آزمایش پنوماتیک، کارکنان را تا فاصله‌ای ایمن از محل آزمایش دور کنید.

۴. E-۳- فشار آزمایش

(۱) فشار بیشینه آزمایش هیدرواستاتیک باید در پایین‌ترین نقطه سامانه لوله‌کشی اندازه‌گیری گردد.
(۲) فشار بیشینه آزمایش نشستی هیدرواستاتیک باید معادل با کم‌ترین مقدار ذیل باشد:
(a) ۱۵۰ درصد از فشار عملیاتی طراحی سامانه.
(b) رتبه فشاری جزئی از سامانه لوله‌کشی. با کمترین رتبه فشاری.
(۳) مراجع دولتی ذی‌صلاح نیز می‌توانند فشار بیشینه آزمایش را تعیین نمایند، مشروط بر اینکه فشار آزمایش از میزان ۱۵۰ درصدی رتبه فشاری لوله فراتر نرود.

(۳) مرجع راهنمای لوله‌های پلی‌اتیلنی PPI، فصل دوم، بازرسی‌ها، آزمایش‌ها و ملاحظات ایمنی^۴.
(۴) ASTM B31.3، لوله‌کشی فرایندی^۵.

۴. E-۲- اقدامات پیش‌گیرانه

در صورت لزوم اجرای آزمایش نشستی هیدرواستاتیک، اقدامات پیش‌گیرانه ذیل توصیه می‌شوند (شیوه‌های کامل‌تری از طریق بررسی استانداردها و مراجع فوق قابل دسترسی می‌باشند):

(۱) واریسی سامانه لوله‌کشی تحت آزمایش، برای اطمینان از مهار کامل قطعات لوله‌کشی در برابر تغییر مکان و جابجایی ناگهانی ناشی از گسیختگی احتمالی، الزامی می‌باشد.
(۲) تخلیه تمامی هوای داخل سامانه لوله‌کشی، قبل از آغاز اجرای آزمایش نشستی هیدرواستاتیک الزامی می‌باشد.
(۳) قبل از آغاز اجرای آزمایش هیدرواستاتیک، تمامی اتصالات ذوبی حرارتی باید کاملاً خنک شوند.
(۴) اتصالات مکانیکی نیز باید کاملاً مهار گردند.

ylene (PE) Pressure Piping Systems Using Hydrostatic Pressure
4. PPI's Handbook of Polyethylene Pipe, Chapter 2, "Inspections, Tests and Safety Considerations"
5. ASME B31.3, Process Piping





فاز انبساطی اولیه نمی باشد.

(۵) به محض اتمام فاز انبساطی اولیه ۳ ساعته مذکور، فاز آزمایش آغاز می گردد.

(a) فشار آزمایش را تا ۱۰ psi کاهش دهید.

(b) فشار را افزایش ندهید و یا آب جبرانی بیشتری را وارد لوله ها نکنید.

(c) از طریق پایش و ثبت فشارهای گیج فشاری در طول ۱ ساعت، از ثبات فشار آزمایش مطمئن گردید (در گستره ۵ درصد از فشار آزمایش).

(۶) در صورت عدم مشاهده هر گونه نشی احتمالی و در صورت حفظ فشار آزمایش در گستره ۵ درصدی از مقدار فشار آزمایش، آزمایش مذکور موفقیت آمیز خواهد بود.

E ۴-۵- شیوه و مراحل آزمایش (پنوماتیک)

(۱) دقت قابل توجهی در صورت تایید و اجازه اجرای آزمایش پنوماتیک مورد نیاز خواهد بود.

(a) تاییدیه اجرای آزمایش مذکور باید از طرف مالک و یا مهندس پروژه درخواست گردد.

(۲) رعایت تمامی اقدامات ایمنی پیش گیرانه و مقررات ایمنی ویژه سایت الزامی می باشد.

(۳) در طول اجرای آزمایش پنوماتیک، کارکنان را تا فاصله ای ایمن از محل آزمایش دور کنید.

(۴) فشار بخش تحت آزمایش را به آرامی و تا فشاری کمتر از نیمی از فشار آزمایش طراحی سامانه افزایش دهید.

(۵) فشار آزمایش به دما وابسته می باشد.

(۶) فشار آزمایش را به طور تدریجی و با نمونه های کوچک ۵ psi و تا ۱۵۰ درصد از فشار طراحی سامانه و یا تا فشار آزمایش پنوماتیک مجاز تایید شده توسط مراجع ذیصلاح، افزایش دهید.

(۷) فشار آزمایش را برای ۱۰ تا ۶۰ دقیقه حفظ کنید. مرحله مذکور، **فاز انبساطی اولیه** آزمایش پنوماتیک نامیده می شود.

(۸) فشار آزمایش را تا فشار طراحی سامانه و یا تا فشار پنوماتیک مجاز کاهش دهید و فشار مذکور را تا زمان تشخیص وجود نشی (های) احتمالی حفظ

(۴) وابسته به شرایط ویژه سایت مورد نظر، دماهای بالا نیز می توانند منجر به کاربرد فشار آزمایش بیشینه مجاز کمتری شوند.

E ۴-۴- شیوه و مراحل آزمایش (هیدرواستاتیک)

(۱) رعایت تمامی اقدامات ایمنی پیش گیرانه و مقررات ایمنی ویژه سایت.

(۲) تخلیه تمامی هوای بخش مورد آزمایش سامانه لوله کشی، از طریق پرسازی آرام لوله ها با آب و تامین فرصت لازم برای خروج هوای محبوس از طریق تجهیزات تخلیه هوا.

(۳) بعد از پرسازی لوله ها با آب و خروج تمامی هوای محبوس، لوله ها را به طور تدریجی و تا فشار آزمایش پر نمایید.

(۴) لوله های مورد نظر را به مدت ۳ ساعت در فشار آزمایش نگهدارید. فرایند مذکور به عنوان **فاز انبساطی اولیه** نامیده می شود. در طول فاز مذکور، لوله پلی اتیلنی به طور جرئی منبسط می گردد و فشار آن نیز تا حدی کاهش می یابد. بعد از فاز اولیه مذکور و برای بازیابی فشار آزمایش، لوله ها را با آب بیشتری پر نمایید. لزومی به پایش مقدار آب پرکننده در طول



نمایید.

(۹) تمامی اقدامات ایمنی پیش‌گیرانه برای محافظت از کارکنان در هنگام گسیختگی احتمالی سامانه لوله‌کشی باید فراهم گردد (نظیر پوشش‌های حفاظتی برای جلوگیری از آسیب‌های احتمالی).
 نکته: تحت هیچ شرایطی کل زمان آزمایش در فشار آزمایشی بالغ بر ۱/۵ برابر رتبه فشاری سامانه نباید از ۸ ساعت فراتر رود. اگر آزمایش مذکور در چارچوب زمانی مذکور به اتمام نرسد (به دلیل نشتی، خرابی تجهیزات و غیره)، بخش تحت آزمایش باید از فشار مذکور خالی شود و بعد از زمان توقف ۸ ساعته، مجدداً آزمایش بعدی انجام گیرد.

E. ۵. انقباض و انبساط حرارتی

ضریب انبساط و انقباض حرارتی لوله‌های پلی‌اتیلنی در حدود ۱۰ برابر لوله‌های فولادی می‌باشد. مورد مذکور به معنای انقباض و انبساط ۱۰ برابری خطوط پلی‌اتیلنی آزاد، در مقایسه با خطوط فولادی مشابه است. هنگام محدودسازی لوله‌های پلی‌اتیلنی، گسترش تنش‌های ناشی از انقباض و انبساط حرارتی به‌طور قابل توجهی از خطوط فولادی کمتر می‌باشد. دلیل این امر نیز ناشی از مدول الاستیسیته پایین‌تر لوله‌های پلی‌اتیلنی در مقایسه با لوله‌های فولادی می‌باشد. در نتیجه در هنگام محدودسازی و مهار صحیح لوله‌های پلی‌اتیلنی، تغییرات دمایی و انبساط و انقباض ناشی از آن منجر به بروز هیچ تأثیر نامطلوبی نخواهد گردید.
 برای محاسبه انبساط و انقباض حرارتی لوله‌های پلی‌اتیلنی از معادله ذیل استفاده می‌شود:

$$\Delta L = L\alpha\Delta T$$

ΔL : تغییر طول (اینچ)؛

L: طول لوله (اینچ)؛

α : ضریب انبساط حرارتی (in./in./°F) و یا (۱۰^{-۵} in./in./°F) × ۹/۰؛

ΔT : تغییر دما (°F).

پایان ...



رطوبت زدایی سامانه شارژ مبرد و اجرای آن

نویسنده: حسن ذاکری

نم زدایی یا رطوبت زدایی یکی از مراحل پالایش گاز طبیعی است. پس از تفکیک نفت با گاز مقداری آب آزاد همراه با گاز طبیعی وجود دارد که بیشتر آن توسط روش‌های جداسازی ساده در سرچاه یا در نزدیکی آن از گاز جدا می‌شود. در حالیکه بخار آب موجود در محلول گاز میبایست طی فرایندی بسیار پیچیده تحت عنوان عملیات نم‌زدایی یا رطوبت زدایی از گاز طبیعی تفکیک گردند. در این فرایند بخار آب متراکم و موجود در سطح توسط ماده نم‌زدا جذب و جمع‌آوری می‌گردد. گاز طبیعی فراوری نشده محتوی آب (مایع یا بخار) سبب ایجاد مشکلات جدی نظیر خوردگی لوله‌های انتقال و تشکیل هیدرات‌های گازی که مانع جریان گازی است، می‌شود.





آبزدایی، شیوه دقیقی برای اندازه‌گیری رطوبت باید به کار گرفته شود. عوامل بسیاری نظیر اندازه واحد، کاربرد آن، و نوع مبرد، میزان رطوبت مجاز موردنیاز را تعیین می‌کنند. جدول ۱ حدود رطوبت توصیه‌شده توسط تولیدکنندگان مختلف را برای اجزاء مختلف سامانه تبرید ارائه کرده است.



آبزدایی، شارژ و اجرای تست‌های صحیح سامانه‌های تبرید پکیجی و اجزاء آن‌ها (کمپرسورها، تبخیرکننده‌ها و کویل‌های چگالشی) موجب اطمینان بیشتری از عملکرد صحیح چنین سامانه‌هایی می‌شوند و طول عمر سامانه‌های تبرید را افزایش می‌دهند. در این فصل روش‌های به‌کاررفته برای اجرای این وظایف مورد بررسی قرار خواهند گرفت. در این فصل به ضوابط و معیارهایی نظیر میزان رطوبت مجاز، مقدار مبرد و کارایی سامانه که همگی جزء ویژگی‌های خاص هر دستگاهی می‌باشند، پرداخته نمی‌شود.

آبزدایی (رطوبت‌گیری)

امکان آبزدایی کارخانه‌ای تنها برای برخی از تجهیزات با ابعاد معین، عملی می‌باشد. در تجهیزات بزرگی که در زمان اتصال در محل نصب در معرض هوای آزاد قرار می‌گیرند، معمولاً تدابیر کارخانه‌ای محدود به تمیزکاری، و پر کردن سامانه به‌وسیله شارژی از ماده خنثای نیتروژن می‌باشد. در اکثر مواقع تجهیزات مذکور تنها برای دوره‌های زمانی کوتاهی انبار می‌شوند، و بنابراین این روش تا زمان اجرای فرایند تخلیه و تزریق مبرد برای کل سامانه در هنگام نصب، شیوه مفید و رضایت‌بخشی می‌باشد.

رطوبت اضافی سامانه‌های تبرید می‌تواند موجب یخ‌زدگی لوله‌های موئین و یا شیر انبساطی شود. همچنین رطوبت اضافی، تاثیر منفی‌ای را بر پایداری حرارتی روغن‌های تبرید معینی (برای مثال، پلی‌ال استر (POE)) بر جای می‌گذارد (فصل هفتم اطلاعات بیشتری را در مورد رطوبت و آلاینده‌های دیگر سامانه‌های تبرید ارائه می‌دهد).

به غیر از یخ‌زدگی تجهیزات، تاثیرات ناشی از رطوبت اضافی عموماً توسط آزمایش‌های استاندارد کارخانه‌ای قابل تشخیص نمی‌باشند.

به دلیل اثر نامطلوب آلاینده‌ها در شکستگی شیرها، داغ‌شدگی موتور و خرابی یاتاقان‌ها و آب‌بندی سامانه، کاربرد یک شیوه آبزدایی مناسب برای کسب سطوح ایمنی از رطوبت، بدون افزودن هیچ عنصر و یا حلال خارجی بسیار مهم می‌باشد. در ترکیب و ادغام با فرایند



جدول ۱: آبزدایی متداول کارخانه‌ای و شیوه‌های اندازه‌گیری رطوبت سامانه‌های تبرید

اجزاء	شیوه آب‌زدایی	بازبینی رطوبت	حدود رطوبت
کویل‌ها و لوله‌ها	اجاق 121°C ، روبش هوای خشک 57°C -	ثبت کننده نقطه شبنم	$\text{Mg}10$
کویل‌های تبخیرکننده (کوچک)	روبش هوای خشکی با نقطه شبنم 59°C - در 240 ثانیه	P_2O_5	25 mg
کویل‌های تبخیرکننده (بزرگ)	روبش هوای خشکی با نقطه شبنم 59°C - در 240 ثانیه	P_2O_5	65 mg
تبخیرکننده‌ها/چگالنده‌ها	اجاق 149°C ، 1 ساعت، روبش هوای خشک	تله سرد	200 mg
	روبش هوای خشک	لوله Nesbitt	90 mg بر m^2 مساحت سطح
واحد چگالشی ($1\text{ kW}25$)	گرمای کارخانه‌ای	P_2O_5	25 تا 85 mg
	روبش هوای خشک	لوله Nesbitt	90 mg بر m^2 مساحت سطح
واحد تهویه مطبوع-هوا	تخلیه تا 22 Pa	P_2O_5	35 mg/kg
	گرمای سیم پیچ 3 ساعته، خلاء 0.5 ساعته	وارسی رطوبت میرد	25 mg/kg
یخچال	اجاق 121°C ، گرمای سیم پیچ dc ، خلاء	تله سرد	200 mg
فریزر	هوای خشک محیطی با نقطه شبنم 59°C -، روبش هوایی با نقطه شبنم 40°C -	P_2O_5	10 mg/kg

کمپرسورها

گرمای سیم پیچ dc			
	گرمای 0.5 ساعته 177°C سیم پیچ dc ، تکرار 0.25 ساعته خلاء	تله سرد	200 mg
	گرمای 88°C سیم پیچ dc ، خلاء 0.5 ساعته	تله سرد	$1/200\text{ mg}$
نیمه درزبند 7 تا 210 kW	گرمای سیم پیچ dc ، تخلیه سازی 30 دقیقه‌ای، شارژ N_2	تله سرد	$3/500\text{ mg}$ تا $1/1000\text{ mg}$
گرمای اجاق			
	اجاق 121°C ، خلاء 4 ساعته	تله سرد	180 mg
	اجاق 121°C ، $5/5$ ساعت در هوایی با نقطه شبنم 51°C -	تله سرد	200 mg
درزبند 2 تا 40 kW	4 ساعت گرمای اجاق 149°C ، هوایی با نقطه شبنم 59°C - در $3/5$ دقیقه	تله سرد	150 تا 400 mg
175 تا 350 kW	اجاق 132°C ، تخلیه 4 ساعته تا 133 Pa	تله سرد	1000 mg
درزبند 5 تا 20 kW	اجاق 171°C ، هوای خشکی با نقطه شبنم 73°C -، $1/5$ ساعته	تله سرد	100 تا 500 mg
نیمه درزبند 7 تا 140 kW	اجاق 121°C ، هوای خشکی با نقطه شبنم 73°C -، $3/5$ ساعته	تله سرد	$0.1/100$ تا $1/1000\text{ mg}$
محفظه باز 20 تا 525 kW	اجاق 79°C ، تخلیه تا 133 Pa	تله سرد	$0.4/200$ تا $2/700\text{ mg}$
کمپرسور اسکرو 7 تا 35 kW	اجاق 149°C در 4 ساعت، 50 ثانیه تخلیه و 10 ثانیه شارژ هوایی با نقطه شبنم 59°C - با 7 مرتبه تکرار	تله سرد	300 تا 475 mg
10 تا 20 kW	هوای خشک 3 ساعته در دمای 135°C	تله سرد	250 mg
25 تا 55 kW	هوای خشکی در دمای 135°C ، خلاء 0.5 ساعته	تله سرد	750 mg



۷۵۰ mg	تله سرد	رویش N ₂ خشک در دمای °C ۱۳۵، تخلیه ۳/۵ ساعته تا ۲۷ Pa	۷۰ تا ۱۴۰ kW
پاشش N ₂ خشک			
-	-	راه اندازی N ₂ ، پاشش N ₂ خشک، شارژ N ₂	نیمه درزبند پیستونی
-	-	راه اندازی R-22، پاشش N ₂ خشک، شارژ N ₂	نیمه درزبند/ درزبند اسکرو
-	-	راه اندازی N ₂ ، پاشش N ₂ خشک، شارژ N ₂	محفظه باز اسکرو
تخلیه			
-	-	تخلیه کمتر از ۲۰۰ Pa، شارژ N ₂	محفظه باز اسکرو، ۱۷۵ تا ۵۳۰۰ Kw
مبرد			
نوعاً ۱۰ mg/kg	تحلیل گر الکترونیکی	مطابق خرید	
رواناسازها			
۲۵ تا ۳۵ mg/kg	شیوه کارل فیشر	مطابق خرید	روغن معدنی
۱۰ mg/kg	رطوبت سنج	مطابق خرید و تخلیه	
۵۰ تا ۸۵ mg/kg	شیوه کارل فیشر	مطابق خرید	پلی ال استر

منابع رطوبت

۲۰

رطوبت سامانه های تبرید می تواند به طرق ذیل تولید و یا ابقاء گردد:

- (۱) ابقاء و حفظ رطوبت بر روی سطوح فلزی
- (۲) تولید رطوبت به وسیله احتراق شعله گازی
- (۳) رطوبت موجود در گدازهای مایع، روغن و مبرد
- (۴) رطوبت جذب شده در داخل مواد عایق بندی موتورهای درزبند
- (۵) رطوبت اخذ شده از محیط کارخانه در زمان فرایند مونتاژ واحد
- (۶) رطوبت ناشی از آب آزاد.

رطوبت موجود در مبرد، تأثیری بر آب زدایی کارخانه ای اجزاء و واحد تبرید ندارد. با این وجود، به دلیل این که مبرد بعد از فرایند آب زدایی به سامانه تزریق می گردد، باید محتوای رطوبت مبرد را در تعیین محتوای رطوبت کلی یک واحد کامل در نظر بگیریم. وابسته به زمان افزودن روغن به اجزاء واحد و یا سامانه، امکان و عدم امکان حذف رطوبت موجود در روغن در زمان آب زدایی وجود دارد.

روغن های معدنی خریداری شده در حجم های زیاد (خرید عمده)، عموماً دارای رطوبتی معادل ۳۰-۲۰ mg/kg هستند. و محتوای رطوبت روان سازهای POE سنتزی معادل ۵۰-۸۵ mg/kg می باشد. این مواد، جزء مواد به شدت نم گیر هستند و در نتیجه برای ممانعت از آلودگی رطوبتی، باید به طور مناسبی مورد بهره برداری قرار گیرند. مبردهای محموله های بزرگ عموماً دارای محدوده رطوبت قابل قبولی معادل ۱۵-۱۰ mg/kg هستند. برای اطمینان از

بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی
با پیشرفته ترین و مدرن ترین خط تولید



IRANIAN BARAK COPPER CO.

www.ibcco.midhco.com

به دقت انتخاب گردد. هوای موجود در اجاق باید دارای کمترین میزان رطوبت باشد، و این میزان پایین از رطوبت باید کاملاً حفظ گردد. هنگامی که آب زدایی تنها به وسیله گرمایش اجزاء انجام می گیرد، زمان و مساحت و فضای گریز رطوبت از عوامل بحرانی این فرایند می باشند؛ بنابراین، ابعاد و اندازه بخش هایی از سامانه که امکان آب زدایی اقتصادی آن ها از طریق این روش وجود دارد، بسیار محدود هستند. در شیوه خلاء، نقطه جوش آب به پایین تر از دمای محیط تنزل می یابد. در این شرایط رطوبت موجود در اجزاء سامانه به بخار تبدیل می گردد، و به وسیله پمپ خلاء تخلیه می شود. جدول ۳ فصل اول از راهنمای استاندارد 2013 ASHRAE- اصول بنیانی^۱، رابطه دما و فشار اشباع آب را نشان می دهد. طبقه بندی خلاء، با توجه به محدوده های فشار مطلق ذیل انجام می گیرد:

1. Fundamentals

فشاری بین ۲/۵-۱۰۱/۳۲۵ kPa
فشاری بین ۰/۱۳۰-۳۵۰۰ Pa
فشاری بین ۰/۱۳-۱۳۰۰ mPa
فشاری بین ۰/۱۳-۱۳۰۰ μPa
فشاری بین ۰/۱۳ و کمتر

خلأ پایین:
خلأ متوسط:
خلأ بالا:
خلأ بسیار بالا:
خلأ فوق بالا:

درجه (میزان) خلاء کسب شده و زمان مورد نیاز برای دستیابی به میزان رطوبت تعیین شده تابعی از عوامل ذیل می باشند:

- (۱) نوع و اندازه پمپ خلاء به کاررفته
- (۲) حجم داخلی اجزاء و یا سامانه
- (۳) اندازه و ترکیب مواد حامل رطوبت موجود در سامانه
- (۴) مقدار رطوبت اولیه موجود در حجم اجزاء
- (۵) ابعاد و اندازه های لوله ها و اتصالات
- (۶) شکل مسیرهای عبور گاز

حفظ سطوح رطوبت مذکور در روغن ها و مبردها، کنترل های لازم کارخانه ای باید انجام گیرند. مواد عایق جدیدتری که در موتورهای درزبند به کار می روند، رطوبت بسیار کمتری را نسبت به موتورهایی با عایق پنبه ای و عایق کاغذ پارچه ای، در خود نگه می دارند. با این وجود تست های انجام گرفته توسط تولیدکنندگان مختلف نشان داده است که استاتور به همراه عایقش، هنوز هم جزء منابع اصلی رطوبت موجود در کمپرسورها می باشد.

آب زدایی به وسیله گرما، خلاء و یا هوای خشک

به وسیله قرار دادن اجزاء سامانه در داخل اجاق و یا به وسیله استفاده از گرم کننده های مادون قرمز می توان از گرما برای فرایند رطوبت زدایی استفاده کرد. برای جلوگیری از خرابی مواد سنتزی به کاررفته و برای ممانعت از تجزیه هر مقدار از روغن موجود در کمپرسورها، دمای اجاق باید



کوتاه‌تر و خشک‌شدگی یکنواخت‌تر سامانه، ترجیح‌پذیرتر می‌باشند.

* شیوه گرما و خلاء:

گرما می‌تواند رطوبت جذب‌شده در داخل سطوح مواد را بیرون کشیده و از دیواره‌های تجهیز، خارج سازد. خلاء نیز با کاهش نقطه‌جوش، نرخ پمپاژ را موثرتر می‌سازد. می‌توان از منابع گرمایشی نظیر اجاق، لامپ‌های مادون

قرمز، و یا گردش جریان ac و یا dc از میان سیم‌پیچ‌های داخلی موتور کمپرسورهای درزبند و نیمه‌درزبند استفاده کرد. همچنین می‌توان از ترکیبی از فرایندهای خلاء، گرما و خلاء مجدد استفاده کرد.



* شیوه گرما و هوای خشک:

گرما موجب خروج رطوبت از میان مواد می‌گردد. و هوای خشک رطوبت را از سامانه و یا اجزاء آن بیرون کشیده و دفع می‌کند. هوای خشک به‌کاررفته در این شیوه باید دارای نقطه شبنمی بین 40°C - و 73°C باشد. منابع گرما نیز مشابه با منابعی هستند که در مطالب بالا به آن‌ها اشاره شده است. با ترکیب فرایند گرمایشی با فرایند خلاء، می‌توان بر سرعت فرایند مذکور (گرمایش) افزود. شیوه گرما و هوای خشک، شیوه‌ای موثر برای کمپرسورهای باز، درزبند، و نیمه‌درزبند می‌باشد. برای جلوگیری از خرابی قطعات کمپرسور و یا تجزیه روغن باقیمانده موجود (در صورت وجود)، دمای گرمایشی باید به دقت انتخاب گردد.

مزایا و محدودیت‌های شیوه‌های مختلف شدیداً به طراحی سامانه و یا اجزاء آن و همچنین به نتایج

(۷) دماهای ثابت (حفظ شده) خارجی.

نرخ پمپاژ پمپ خلاء تنها در صورتی که واحد مورد نظر از طریق یک روزنه کندوکتانس - محدودکننده‌ای نظیر شیر تخلیه، تخلیه نشود، اهمیت می‌یابد. میزان رطوبت بیش از حد، نظیر حباب‌هایی از آب کثیف زمان زیادی را برای حذف رطوبت طلب می‌کنند و دلیل آن نیز ناشی از انبساط حجم مذکور به حالت بخار می‌باشد.

اندازه گیری خلاء باید مستقیماً در خود تجهیز (یا تا حد امکان نزدیک به آن) انجام گیرد و نه در پمپ خلاء. از کاربرد لوله‌هایی با قطر کوچک و یا لوله‌کشی طولانی میان پمپ و تجهیز خودداری کنید،

زیرا افت‌های فشار خط/اریفیس (روزنه اندازه‌گیری) موجب کاهش میزان تخلیه واقعی تجهیز می‌گردند. در صورت مکش و یا تغذیه هوای خشک یا نیتروژن به داخل تجهیزات موردنظر برای اجرای فرایند آب‌زدایی، فرایند اشباع‌شدگی رطوبت، موجب آب‌زدایی کلی یا جزئی رطوبت می‌شود. در سامانه‌هایی با چندین مسیر گذر باز و یا بسته، جریان کافی‌ای برای آب‌زدایی وجود نخواهد داشت. نرخ جریان باید به گونه‌ای باشد که حذف بهینه رطوبت را سبب گردد و کسب این هدف نیز به دما و طراحی کلی سامانه وابسته است.

شیوه‌های ترکیبی

هر کدام از شیوه‌های تشریح‌شده در بالا، در صورت کنترل دقیق، می‌توانند موثر و تاثیرگذار باشند، اما ترکیبی از این شیوه‌ها به دلیل زمان خشک‌سازی



*** شیوه تله سرد:**

این روش، یکی از متداول ترین روش ها برای تعیین رطوبت باقیمانده می باشد، که با پایش سامانه آب زدایی، اطمینان لازم را در تولید تجهیزاتی مطابق با الزامات مشخصات رطوبت مورد نظر ایجاد می کند. بعد از تکمیل فرایند آب زدایی، یکی از تجهیزات را به عنوان نمونه مورد نظر انتخاب می کنیم و سپس با قرار دادن تجهیز مذکور در داخل یک اجاق، آن را به مدت ۴ تا ۶ ساعت در دمایی بین ۵۶ °C

تا ۱۳۵ °C (وابسته به محدودیت های نمونه مذکور) گرم می کنیم. در طول زمان گرمایش، خلائی توسط بطری تله سرد غوطه ور در استون و محلول یخ خشکی (با ماده معادل آن) که عموماً در دمای حدود ۷۳- °C نگهداری می گردند، ایجاد



است. تست های انجام گرفته توسط تولید کنندگان نشان می دهند که گرمایش (پخت) اجاق ۱۳۸ برای ۱/۵ ساعت، و تخلیه ۲۰ دقیقه ای پس از آن می تواند به طور موثری موجب آب زدایی

مطلوب مورد نظر وابسته می باشند. گودارد^۲ (۱۹۴۵) تخلیه دوگانه با روبش هوا (عبور جریان عوامل از درون تجهیزات) را در میان فرایندهای خلاء، به عنوان موثرترین روش در نظر گرفته است، در حالی که لارسن و الیوت^۳ (۱۹۵۳) باور دارند که شیوه هوای خشک، در صورت کنترل دقیق آن، و به دلیل ادغام تخلیه ۱/۵ ساعته، بعد از هر تغذیه هوای داغ، دارای تاثیرگذاری یکسانی مشابه شیوه خلاء بوده و هزینه آن نیز به مراتب کمتر

است. تست های انجام گرفته توسط تولید کنندگان نشان می دهند که گرمایش (پخت) اجاق ۱۳۸ برای ۱/۵ ساعت، و تخلیه ۲۰ دقیقه ای پس از آن می تواند به طور موثری موجب آب زدایی کمپرسورهایی گردد که از مواد عایق جدیدتری استفاده می کنند.

اندازه گیری رطوبت

اندازه گیری صحیح میزان رطوبت در یک بخش و یا یک سامانه آب زدایی شده، فرایند بسیار مهمی می باشد، اما همواره کار ساده ای نیست. جدول ۱ فهرستی از شیوه های اندازه گیری به کاررفته توسط تولیدکنندگان مختلف را ارائه کرده است و شیوه های دیگری نیز در این متن ارائه می گردند. با این وجود در این مورد استانداردهای بسیار کمی در اختیار و در دسترس ما هستند و حدود رطوبت مجاز تعریف شده توسط تولیدکنندگان مختلف نیز با یکدیگر متفاوت می باشند.

2. Goddard

3. Larsen and Elliot

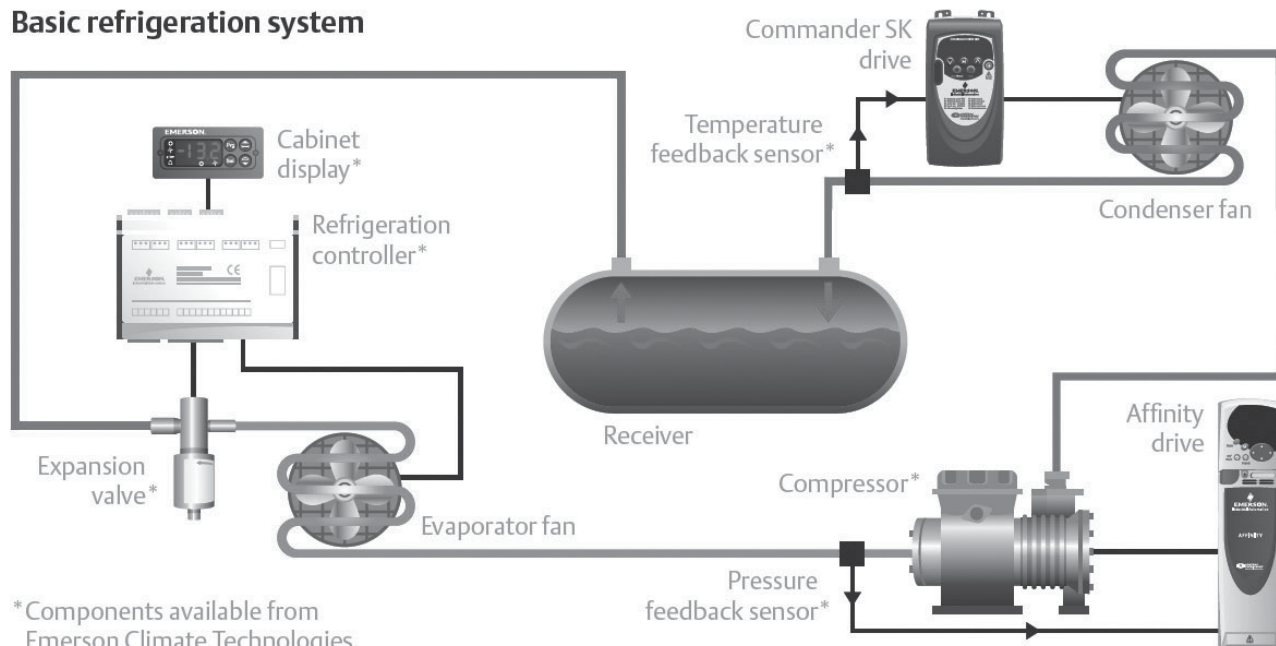
می شود. سطوح خلاء ایجاد شده بین ۱۳- Pa تا ۱/۳ هستند، که البته مقادیر خلاء بیشتر (فشار کمتر)، دارای ارجحیت بالاتری می باشند. عوامل مهم و موثر شامل نشستی ناپذیری (درزبندی) سامانه خلاء، و تمیزی و خشکی بطری تله سرد می باشند.

*** پس نشستی خلاء:**

اندازه گیری نرخ پس نشستی خلاء، ابزار دیگری برای بررسی اجزاء سامانه و یا سامانه های مورد نظر برای اطمینان از عدم وجود بخار آب می باشد. این روش عمدتاً به همراه فرایند تخلیه یک واحد و یا سامانه به کار می رود، و قبل از شارژ نهایی میرد، تمامی گازهای چگالش ناپذیر را حذف می سازد. شیوه آزمایشی مذکور امکان واریسی هر واحد را فراهم می کند، اما افزایش فشار می تواند با سرعت بالایی وجود نشستی و همچنین



Basic refrigeration system



* Components available from Emerson Climate Technologies.

۲۴

به نقطه‌شبنم هوای ورودی تغییر می‌یابد. مشابه با تمامی سامانه‌ها و شیوه‌های تشریح شده در این فصل، مقادیر قابل قبول و مجاز موردنظر به اندازه، نحوه استعمال، و حدود رطوبت مطلوب وابسته می‌باشند.

* شیوه ثقل‌سنجی:

در این شیوه که توسط استاندارد ASHRAE 35 تشریح شده است، مقدار کنترل‌شده‌ای از مبرد از میان دسته متوالی از فلاسک‌های محتوی پنتوکسید فسفردار (P_2O_5) عبور می‌کند، و افزایش جرمی ماده شیمیایی مذکور (ناشی از افزایش رطوبت) اندازه‌گیری می‌گردد. با وجود این‌که روش مذکور، روشی مطلوب برای مبردهای خالص به شمار می‌رود، هر آلاینده روغنی موجود در مبرد می‌تواند نتایج نامناسب و غیردقیقی را ایجاد کند. این شیوه تنها باید در یک آزمایشگاه و یا تحت شرایط کاملاً کنترل‌شده به انجام رسد. همچنین این روش، روشی زمان‌بر است و نمی‌توان از این روش برای مقادیر تولید بالا استفاده کرد. به‌علاوه،

آب‌زدایی ناقص را نشان دهد. ممکن است که در این شیوه، عامل زمان، عاملی بحرانی باشد، و به این علت باید به دقت مورد بررسی قرار گیرد. بلیر و کاهون^۴ (۱۹۴۶) نشان دادند که مساحت کوچک در تماس با حجم نسبتاً بزرگ آب می‌تواند تنها موجب افزایش آرام فشار بخار گردد. همچنین این شیوه شرایط واقعی سامانه شارژ شده (پُر شده از مبرد) را ارائه نمی‌کند.

* نقطه شبنم:

هنگام به‌کارگیری هوای خشک، یکی از شیوه‌های کاملاً رضایت‌بخش بررسی و ارزیابی خشک‌شدگی سامانه، شامل قرائت نقطه‌شبنم هوا در زمانی است که هوای خشک از بخشی از سامانه در حال خشک شدن خارج می‌گردد. اگر جریان هوا نسبتاً آرام باشد، اختلاف ملموسی بین نقطه‌شبنم هوای ورودی و خروجی از قطعه مذکور وجود خواهد داشت، و کاهش نقطه‌شبنم هوای خروجی در نهایت تا رسیدن

4. Blair and Calhoun

بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی
با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین خط تولید



IRANIAN BARAK COPPER CO.

www.ibcco.midhco.com

دمای کاری حس گر، اصلاح گردد.

*** آشکارساز رطوبت کریستنسن^۶:**

آشکارساز رطوبت کریستنسن برای بررسی سریع اجزاء و یا واحدهای غیرمتغیر و یا واحدهای موجود در خط تولید به کار برده می شود. در این روش، در ابتدا هوای خشک به داخل بخش آبدزایی شده دمیده می شود و سپس از روی مقدار اندازه گیری شده ای از سولفات کلسیم ($CaSO_4$) عبور داده می شود. دمای $CaSO_4$ متناسب با مقدار آب جذب شده توسط آن، افزایش می یابد، و بدین ترتیب امکان تنظیم و پایش محدوده های مطلوب و مورد نظر میسر می گردد. یکی از تولیدکنندگان گزارش داده است که به وسیله این روش، کویل ها در زمان کوتاه ۱۰ ثانیه ای مورد بررسی قرار گرفته اند. محدوده های رطوبت این آشکارساز در حدود ۲-۶۰ mg می باشند. اصلاحاتی نیز باید برای گونه های مختلفی از اندازه دانه های جاذب رطوبت، مقدار هوای عبوری از میان جاذب و اختلاف دماهای تجهیزات و اجزاء مختلف لحاظ گردد.

*** شیوه کارل فیشر:**

در سامانه های حاوی مبرد و روغن، تعیین رطوبت به طرق ذیل انجام می شوند:

(۱) اندازه گیری پایداری دی الکتریک یا

(۲) شیوه کارل فیشر (رید^۷، ۱۹۵۴).

در این شیوه، نمونه مورد نظر در مخلوطی از کلوروفورم، متیل الکل و واکنش گر کارل فیشر، چگالیده و سرد می گردد و سپس هنگامی که محلول مذکور تا دمای اتاق گرم می شود، مبرد مورد نظر تبخیر می گردد. زمانی که مبرد تبخیر می گردد،

این روش، روش موثری برای سامانه های محتوی مقادیر پایین مبرد نمی باشد، و دلیل آن ناشی از آن است که برای کسب نتایج دقیق، این روش نیازمند مقادیری بین ۲۰۰-۳۰۰ g مبرد است. اگر این روش بر روی سامانه هایی اجرا گردد که تخلیه هر مقداری از مبرد موجب تغییر کارایی سامانه شود، بعد از اجرای این شیوه، شارژ مجدد مبرد الزامی می باشد.

*** رطوبت سنج اکسید آلومینیوم:**

رطوبت سنج اکسید آلومینیوم، حس گری شامل یک نوار آلومینیومی می باشد که توسط فرایند ویژه ای برای ایجاد یک لایه متخلخل اکسید، آنودیزه شده است. پوشش بسیار نازکی از طلا نیز (از طریق ذوب طلا بر روی نوار آلومینیومی) سطح ساختار مذکور را پوشانده است. سطح مبنای آلومینیومی و لایه طلا، در واقع دو الکترودی هستند که اساساً یک خازن اکسید آلومینیوم را تشکیل می دهند.

در حس گر مذکور، بخار آب از میان لایه طلا عبور می کند و بر روی دیواره های روزنه های اکسید آلومینیوم و در ارتباط مستقیم با فشار بخار آب محیط احاطه کننده حس گر، به حالت تعادل می رسد. تعداد مولکول های آب جذب شده توسط ساختار اکسیدی مذکور، موجب ایجاد امپدانس (مقاومت ظاهری) الکتریکی حس گر و برقراری خروجی جریان الکتریکی می شوند که دارای تناسب مستقیم

با فشار بخار آب می باشد. ابزار مذکور برای هر دو حالت ماده یعنی، گازها و مایعات و در محدوده دمایی $70^{\circ}C$ تا $110^{\circ}C$ و محدوده فشاری در حدود ۱ Pa تا $34/5 MPa$ مناسب می باشد. ثابت قانون هانری^۵ (ppm) جرمی اشباع آب سیال تقسیم بر فشار بخار اشباع آب در یک دمای ثابت) برای هر سیال باید تعیین گردد. برای بسیاری از سیال ها، ثابت مذکور باید متناسب با

5. Henry's Law constant



در سراسر الکترودها اعمال می‌گردد، آب جذب‌شده در فیلم مذکور، به هیدروژن و اکسیژن تجزیه می‌شود و مطابق با قانون اول الکترولیز فارادی، موجب ایجاد جریان dc می‌گردد. جریان ایجاد شده متناسب با جرم محصولات تجزیه (تجزیه الکتریکی) شده است. به دلیل وجود تبخیرکننده داخلی در ابزار مذکور، می‌توان از این ابزار برای تحلیل مایعات و بخار استفاده کرد. این ابزار برای تحلیل میردهای هالوکربنی رایج مناسب می‌باشد، اما نمونه‌های به‌کاررفته باید عاری از روغن و آلاینده‌های دیگر باشند. در تست‌های انجام‌گرفته بر روی جاذب‌های رطوبت، این شیوه برای مبرد R-22 نتایج دقیق و سریعی را به دنبال دارد.

* شناساگر شیشه مرئی:

در سامانه‌های کاملاً شارژ‌شده هالوکربونی، یک شناساگر شیشه مرئی را می‌توان در خطوط مبرد مورد استفاده قرار داد. این ابزار شامل یک کف شیمیایی رنگی می‌باشد که از میان شیشه رنگی، قابل رویت است، و رطوبت اضافی (بیش از حد) را به‌وسیله تغییر رنگ، نشان می‌دهد. الزامات این شیوه شامل کارکرد سامانه در طول دوره زمانی مناسب برای گردش رطوبت در سراسر کف شیشه مرئی می‌باشد. این شیوه رطوبت را تنها به‌طور کیفی با مقدار استاندارد ثابتی مقایسه می‌سازد. شناساگرهای شیشه مرئی در سامانه‌های دویخشی (اسپلیت) آب‌زدایی‌شده کارخانه‌ای و به‌صورت کسب اطمینان لازم از خشک‌شدگی آن‌ها بعد از نصب میدانی (در محل نصب)، و شارژ مبرد به‌کار گرفته شده‌اند و به‌طور متداولی برای پایش رطوبت موجود در سامانه‌های درحال کار، به‌همراه خشک‌کن-فیلترها مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

* ملاحظات ویژه:

با وجود این‌که تمامی شیوه‌های تشریح‌شده در این بخش قادر به اندازه‌گیری موثر و مناسب رطوبت هستند، کاربرد آن‌ها در کارخانه نیازمند اقدامات احتیاطی معینی می‌باشد. اپراتورها باید آموزش‌های لازم را در استفاده از تجهیزات مذکور فراگرفته باشند و یا اگر تحلیل مذکور در یک آزمایشگاه به‌انجام می‌رسد، شیوه صحیحی از ایمن‌سازی نمونه‌ها باید

محلول باقیمانده فوراً تا یک نقطه انتهایی الکترومتری توقف نهایی عیارسنجی می‌گردد و مقدار رطوبت تعیین می‌شود. این روش نیازمند یک نمونه ۱۵ g از مبرد می‌باشد و حدود ۲۰ دقیقه به طول می‌انجامد. برای تأیید نتایج کسب شده، بررسی‌های متعددی انجام می‌گیرد. این روش عموماً برای مقادیری کمتر از ۱۵ mg/kg نتایج دقیقی به همراه ندارد؛ با این وجود، از این روش می‌توان برای واریسی سامانه‌های کامل نیز استفاده کرد و دلیل آن نیز ناشی از عدم نیاز این شیوه به جوشاندن (تبخیر) روغن به خارج از مبرد است. رید اشاره می‌کند که افزودنی‌های موجود در روغن (در صورت وجود)، برای اطمینان از عدم تأثیر و مداخله آن‌ها در واکنش‌های این شیوه، باید مورد بررسی قرار گیرند. همچنین شیوه کارل فیشر را می‌توان تنها برای تعیین رطوبت موجود در روغن مورد استفاده قرار داد (استاندارد ASTM D 117، مورتون و فاجس^۸، ۱۹۶۰، رید، ۱۹۵۴).

یک شیوه جایگزین شامل تزریق مستقیم ۱۰-۵ g از نمونه مبرد به داخل واکنش‌گرهای کارل فیشر در یک نرخ جریان ثابت و با استفاده از ابزار کاهنده فشاری نظیر یک لوله موئین می‌باشد. بعد از عبور کامل مبرد از میان واکنش‌گر، میزان رطوبت به‌وسیله عیارگیری (تیتراسیون) خودکار یک نقطه انتهایی الکترومتری توقف نهایی تعیین می‌گردد. این شیوه حدود ۱ ساعت به طول می‌انجامد و عموماً برای مقادیری برابر ۵ mg/kg دارای دقت خوبی می‌باشد.

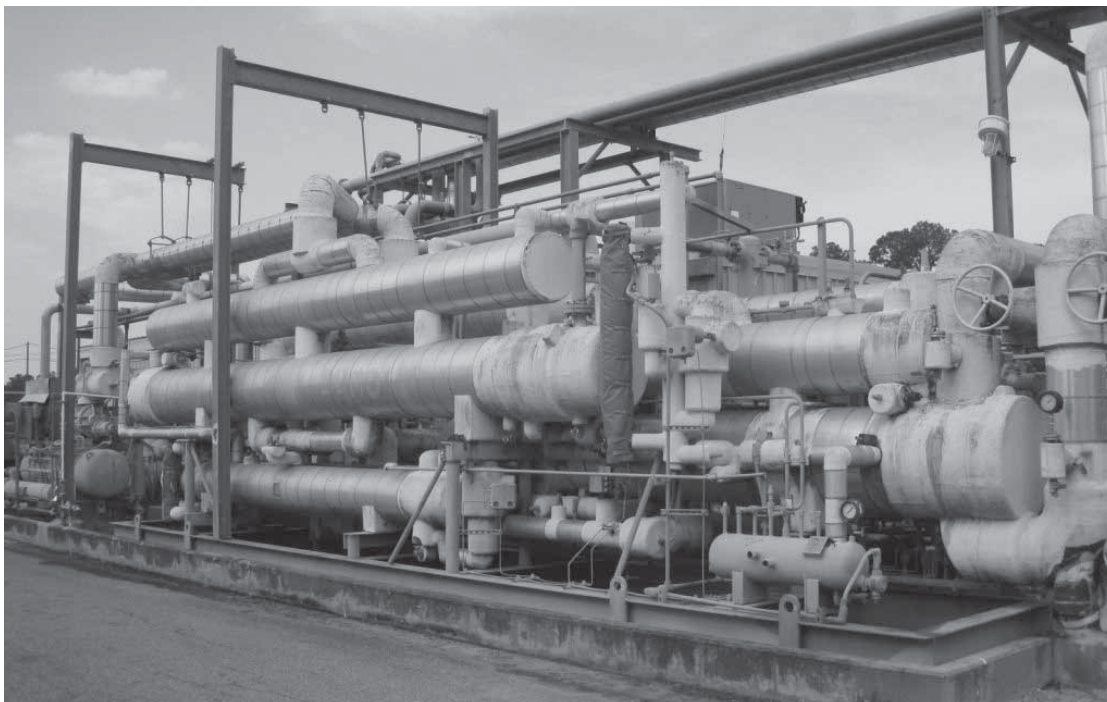
* تحلیل‌گر آب الکترولیتی:

تیلور^۹ (۱۹۵۶) یک تحلیل‌گر آب الکترولیتی را که به‌طور ویژه‌ای برای تحلیل مقادیر رطوبت موجود در یک فرایند پیوسته و همچنین در نمونه‌های مجزا (گسسته) طراحی شده است را تشریح می‌کند. ابزار مذکور نمونه مبرد را به شکل بخار از میان عنصر حساسی شامل یک فیلم اسیدفسفریک که دو الکتروود پلاتینی را در بر گرفته است، عبور می‌دهد؛ فیلم اسیدی رطوبت را جذب می‌کند. هنگامی که یک ولتاژ dc

8. Morton and Fuchs

9. Taylor





مذکور، ابزار دقیق و مناسب برای تولید انبوه می باشد. در طول شارژ سامانه، مبرد و روغن باید به طور دقیقی منتقل گردند. مکان و زمان شارژ روغن و مبرد، تاثیر شدیدی بر عمر مفید سامانه دارد. برای جلوگیری از پیچیدگی های غیر ضروری ایجاد حباب های ریز (کف کردگی)، ماسیدگی روغن و توزیع نامناسب روغن و غیره، شارژ واحد مورد نظر با روغن باید قبل از شارژ مبرد انجام گیرد. در هنگام شارژ مبرد باید از تجمع (ماسیدگی) مایع در طول راه اندازی اولیه جلوگیری گردد. بهترین روش برای انجام این عمل، شارژ کردن واحد از سمت فشار بالای آن می باشد. خطوط مبرد باید خشک و تمیز باشند و تمامی خطوط شارژ باید در شرایط بدون رطوبت و گازهای چگالش ناپذیر نگاهداری شوند. همچنین محفظه های جدید باید به ابزار تخلیه مناسبی متصل گردد. عدم دقت در رعایت این موارد احتیاطی می تواند منجر به ایجاد رطوبت و گازهای چگالش ناپذیر زیادی در سامانه های تبرید گردد. سامانه های ذخیره و شارژ روغن باید برای جلوگیری

لحاظ گردد. فلاسک های نمونه باید کاملاً خشک و عاری از آلاینده ها باشند. خطوط سامانه نیز باید کاملاً تمیز، خشک و به طرق صحیحی تخلیه شده باشند. شیوه های تعیین وزن نمونه، زمان مورد نیاز در طول سیکل و موقعیت قطعه نمونه باید به روشنی تعریف گردند و به دقت اجرا شوند. برای کسب قرائت های همسان، وارسی و کالیبره سازی تجهیزات باید بر طبق مبنایی منظم انجام گیرد.

شارژ مبرد

دقت مورد نیاز در هنگام شارژ مبرد یا روغن به داخل یک واحد به اندازه و کاربرد واحد بستگی دارد. تجهیزات تغذیه مبرد (دستی یا خودکار) باید متناسب با شرایط ویژه تاسیسات انتخاب گردند. شارژ استاندارد در جایی به کار می رود که دقت زیادی نیاز نبوده و یا نرخ تولید بالایی وجود نداشته باشد. تابلوهای شارژ کاملاً خودکار با بررسی خلاء موجود در واحدها، خط شارژ را تخلیه کرده و مقدار مورد نیاز و مطلوب روغن و مبرد ورودی به سامانه را اندازه گیری می کنند. ابزار



و ASHRAE ارائه شده‌اند. واحدها و یا اجزای که از درزبندهای ترکیبی به عنوان درزبندهای اتصالی استفاده می‌کنند، باید بعد از فرایند آب‌زدایی، تحت تست نشتی نهایی قرار گیرند. سفت کردن مجدد پیچ‌ها بعد از فرایند آب‌زدایی می‌تواند به کاهش نشتی ناشی از درزبندها کمک کند.

شیوه‌های شناسایی نشتی

* تست غوطه‌وری در آب:

تست غوطه‌وری در آب شیوه‌ای از اجرای تست استحکام و نشتی می‌باشد. جسم مورد آزمایش تا فشار مثبت معینی تحت فشار قرار می‌گیرد و سپس در یک تانک کاملاً روشن (قابل مشاهده از بیرون) پر شده با آب تمیز فرو برده می‌شود. چندین دقیقه برای ایجاد و توسعه مسیر حباب‌های کوچک و تشخیص نشتی احتمالی به طول می‌انجامد. توجه کنید که حباب‌ها می‌توانند بر روی یک سطح و به عنوان نتیجه‌ای از خروج گاز پدیدار شوند و توسعه و ایجاد مسیری از حباب‌ها، یک عامل کلیدی می‌باشد. این روش اجرای تست نشتی دارای قابلیت و حساسیت شیوه‌های طیف‌نمایی جرمی و یا شیوه‌های کشف نشتی الکترونیکی نیست، اما برای تولید حجم - بالا مناسب است.

* کشف نشتی توسط حباب صابون:

برای مناطق مشکوک به نشتی، نشتی‌های با نرخ بالای سامانه‌های تحت‌فشار را می‌توان به‌وسیله استفاده از یک محلول آب صابون مشخص کرد. حباب‌های تشکیل‌شده در محلول نشان‌گر نشتی مبرد می‌باشند.

* کشف نشتی فلورسنت:

این سامانه شامل تزریق مقدار کوچکی از یک افزودنی فلورسنت به داخل شارژ روغن/ مبرد یک سامانه در حال کار می‌باشد. نشتی به شکل تابش زرد-سبزی در زیر یک لامپ فرابنفش (UV) مشاهده می‌گردد. این روش برای سامانه‌های هالوکربنی، روش مناسبی می‌باشد. به دلیل وجود ماده افزودنی در روغن، و برای اجتناب از کسب نتایج غلط ناشی

از آلودگی و تماس مستقیم بین روغن و هوا به طور مناسبی طراحی و نگهداری گردند. برای اطمینان از تطابق ویژگی‌های روغن و مبرد منتقل‌شده به واحد تبرید، با ویژگی‌های مطلوب مورد نظر، واریتهای منظم رطوبت و آلاینده‌ها باید در ایستگاه شارژ انجام گیرند. کمپرسورهای شارژ‌شده با روغن که برای ذخیره در انبار و یا حمل به مناطق دیگر به کار می‌روند، باید با نیتروژن خشک شارژ گردند. کمپرسورهای بدون روغن را می‌توان با هوای خشک شارژ نمود. در هر دو مورد، دریچه‌های مکش و تخلیه باید با درپوش‌های لاستیکی و یا ابزار مناسب دیگر مسدود گردند.

اجرای تست‌های نشتی

ضمانت‌های طولانی و شارژهای بحرانی مبرد بیان‌گر اهمیت تشخیص صحیح نشتی، قبل از شارژ واحد می‌باشند.

استاندارد ASHRAE 147 نرخ نشتی مجاز را برای مبردهای معینی (برای مثال، نه بیشتر از ۳ گرم بر سال از مبرد R-22 در فشار ۱/۰۳ MPa). ارائه کرده است. سامانه‌ای با میزان ۱۰۰ تا ۲۰۰ گرم از مبرد و ضمانت‌نامه ۵ ساله باید اساساً هیچ‌گونه نشتی‌ای نداشته باشد، در حالی که در سامانه‌ای با ۴/۵ تا ۹ کیلوگرم مبرد، اتلاف ۳۰ گرم از مبرد در ۱ سال دارای تاثیر زیادی بر کارایی سامانه نخواهد داشت. هر نشتی‌ای در سمت کم‌فشار سامانه‌ای که در زیر فشار اتمسفریک کار می‌کند، صرف‌نظر از میزان شارژ مبرد می‌تواند خطرناک باشد. قبل از اجرای هر گونه تست نشتی، اجزاء و یا سامانه را باید تحت تست استحکام قرار داد که فشار این تست بسیار بالاتر از فشار تست نشتی می‌باشد. تست مذکور از ایمنی واحد مذکور در زمانی که واحد موردنظر تحت فشاری در شرایط روباز (بدون پوشش) آزمایش می‌گردد، اطمینان می‌دهد. فشارهای تست طراحی قابل اجرا برای اجزاء پایین‌دست و بالادست سامانه توسط آزمایشگاه‌های بیمه‌کننده (UL)، انجمن مهندسان مکانیک آمریکا (ASME)، موسسه استانداردهای ملی آمریکا (ANSI)،



داشتن آلاینده‌ها از ناحیه تولید می‌گردد و گازهای آلاینده را از واحدهای دارای نشستی دور می‌کند. سیگنال صوتی این امکان را فراهم می‌سازد که تمرکز اپراتور ردیاب تنها بر روی جستجوی نشستی باشد و نیازی به نگاه کردن به هیچ تابش و یا صفحه مدرجی نباشد. همچنین نگهداری از تجهیز مذکور مشکلاتی را به وجود می‌آورد، به این علت که حساسیت ردیاب باید در فاصله‌های زمانی کوتاهی مورد بررسی قرار گیرد. قرار گرفتن ردیاب در مقابل مقادیر بزرگی از مبرد موجب کاهش حساسیت ردیاب می‌گردد. قبل از کاربرد ابزار الکترونیکی، یک بررسی تقریبی (برای مثال، اجرای تست زیرآبی) مکرر برای کشف نشستی‌های بزرگ انجام می‌گیرد.

*** طیف‌نمایی جرمی:**

در این روش، واحد تحت‌تست مورد تخلیه قرار می‌گیرد و سپس به‌وسیله مخلوطی از هلیوم - و - هوا احاطه می‌گردد. خلاء توسط یک طیف‌نمای جرمی نمونه‌گیری می‌گردد و هر اثری از هلیوم، وجود یک یا چند نشستی را نشان می‌دهد. بسیاری از تولیدکنندگان تجهیزات از شیوه کشف نشستی طیف‌نمایی جرمی استفاده می‌کنند و دلیل آن نیز ناشی از حساسیت بالای آن است؛ طیف‌نمایی‌های جرمی قادر به کشف نشستی‌هایی از $10^{-7} \text{ mm}^3/\text{s}$ هستند. این شیوه عموماً برای اندازه‌گیری همزمان نرخ کلی نشستی ناشی از تمامی اتصالات به کار می‌رود. محدودیت اصلی این شیوه شامل هزینه‌های تجهیزات تست و مواد مصرفی بالاتر این شیوه نسبت به شیوه‌های کشف نشستی دیگر می‌باشد. سطوح تست مربوط به تجهیزات تولیدی عموماً در مقداری نزدیک $10^{-6} \text{ mm}^3/\text{s}$ تنظیم می‌شوند. غلظت موردنیاز هلیوم به نشستی بیشینه مجاز، پیکربندی سامانه تحت‌تست، زمانی که سامانه می‌تواند در محیط هلیومی باقی بماند، و سطح خلاء داخلی سامانه وابسته است؛ سطح پایین‌تر خلاء، بیان‌گر قرائت‌های بالاتر هلیوم می‌باشد. زمان طولانی‌تری که واحد موردنظر در معرض محیط هلیومی قرار می‌گیرد، بیان‌گر غلظت پایین‌تر لازم برای حفظ حساسیت مورد

از تست‌های ایجادشده به‌وسیله باقیمانده روغن پس‌ماند، تمیزکاری کلی سامانه بعد از تعمیر نشستی الزامی می‌باشد. همچنین تشخیص تابش فلورسنت در نور طبیعی روز، مشکل می‌باشد.

*** اجرای تست فشار:**

جسم موردتست، تحت فشار و یا خلاء کاملاً درزبند می‌گردد و هر موردی از کاهش و یا افزایش فشار در طول زمان، وجود نشستی را نمایان می‌سازد. غالباً از نیتروژن خشک به‌عنوان واسطه‌ای برای اجرای تست فشار استفاده می‌شود. محدودیت‌های این شیوه شامل زمان مورد نیاز برای اجرای تست، کمبود میزان حساسیت و ناتوانی در تعیین مکان هر نشستی (در صورت وجود) احتمالی می‌باشد.

*** اجرای تست نشستی الکترونیکی:**

آشکارساز نشستی الکترونی شامل ردیابی است که هوا را از روی یک دیود پلاتینی عبور می‌دهد و نشر یون مثبت از دیود پلاتینی در حضور یک گاز هالوژن به شدت افزایش می‌یابد. نشر افزایش‌یافته یون مثبت به یک سیگنال مرئی و یا صوتی تبدیل می‌شود. اجرای تست الکترونیکی به همراه چراغ‌های هالیدی دارای مضراتی شامل این موارد است: هر ناحیه مشکوک باید مورد کاوش قرار گیرد و آلودگی موجود می‌تواند موجب حساسیت کمتر تجهیز گردد؛ با این وجود، این شیوه مزایایی نیز دارد: اساساً حساسیت افزایش‌یافته، جزء مزایای آن می‌باشد. با استفاده از یک آشکارساز به‌خوبی نگهداری‌شده می‌توان نشستی‌ای با یک نرخ $10^{-3} \text{ mm}^3/\text{s}$ (استاندارد)، که تقریباً معادل اتلاف ۳۰ گرمی مبرد در طول ۱۰۰ سال می‌باشد را تشخیص داد. همچنین عدم حساسیت تجهیز در نقطه‌ای که نشستی‌ها در زیر یک نرخ از پیش تعیین‌شده قرار دارند، قابل تشخیص نیستند. برای اجرای این مورد، برخی از مدل‌ها دارای یک ویژگی جبرایی خودکار می‌باشند. مشکل آلودگی با بهبود حساسیت، بحرانی‌تر می‌گردد، بنابراین واحد تحت‌آزمایش را در محفظه‌ای قرار می‌دهند که به‌وسیله هوای خارجی تا حدودی تحت فشار گرفته است و این عمل موجب دور نگه



می‌شود. در سامانه‌های بزرگ، به دلیل نیاز به زمان کافی برای عبور هلیوم از نقاط نشستی به طیف‌نمای جرمی، زمان انتظار مناسبی باید لحاظ گردد. برای

صرفه‌جویی در زمان، مناطق ایزوله شده (برای مثال، خم‌های ۱۸۰ درجه موجود بر روی یک انتهای کوئل) باید پوشانده شوند و سپس با افشادن (اسپری) هلیوم



ظهور نشان‌های (اثرهای) هلیوم بر روی طیف‌نمای جرمی باید لحاظ شوند.

به مانند شیوه‌های دیگر تشریح‌شده در این فصل، بهترین شیوه اجرای تست با استفاده از شیوه طیف‌نمایی برای

بر روی آن‌ها، وجود و یا عدم‌وجود نشستی در این نواحی تعیین گردد.

ملاحظات ویژه

دو گروه عمومی از کشف نشستی وجود دارند: گروهی که قبل از تزریق مبرد به داخل سامانه، اجازه و امکان واریسی نشستی را ارائه می‌دهند، و گروهی که برای واریسی نشستی به وجود مبرد نیاز دارند. مزیت شیوه‌هایی که از مبرد استفاده نمی‌کنند آن است که گرمای به‌کاررفته برای تعمیر اتصالات دارای اثرات نامطلوبی نمی‌باشد. در واحدهای حاوی مبرد، قبل از فرایند جوشکاری، زردجوشکاری، و یا لحیم‌کاری، مبرد باید از سامانه خارج گردد و گازها و بخارهای موجود نیز از واحد مذکور تخلیه گردند. در این شیوه از تجزیه مبرد و افزایش فشار جلوگیری می‌شود که می‌تواند مانعی برای تکمیل موفقیت‌آمیز یک اتصال سالم شود. تمامی تجهیزات آزمایش نشستی باید برای اطمینان از حساسیت بیشینه مطلوب، به‌طور مکرر کالیبره شوند. عموماً آشکارساز نشستی الکترونیکی و طیف‌نمای جرمی توسط تجهیزات فراهم‌شده توسط تولیدکننده کالیبره می‌گردند. عموماً طیف‌نماهای جرمی را با استفاده از یک فلاسک محتوی هلیوم مورد واریسی

نیاز می‌باشد. اگر، به دلیل شکل واحد تست، یکی از نشستی‌های موجود در فاصله‌ای دور از نقطه نمونه‌گیری قرار گیرد، ایجاد خلاء مناسب و زمان کافی برای

اجرای آزمایشی هزینه-کارآ، شامل تعیین محل و مشخص کردن درزهای کالیبرشده در نقاط انتهایی واحد تست و سپس تنظیم زمان در معرض‌گذاری و غلظت هلیوم می‌باشد. یکی از تولیدکنندگان، نشستی مبرد ۱/۴ گرم بر سال را با استفاده از غلظت ۱۰ درصدی هلیوم و در معرض‌گذاری واحد موردآزمایش در مدت ۱۰ دقیقه، گزارش کرده است.

حساسیت شیوه طیف‌نمایی جرمی می‌تواند به‌وسیله مشخصات سامانه تحت‌آزمایش، محدود گردد. به دلیل این‌که در این شیوه تنها نرخ نشستی کلی قابل‌تشخیص می‌باشد، ادعای اینکه نرخ نشستی موجود، (برای مثال، ۳۰ گرم بر سال) ناشی از یک نشستی نسبتاً بزرگ و یا چند نشستی کوچک است، غیرممکن می‌باشد. اگر حساسیت موردنظر موجب عدم‌پذیرش واحدها به خارج از محدوده حساسیت تست‌های قبلی فهرست‌شده در این فصل گردد، استفاده از ردیاب هلیومی برای تعیین محل نشستی‌ها، اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. در این شیوه، اجزاء و یا سامانه موردردیابی باید برای زدودن کامل هلیوم، کاملاً تخلیه شود. سپس در هنگام اتصال سامانه به طیف‌نمای جرمی، جت باریکی از هلیوم بر روی هر اتصال و یا ناحیه مشکوک به نشستی افشاند



اجرای تست کمپرسور

دو موضوع قابل ملاحظه اصلی در تست کمپرسورها شامل تست قدرت، و ظرفیت می باشند. ملاحظات ثانویه نیز شامل نرخ پس نشستی، راه اندازی با ولتاژ پایین، سر و صدا و ارتعاش می باشند.

* تست بدون میرد:

تعدادی از روش های تست، قدرت و ظرفیت کمپرسور را قبل از تزریق میرد به واحد تبرید، اندازه می گیرند. در مواردی که قدرت بیش از اندازه ای توسط اصطکاک قطعات متحرک کمپرسور ایجاد گردد، تست های ولتاژ- پایین، واحدهای معیوب را در ابتدای مونتاژ شناسایی می کنند. در این آزمایش ها، ولتاژ از مقدار پایین و یا صفری به مقداری که موجب خاموشی کمپرسور می شود افزایش می یابد و این مقدار با مقدار استاندارد تثبیت شده ای مقایسه می گردد. هنگامی که شیرها و یا صفحات شیر، قابل دسترسی می باشند، برای بررسی پس نشستی کمپرسور، کمپرسور را می توان به وسیله استفاده از یک پمپ هوا آزمایش نمود. هوا در فشار ثابت از میان واحد عبور می کند و بدین ترتیب نرخ جریان که موجب باز شدن شیرها می شود، تعیین می گردد. سپس نرخ جریان مذکور با یک مقدار استاندارد تثبیت شده مقایسه می گردد. این شیوه تنها هنگامی موثر است که شیرها به طور مناسبی محکم (درزبند) باشند و استفاده از این روش برای شیرهایی که قبل از باز شدن، نشیمن گاه آن ها به طور صحیح و درزبندی قرار نگرفته باشد، مشکل است.

دقت زیادی در زمان استفاده از یک کمپرسور برای پمپاژ هوا نیاز می باشد و دلیل آن ناشی از این موضوع است که ترکیب روغن، هوا و دماهای بالای ایجاد شده توسط تراکم می تواند منجر به آتش سوزی و یا انفجار گردد.

در یک تست متداول با استفاده از کمپرسور به عنوان پمپ هوا، جریان هوای تخلیه شده توسط جریان سنج، جریان سنج روزنه ای و یا با ابزارهای اندازه گیری جریان دیگر، اندازه گیری می شود. به دلیل آن که در

قرار می دهند. یک روزنه شیشه ای در فلاسک مذکور امکان گریز و خروج نرخ معینی از هلیوم را فراهم می سازد. اپراتور طیفنمای مذکور نیز با مقایسه نرخ گریز اندازه گیری شده با نرخ استاندارد آن، طیفنمای مذکور را کالیبره می کند.

اثر بخشی سامانه کشف نشستی را می توان به بهترین شیوه با روزنه های کالیبره شده شیشه ای (می توان آن ها را از بازار خرید) بررسی نمود. روزنه های مذکور را می توان در داخل واحد تست ایجاد کرد، و با اجرای سیکل های معمول کشف نشستی، اثر بخشی شیوه کشف نشستی مورد نظر را ارزیابی نمود. از مسدود نبودن محل روزنه تست مطمئن گردید. نرخ نشستی روزنه تست، باید قبل و بعد از هر بازبینی (ممیزی) سامانه، تعیین گردد.

از نقطه نظر تولیدکنندگان، برای ممانعت از وجود نشستی، استفاده از هر شیوه کشف نشستی باید در درجه دوم اهمیت قرار گیرد. تکنیک های نامناسب جوشکاری و لحیم کاری، قطعات کثیف، ترکیبات درزبندی آزمایش شده و یا گدازه های جوشکاری و مواد لحیم کاری نامناسب و مهارت ضعیف کارگران می توانند منجر به ایجاد نشستی هایی گردند که در زمان حمل و نقل و یا در زمان های بعدی ایجاد می شوند. کنترل و تحلیل دقیق هر اتصال و یا نقطه نشستی، امکان تمرکز تست ها را بر محتمل ترین نواحی وقوع نشستی فراهم می کند. بررسی صدها اتصال بر روی یک واحد توسط اپراتورهای تجهیزات، امکان کشف تمامی نشستی ها را نسبتاً کاهش می دهد، ولی در مقابل تمرکز دقیق بر روی نواحی محدود و مشکوک به نشستی می تواند موجب کاهش قابل توجهی در خرابی های میدانی (در محل نصب) گردد.

اجرای تست کار آبی

به دلیل وجود انواع و طرح های متعدد سامانه های تبرید، این بخش تنها برخی از اطلاعات ویژه و معین را در مورد آزمایش کمپرسورها ارائه می دهد و برخی از جنبه های مهم اجرای تست اجزاء دیگر و سامانه کامل را پوشش می دهد.



پمپاژ هوا توسط کمپرسور از یک دریچه هوای آزاد به داخل یک حجم ثابت است. زمان مورد نیاز برای دستیابی به یک فشار معین در مقابل مقدار فشار قابل قبول استاندارد بیشینه‌ای مقایسه می‌شود. فشار به کاررفته در این آزمایش تقریباً برابر 860 kPa (فشار نسبی) است، به طوری که یک گستره زمانی منطقی قابل حصول می‌باشد. برای کسب قرائت‌های 0.1 دقیق، کافی بودن زمان مورد نیاز برای اندازه‌گیری ظرفیت کمپرسور الزامی است، اما همچنین برای جلوگیری از گرمایش بیش از حد، زمان مذکور باید به اندازه لازم کوتاه نیز باشد. قرائت‌های قدرت کمپرسور را می‌توان در هر زمانی از سیکل، ثبت نمود. به وسیله خاموش کردن کمپرسور، می‌توان نرخ پس‌نشستی را به عنوان ابزاری برای بررسی اضافی، اندازه‌گیری نمود. به علاوه تست‌های پمپاژ و پس‌نشستی تشریح‌شده در بالا، تست خلاء نیز باید به انجام رسد.

تست خلاء باید به وسیله بستن سمت مکش، و باز گذاشتن سمت تخلیه به محیط اتمسفر انجام گیرد.

این آزمایش، تراکم هوا به طور آدیباتیک (بی‌دررو) انجام می‌گیرد، اگر زمان انجام تست بیشتر از چند دقیقه به طول انجامد، برای جلوگیری از گرمایش بیش از حد خطوط تخلیه و اکسیداسیون روغن، فشار تخلیه باید پایین باشد. [دمای تخلیه تراکم ایزنتروپیک (هم‌انترپوی) نسبت به دمای محیط برابر 140°C در فشار 240 kPa (فشار نسبی) می‌باشد، اما دمای تخلیه آدیباتیک برابر 280°C در فشار 860 kPa (فشار نسبی) است.] هنگامی که کمپرسور برای پایاسازی دماها، زمان نسبتاً طولانی (و کافی) در حال کار باشد، هر دو عامل جریان و قدرت را می‌توان با حدود تثبیت‌شده مقایسه کرد. قرائت‌های دمای تخلیه و اندازه‌گیری‌های سرعت دو عامل بسیار اساسی در تحلیل واحدهای معیوب می‌باشند. در صورت تخلیه و یا محبوس شدن مقدار قابل توجهی از هوا، برای جلوگیری از چگالش رطوبت و در نتیجه زنگ‌زدگی و خوردگی سمت تخلیه، هوای به کاررفته در آزمایش باید به اندازه کافی خشک گردد. شیوه دیگری از تعیین کارایی کمپرسور شامل





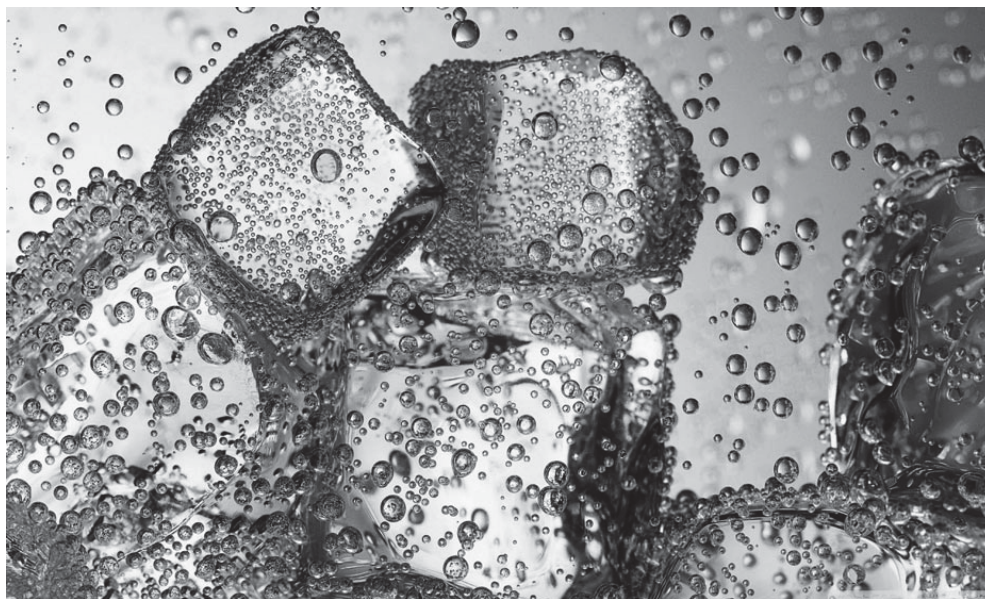
و تمیز استفاده گردد. پایش کارآیی کمپرسور در هنگام آزمایش کمپرسورهایی با ظرفیت و قدرت مشخص، بهترین روش برای تایید مقبولیت محدودیت‌های تشریح شده تست مذکور می‌باشد. اقدامات احتیاطی لازم برای جلوگیری از اسیدی و یا آلوده شدن روغن کمپرسور را انجام دهید.

*** اجرای تست با مبرد:**

شیوه‌های آزمایشی جریان‌سنجی و کالری‌سنجی برای رتبه‌بندی کمپرسورهای جابجایی- مثبت در استاندارد ASHRAE 23 تشریح گردیده است. این نوع از اجرای آزمایش عموماً بر طبق اصول ممیزی انجام می‌گیرد. اگر هدف از اجرای آزمایش، تعیین دقیق ظرفیت و بازده کمپرسور نباشد، شیوه‌های جایگزین دیگری نظیر آزمایش بر روی سامانه‌های بخار یا سامانه‌های حذف فوق‌گرمایش می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد. آزمایش سامانه بخار نیازمند یک ابزار انبساطی (TXV) و یک مبدل حرارتی (یا چگالنده)

عموماً این تست بر روی کمپرسورهای پیستونی انجام می‌شود. خلاء معمولی که تحت این شرایط به دست می‌آید، حدود $10 - 6/5$ kPa (فشار مطلق) می‌باشد. همچنین انسداد ناگهانی سمت مکش موجب می‌گردد که روغن به عنوان ابزار برای واریسی قابلیت‌های مکش پمپ (بدون پر بودن لوله‌های مکش از مایع، و تنها با ایجاد خلاء جزئی در سمت مکش پمپ که هوا را از خط مکش بیرون کرده و مایع موردنظر را وارد پمپ می‌کند)، به کار رود و دلیل آن ناشی از بازداری و فرونشست روغن و تلاش برای هواگیری می‌باشد. همچنین این آزمایش میزان تخلخل و نشستی درزبندها (لایه‌ها) را مشخص می‌سازد. برای تثبیت زمان‌های معقول مکش (پمپاژ)، نرخ‌های پس‌نشستی و مکش، باید تعداد زیادی از واحدهای تولیدی برای تعیین گستره تغییرات موجود در محصولات تولیدی مورد آزمایش قرار گیرند.

در هر تست ظرفیت انجام گرفته توسط هوا، برای جلوگیری از آلودگی کمپرسور، تنها باید از هوای خشک



شیر کنارگذر گاز داغ (HGBV)¹¹ نیز استفاده می‌شود. مبرد مایع موجود در چگالنده و گاز تخلیه داغ به وسیله HGBV مخلوط می‌گردند و فشار و دمای مکش کافی و مناسبی را برای کمپرسور فراهم می‌سازند. HGBV فشار مکش و TXV را کنترل می‌کند و به عنوان یک شیر سردکننده (اطفاء)، فرایند فوق‌گرمایش را کنترل می‌سازد. توجه کنید که گستره و پایداری بالاتری در طول کارکرد کمپرسور به وسیله استفاده از یک شیوه ضد فوق‌گرمایش به جای شیوه بخاری قابل دستیابی می‌باشد.

برای پالایش بیشتر، ابزار اندازه‌گیری جریان را می‌توان در خطوط مبرد نصب نمود. در صورت دستیابی به فشارها و دماهای تخلیه و مکش از پیش تعیین شده، این سامانه، یک سامانه حساس-به-شارژ می‌باشد. در زمانی که تمامی واحدها دارای ظرفیت یکسانی باشند و نقطه تست واحدی موردقبول باشد، به دلیل تعیین شارژ مطلوب، با کمترین روش تجربی و آزمایشی، این گزینه، گزینه رضایت‌بخشی می‌باشد. با این وجود، هنگامی که ابعاد و اندازه‌های

11. Hot-gas bypass valve

کاملاً (به اندازه کافی) بزرگ برای انتقال گرمای معادل قدرت موتور می‌باشد. گاز متراکم شده به وسیله کمپرسور تا زمانی که آنتالپی آن به آنتالپی شرایط مکش برسد، خنک می‌گردد. سپس گاز مذکور مجدداً به طور آدیاباتیک تا حالت مکش منبسط می‌گردد. در این شیوه نیازی به تبخیرکننده نمی‌باشد و همچنین از مبدل حرارتی (چگالنده) کوچک‌تری نیز استفاده می‌شود. در کمپرسورهایی با ظرفیت پایین، می‌توان به طور موثری از قطعه‌ای از لوله که خط تخلیه را به خط مکش متصل می‌کند و دارای شیر انبساطی دستی می‌باشد، استفاده کرد. مقیاس کارایی در واقع رابطه فشارهای مکش و تخلیه با قدرت می‌باشد. هنگامی که یک مبدل حرارتی آب‌خنک (چگالنده) مورد استفاده قرار می‌گیرد، فشار تخلیه عموماً مشخص می‌باشد، و افزایش دمای آب و جریان، به عنوان نمایش‌گرها (شاخص‌های) ظرفیت به کار می‌روند. اجرای شیوه حذف فوق‌گرمایش نیز مشابه روش قبل می‌باشد، اما در این شیوه به غیر از چگالنده و TXV¹⁰، از یک

10. expansion device



مذکور باید به دقت انجام گیرند، و هر گونه اصلاحات ضروری نیز باید به اجرا درآید. به دلیل مشکلات مربوط به اندازه گیری دما و جریان هوا، در هنگامی که از شرایط ثانویه ای به عنوان شاخص های ظرفیت استفاده می گردد، عموماً تست های خط تولید دارای قابلیت اطمینان بیشتری هستند. برای مثال در زمان آزمایش دستگاه های تهویه مطبوع مستقل، می توان با استفاده از هر منبعی از هوا در یک دمای محیط کارگاهی و یا دمای محیط کنترل شده، بار ثابتی را بر تخیخ کننده دستگاه مذکور اعمال نمود تا زمانی که بار وارده نسبتاً ثابت باشد، مقدار مطلق (واقعی) آن اهمیتی ندارد. در واحدهای دارای چگالنده های هوا-خنک می توان از دماها و فشارهای مکش و تخلیه به عنوان مقیاس غیرمستقیمی از ظرفیت استفاده کرد. توزیع هوا، سرعت، یا دمای وارده بر کویل واحد تست باید در طول آزمایش ثابت نگاه داشته شود، و سپس باید کارآیی واحد تست را با کارآیی یک واحد استاندارد تطبیق داد. اندازه گیری های قدرت در واقع مکمل و تکمیل کننده قرائت های پارامترهای مکش و تخلیه می باشند.

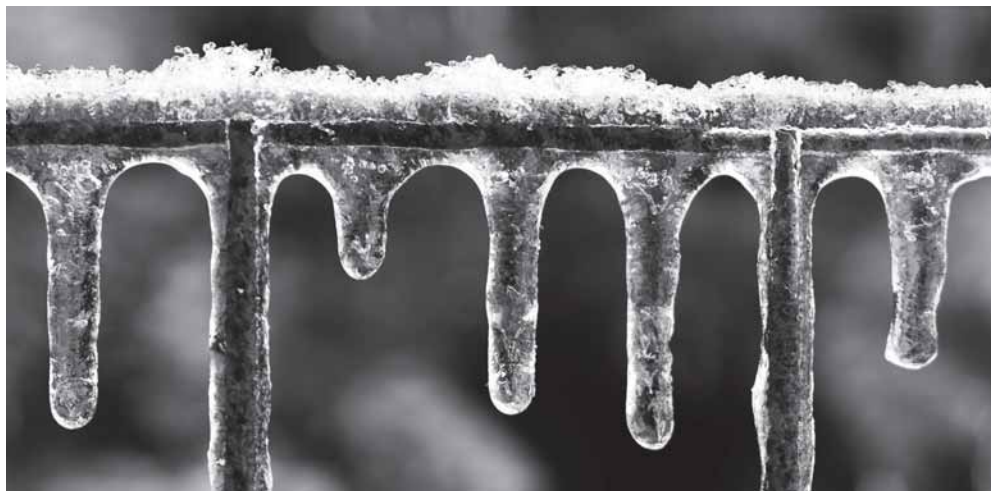
برای واحدهای آب-خنکی که امکان کنترل دقیق جریان آب میسر است، ظرفیت واحد به بهترین شکل توسط گرمای دفع شده از چگالنده اندازه گیری می گردد. برای تحلیل واحدهای مذکور، فشارهای مکش

مختلفی مورد آزمایش قرار می گیرند، و یا بیش از یک نقطه تست مطلوب، مورد نظر باشد، برای انبساط کامل مایع، می توان بعد از چگالنده، از یک دریافت کننده مایع استفاده کرد.

مبرد مورد نظر باید عاری از هر گونه آلودگی، گازهای بی اثر و رطوبت باشد. در زمان عدم کارکرد، لوله ها و تمامی اجزاء دیگر نیز باید کاملاً تمیز و درزبند باشند. در مورد سامانه های درزبند و نیمه درزبند، داغ شدگی موتور در سامانه تست، امکان اجرای تست را تا زمان ششستشوی کامل سامانه و تخلیه کامل مواد اسیدی غیر ممکن می سازد. در تمامی تست ها، انتقال (جایجایی) روغن باید به دقت مورد پایش قرار گیرد و روغن باید به پوسته موتور (کارتز) بازگردانده شود. طول زمان آزمایش کارآیی یک کمپرسور به عوامل مختلفی بستگی دارد. ۰ برای کسب دقت مناسب، باید شرایط پایدار و ثابتی برقرار گردد. اگر مشکلات مربوط به پمپ روغن و یا شارژ روغن، مشکلاتی جدی و اساسی باشند، برای اطمینان از کشف تمامی عیوب، کمپرسور باید به مدت کافی مشغول کار باشد.

آزمایش کلی سامانه ها

در یک کارخانه، ممکن است که هر سامانه ای را در یک دمای محیط کنترل شده و یا در یک دمای محیط کارگاهی مورد آزمایش قرار داد. در هر دو مورد، تست های





می گردند، اجرا گردد. با توجه به اهمیت آزمایش‌های انجام‌گرفته، تمامی تجهیزات مذکور باید به دقت نگهداری و کالیبره شوند. گیج‌های به‌کاررفته در اجرای آزمایش‌ها باید در دوره‌های زمانی منظم مورد واریسی قرار گیرند و از هر گونه ارتعاش و نوسان محافظت گردند. نگاه‌داری خطوط تست مؤثرین به صورت کاملاً تمیز و عاری از هر گونه آلاینده‌ای الزامی می‌باشد. برای جلوگیری از اتصال مقاومت- بالا، کابل‌های قدرت باید در شرایط مناسبی باشند و ابزار سنجش سامانه الکتریکی نیز باید کالیبره شده و برای کسب داده‌های همسان محافظت گردد.

در تاسیساتی که آزمایش اجزاء و کنترل ساخت آن‌ها به طور مناسبی اجرا و مدیریت شده است، به طوری که واحد موردنظر عملکرد رضایت‌بخشی را نشان می‌دهد، واحدهای مذکور را باید تنها برای کشف عیوب اصلی مورد آزمایش (تا حد لزوم، طولانی) قرار داد. تست موردی نمونه‌های مذکور برای اطمینان از قابلیت‌اطمینان محصول کافی می‌باشد. این روش آزمایش موردی به دلیل تاثیر نامطلوب آزمایش کامل تاسیسات بر ظرفیت و توان تاسیسات دارای جنبه‌های اقتصادی مناسبی می‌باشد و نتایج صحیحی را نیز در بر دارد، و همچنین تست کل تاسیسات ضروری به نظر نمی‌رسد.

برای ارزیابی کارایی یخچال‌ها و فریزرها، اندازه‌گیری زمان، دما و قدرت به کار برده می‌شود. ارزیابی کارایی به‌وسیله مدت زمان سپری‌شده بین آغاز و اولین توقف کار کمپرسور و یا توسط دوره متوسط روشن- و- خاموش شدن کمپرسور در طول تعداد از پیش تعیین‌شده‌ای از سیکل‌ها در یک دمای محیط معین و یا کنترل‌شده انجام می‌گیرد. همچنین دماهای همزمان مکش و تخلیه مربوط به قرائت‌های قدرت نیز برای برقراری انطباق با استانداردها، مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واحدهایی که اتصالات ضروری (برای وسایل اندازه‌گیری) وجود دارند، قرائت‌های فشار نیز می‌توانند مورد استفاده قرار گیرند. چنین قرائت‌هایی عموماً تنها برای واحدهایی امکان‌پذیر می‌باشد که تلفات مبرد تاثیر چندانی بر واحدهای مذکور نداشته باشد، زیرا گیج‌های به‌کاررفته می‌توانند موجب بخشی از اتلاف مبرد گردند. برای اطمینان از عملکرد

و تخلیه را می‌توان اندازه‌گیری نمود. اندازه‌گیری‌های دما و جریان آب، قدرت، زمان سیکل، فشارهای مبرد و دماهای مبرد همگی جزء شاخص‌های ظرفیت قابل اطمینانی هستند.

کارکرد اولیه و اصلی تست کارایی کارخانه‌ای در واقع اطمینان از ساخت و مونتاژ صحیح واحد می‌باشد. در نتیجه، تمامی تجهیزات موردنظر باید با یک واحد استاندارد مقایسه گردند و این واحد استاندارد باید شامل واحد متداولی باشد که تمامی الزامات لازم برنامه‌های صدور تاییدیه‌های مربوط به کمپرسورها و واحدهای دیگر موسسه سازندگان وسایل خانگی (AHAM)^{۱۲} و انجمن تهویه مطبوع، گرمایش و تبرید (AHRI)^{۱۳} را اخذ نموده باشد. AHAM و AHRI استانداردهای رتبه‌بندی را به همراه تیرانس‌های بیشینه و کمینه عملی ارائه می‌دهند. استانداردهای متعدد ASHRAE و سازمان بین‌المللی استانداردها (ISO)، تست‌های رتبه‌بندی قابل‌کاربرد را ارائه کرده‌اند.

دلایل متداول خرابی (عیوب فنی) یک سامانه کامل تبرید شامل، شارژ بیش از حد، شارژ کمتر از حد، حضور گازهای چگالش‌ناپذیر در سامانه، انسداد لوله‌های سامانه و یا لوله‌های مؤثرین و بازده پایین کمپرسور می‌باشند. برای تعیین اعتبار و حساسیت هر یک از شیوه‌های آزمایشی به‌کاررفته، بهترین روش استفاده از واحدی با مشخصات شناخته‌شده و معین می‌باشد، به طوری که به‌دین طریق بتوانیم محدوده‌های تثبیت‌شده برای انحرافات و تغییرات موجود از استاندارد آزمایش را تعیین کنیم. برای مثال اگر محدوده‌های تثبیت‌شده برای شارژ مبرد برابر با $30 \pm g$ باشند، در ابتدا واحد آزمایش را با مقدار صحیحی از مبرد شارژ می‌کنیم و سپس شارژ واحد را با مبردی به میزان 30 گرم بیشتر و 30 گرم کمتر تکرار می‌کنیم. اگر در طول زمان آزمایش، کارایی واحد مورد نظر، رضایت‌بخش نباشد، حدود شارژ تثبیت‌شده باید مجدداً تعیین گردند. این شیوه مشترک باید برای تمامی متغیرهای مؤثر بر کارایی واحد که موجب انحراف از حدود تثبیت‌شده

12. Association of Home Appliance Manufacturers (AHAM)

13. The Air-Conditioning, Heating, and Refrigeration Institute (AHRI)



آنجایی که شیوه مایع-به-مایع یکی از ساده ترین و دقیق ترین شیوه های اندازه گیری انتقال حرارت می باشد، یک لوله و یا کویل را می توان به وسیله عبور جریان آب از میان آن مورد آزمایش قرار داد، در حالی که لوله و یا کویل مذکور در حمامی از آب، غوطه ور می باشد. دمای حمام آب باید در مقدار ثابتی حفظ گردد و ظرفیت نیز به وسیله اندازه گیری نرخ جریان عبوری از کویل و اختلاف دمای بین آب ورودی و خروجی از کویل محاسبه می گردد.

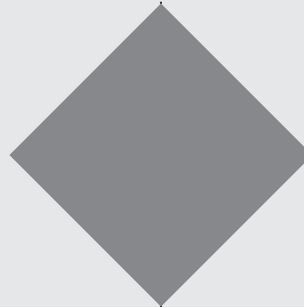
کنترل ها در محدوده مشخصات طراحی و اطمینان از عملکرد آن ها در یک توالی و مسیر صحیح، واحدهایی با مدارهای کنترلی پیچیده عموماً تحت آزمایش عملیاتی قرار می گیرند.

آزمایش اجزاء

تست اجزاء سامانه باید بر مبنای درک کاملی از کاربرد و هدف مورد نظر از هر یک از اجزاء مورد تست انجام گیرد. کلیدهای فشاری باید با هوا و در تست کلی ماشین، کالیبره و تنظیم گردند و در صورتی که هیچ خطری در مورد انسداد مسیرها و یا قطع اتفاقی مدار در طول کارکرد کلید وجود نداشته باشد، نیازی به واریسی مجدد آن ها نیست. با این وجود، اگر کلید مورد نظر به وسیله لحیم کاری در هنگام مونتاژ نهایی دستگاه نصب گردیده باشد، اقدامات پیش گیرانه ای برای جلوگیری از انسداد مسیرهای موئین کلید، ضروری می باشد.

لوله های موئین سامانه های تبرید به وسیله آزمایش هوا مورد واریسی قرار می گیرند. هنگامی که حدود لوله موئین، شناخته شده و مشخص است، اجرای یک تست افت فشار و نرخ جریان برای حذف لوله هایی با اندازه نامناسب و یا پیچ خورده، امری نسبتاً ساده است. هنگامی که چندین لوله موئین در یک توزیع کننده مورد استفاده قرار می گیرند، می توان از مجموعه ای از مانومترهای آبی برای واریسی جریان نامتوازن استفاده کرد و همچنین می توان از آن ها برای کشف لوله های آسیب دیده و یا با اندازه نامناسب استفاده نمود.

در تاسیساتی با کنترل تولید مناسب، تنها آزمایش موردی نمونه هایی از تبخیرکننده ها و چگالنده ها کفایت می کند. کنترل دقیق کویل ها در طول ساخت و تولید آن ها می تواند موجب کشف گسترش (بسط) نامناسب، اتصال ضعیف و ترک خوردگی و فاصله بندی غیریکنواخت فین ها (پره ها) گردد. همچنین بازرسی مناسب می تواند لزوم استفاده از تجهیزات آزمایشی هزینه بر را رفع سازد. در آزمایش نمونه های تجهیزات، یک تبخیرکننده و یا چگالنده کامل و یا بخشی از سطوح انتقال حرارت مورد آزمایش قرار می گیرند. از



استراتژی‌های تخلیه اضطراری ساختمان‌ها

تهیه و تنظیم: سارا نصیری



۱- مقدمه

استراتژی اصلی حفظ ایمنی ساکنان ساختمان‌ها در هنگام بروز شرایط اضطراری (به‌ویژه حریق) تسهیل انتقال مردم به نواحی امن می‌باشد. به‌غیر از کاربری‌های سازمانی (نظیر مراکز مراقبت پزشکی و بازداشتگاه‌ها) استراتژی مذکور شامل کاربرد پله‌ها به‌عنوان بخشی از ابزار ایمنی فرار (MOE)^۱ در زمان تخلیه عمودی می‌باشد. سازمان‌های کدسازی، فرایند تخلیه همزمان مردم از طریق پله‌های ساختمان‌های مرتفع و شلوغ را غیر عملی می‌دانند. بنابراین کاربرد تخلیه مرحله‌ای همواره مورد تأکید قرار گرفته است. همچنین نیازهای افرادی با معلولیت حرکتی و محدودیت فیزیکی (دائمی یا موقتی) نیز برای خروج از پله‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته است.

پیرو واقعه ۱۱ سپتامبر، توجه تازه‌ای به مقوله‌هایی نظیر خروج اضطراری از ساختمان‌های مرتفع معطوف گردید. پیرو واقعه مذکور تعدادی از کارشناسان برای باز ارزیابی استراتژی‌های تخلیه ساختمان‌ها فراخوانده شدند. در سپتامبر ۲۰۰۶ کارگاهی در آنلانتا به‌وسیله کمیسیون کاری W14: آتش و کمیسیون کاری TG50: ساختمان‌های مرتفع، انجمن پژوهش و نوآوری بین‌المللی ساخت و ساختمان (CIB)^۲ برگزار گردید. در کارگاه مذکور مباحثی از جمله استراتژی تخلیه از ساختمان‌های مرتفع مطرح شد. مقاله پیش رو ادامه‌ای از بحث مذکور می‌باشد.

۲- معیارهای سنجش کارآیی

در طراحی کارآیی محور ساختمانی^۳، معیار کارایی متوسط سامانه‌های تخلیه از تحلیل تخلیه زمانی به دست می‌آید. در مقاله پیش رو گستره‌ای از روش‌های محاسباتی از محاسبات ساده دستی تا شبیه‌سازی‌های کامپیوتری پیشرفته برای برآورد زمان مورد نیاز

- 1- protected means of egress (MOE)
- 2- International Council for Research & Innovation in Building & Construction (CIB)
- 3- Performance-Based Building Design

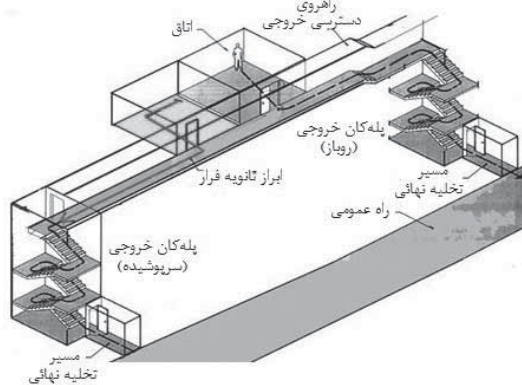




برای خروج افراد (به‌ویژه معلولان) از سیل جریان مردم می‌باشند. افراد مذکور سپس می‌توانند در فضای مذکور استراحت کنند و یا در انتظار کمک‌های امدادی بمانند.

در مواردی پله‌های فرار شامل راهروهای انتقالی نیز می‌باشند. راهروهای مذکور برای تغییر تراز عمودی پله‌ها به تراز افقی و جابجایی تجهیزات و یا ابقاء فضای جدایش حداقلی موردنیاز پله‌ها در سطح طبقه‌ها به‌کار می‌روند.

فضای جدایش جزء حرکت افقی در طبقه مورد نظر، جزء عمودی برای انتقال از طبقه موردنظر به تراز خروجی تخلیه (یا مکان‌های امن دیگر) و جزء افقی برای انتقال به فضای پیرامونی ساختمان اجزاء مشترکی برای کلیه سامانه‌های فرار می‌باشند. به‌علاوه طول اجزاء افقی مذکور به‌گونه‌ای می‌باشد که ساکنین ساختمان به بیش از چند دقیقه برای طی مسیرهای افقی نیاز نخواهند داشت. بنابراین تغییرات اصلاحی در اجزاء افقی دارای تأثیر قابل توجهی بر کارایی کلی MOE نمی‌باشد، ولی همواره امکان افزایش قابلیت اطمینان اجزاء افقی مسر خواهد بود.



۴- پله‌ها

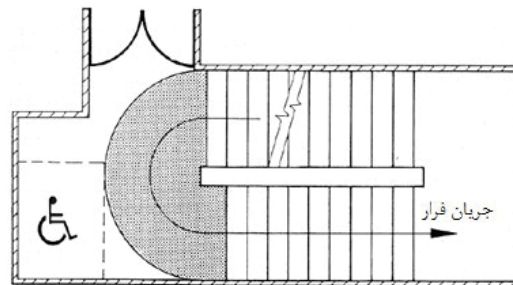
پلکان‌ها ابزار اصلی جابجایی قائم ساکنین ساختمان‌ها در طول حریق می‌باشند و عموماً ابزاری موثر و قابل اطمینان هستند. با این وجود پلکان‌ها دارای معایبی نیز می‌باشند. اکثر مقررات ساختمانی کاربرد حداقلی دو پلکان مستقل در هر ساختمان را ایجاب می‌کنند. در شرایط بروز هر حادثه‌ای که

خروج ایمن (RSET) ^۴ افراد به‌کار می‌روند. برخی از روش‌های مذکور اصول رفتاری برهم‌کنش‌های انسانی را نیز در بر می‌گیرند. زمان فرار در دسترس ساکنین ساختمان‌ها، بدون قرارگیری آن‌ها در شرایط خطرناک داخلی از طریق مدل‌های حریق و یا روش‌های محاسباتی برآورد می‌گردد. مقدار کمتر RSET از مقدار زمان در دسترس خروج ایمن (ASET) ^۵ به معنای دستیابی به ایمنی بیشتر است.

پارامتر طراحی ابزارهای فرار (بر طبق آیین‌نامه‌ها) ظرفیت فرار ابزارهای فرار می‌باشد. مولفه‌های ابزارهای ایمن فرار (MOE) بر مبنای تعداد افراد بر واحد عرض رتبه‌بندی می‌شوند. بنابراین ارتباط مستقیمی میان الزامات طراحی قانونی و معیار کارایی بحرانی زمان فرار وجود ندارد. اطلاعات بیشتری در زمینه مبنای طراحی سامانه‌های فرار (بر طبق آیین‌نامه‌ها) در مقاله بوکوسکی و کولیگوسکی ^۶ ارائه گردیده است [۱].

۳- اجزاء ابزارهای فرار

ابزارهای ایمن فرار (MOE) شامل راهرو دسترسی خروجی (عموماً یک راهروی عمومی که به خروجی منتهی می‌گردد)، خروجی (عموماً یک پلکان) و راهرو تخلیه (عموماً درب خروجی یا راهروی ضد حریق منتهی به فضای بیرونی) می‌باشند. در مواردی پله‌های فرار شامل



نواحی کمک‌های امدادی به‌عنوان بخشی از پاگردهای بزرگ‌تر هستند. نواحی کمک‌های امدادی فضای مطلوبی

4- the Required Safe Egress Time (RSET)

5- Available Safe Egress Time (ASET)

6- Bukowski & Kuligowski

بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی
با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین خط تولید



IRANIAN BARAK COPPER CO.

www.ibcco.midhco.com

ناممکن گردید. در شرایط مذکور تنها پلکان A برای تخلیه و اطفاء حریق در دسترس بود. بنابراین فعالیت های اطفاء حریق سازمان آتش نشانی تا هنگام خروج کامل ساکنان ساختمان آغاز نشد؛ در حدود ۱ ساعت تأخیر در آغاز فرایند اطفاء حریق شدت حریق نیز به دلیل عدم نازکاری طبقه حریق و تأمین سوخت حریق از مصالح ساختمانی داخلی محدود گردیده بود. در هنگام وقوع حریق طبقه ۱۴ کاملاً خالی بود و تنها مصالح و تجهیزات ساختمانی در طبقه مذکور وجود داشتند. اگر درب طبقه حریق به پلکان A نیز از میان می رفت، افراد مستقر در طبقه های بالای طبقه ۱۴ ام در داخل ساختمان محبوس می شدند.

برآورد غلوآمیزی از زمان مورد نیاز برای خروج اکثر

مردم از طریق پلکان های فرار، ۱ دقیقه

بر دقیقه می باشد. در برآورد مذکور

پلکان های فرار عاری از دود و

آسیب در نظر گرفته شده اند. با

این وجود تجمع افراد کثیری

بر روی پله ها امکان جابجایی

تمامی افراد را غیر عملی می کند

و تعدادی از افراد برای خروج از

پله ها نیازمند یاری دیگران خواهند

بود. به طور کلی تعداد افرادی که بدون

یاری دیگران قادر به خروج از پله ها

نمی باشند با افزایش ارتفاع ساختمان بیشتر

می شود. افراد مذکور عمدتاً شامل افرادی با معلولیت های

حرکتی (نظیر افراد ویلچری، واکری و عصایی) می باشند؛ اما

در حین حریق افرادی با بیماری های تنفسی، قلبی، چاقی و

گستره ای از افراد باردار تا افرادی با پیچ خوردگی پا را نیز در



بر می گیرند.

با این وجود خروج افراد از طریق نردبان های طبقه های

فوقانی ساختمان های امروزی ۲۵۰ تا ۳۵۰ طبقه ای غیر عملی

می باشد. به طور کلی کاربرد پلکان ها به عنوان ابزار اصلی

فرار در هنگام بروز حریق، سوابق درخشانی را بازگو می کند.

با این وجود حوادثی نیز در هنگام کاربرد پلکان ها به عنوان

دسترسی به یکی از پلکان ها را ناممکن سازد، پلکان دومی برای فرار ساکنین در دسترس خواهد بود. عدم وابستگی هر دو پلکان فرار به یکدیگر از فاصله زیاد محل قرارگیری آن ها نشأت می گیرد. همچنین کاربرد پلکان های مورب (دو پلکان متقاطع در شفتی مشترک) نیز به دلیل کمینه سازی فضای مورد نیاز ساختمانی بسیار رایج می باشد. ایراد اصلی پلکان های متقاطع از نزدیکی دو پلکان مذکور و کاهش ظرفیت فرار در ورودی پلکان ها نشأت می گیرد. با این وجود فرض کاربری پلکان متقاطع به عنوان پلکانی منفرد مزایای بسیاری را در بر دارد: (۱) تأمین ظرفیت فرار بیشتر و پیکربندی بهتر در قیاس با پلکان منفرد (۲) پلکان عریض تر به دلیل دسترسی بهتر افراد به نرده پلکان.

ایراد دیگر پلکان های مذکور ناشی از

به کارگیری یکی از پلکان ها برای فرایند

اطفاء حریق می باشد (پلکان حمله^۷).

در پلکان اطفاء حریق (پلکان

حمله)، شلنگ اطفاء حریق بر روی

پله ها و برای دسترسی به طبقه

حریق باز می شود. بازگشایی

شلنگ حریق بر روی پله ها و

پرسازی شلنگ مذکور با آب امکان

فرار ساکنین ساختمان ها را از طبقات

فوقانی غیر عملی می سازد. به علاوه در

هنگام بازگشایی درب پلکان برای شلنگ کشی،

دود از فضای داخلی ساختمان به درون پله ها وارد می شود و

طبقه های فوقانی را آلوده می سازد. بنابراین تأخیر در فرایند

اطفاء حریق تا زمان خروج کلیه ساکنین از پلکان های بالای

طبقه حریق الزامی می باشد.

مورد مذکور در آتش سوزی ۲ ژانویه ۱۹۸۶ برج مرکز پرودنشنال

بوستون به وضوح قابل مشاهده می باشد [۲]. آتش سوزی

برج بوستون^۸ از طبقه ۱۱۴م و در حالی آغاز گردید که حدود

۱۵۰۰ نفر هنوز نیز در داخل ساختمان بودند. درب ورودی

طبقه ۱۱۴م به پلکان فرار B در اوایل آتش سوزی از میان رفت

و به دلیل ورود دود و آتش فراوان به درون پلکان مذکور، امکان

استفاده از پلکان B برای ساکنان طبقات بالای طبقه ۱۱۲

7- the attack stair

8- the 52-story Boston Prudential Center



گذاشته است [۶]. با وجود آن که برطبق نظر تمپلر عرض ۱۱۰۰ mm (۴۴ in) پله‌های فرار کافی می‌باشد، پله‌هایی با عرض ۱۴۰۰ mm (۵۶ in) دارای مزایای بالاتری هستند. اخیراً پولز^۱ کاربردپذیری پله‌های ۱۱۰۰ mm در جوامع پیشرفته امروزی را به چالش کشیده است [۷]. گرایش جوامع کنونی به بیماری‌های چاقی و کاهش توان بدنی همگانی از دلایل کاهش توانایی حرکتی افراد می‌باشد. کنسید حرکت افراد چاق‌تر و عدم قابلیت آن‌ها برای طی مسیره‌های طولانی از جمله دلایل

9- Pauls



ابزار فرار گزارش شده‌اند. بازماندگی درب‌ها و رخنه‌های درونی مجرای پلکان‌ها، متداول‌ترین مشکل پله‌های فرار را رقم می‌زنند. مشکل مذکور در واقع نفوذ دود حریق از طریق رخنه‌ها و درب‌ها به درون پلکان می‌باشد. آسیب‌دیگی اولیه مجرای پلکان‌ها به دلیل رخداد ابتدایی (به‌غیر از حمله‌های تروریستی به برج‌های مرکز تجارت جهانی) بسیار نادر می‌باشد. ولی بر طبق آیین‌نامه‌های ساختمانی مجرای پلکان‌ها تنها باید در برابر حریق مقاوم باشد و الزاماتی در مورد یکپارچگی سازه‌ای و استحکام ضربه‌ای پلکان‌ها مطرح نشده است. چنین الزاماتی تنها در شرایط کنونی و در واکنش به نتایج پژوهش‌های فاجعه مرکز تجارت جهانی (WTC) انجمن ملی استاندارد و فناوری (NIST) مطرح شده‌اند [۳]. برای مثال شهر نیویورک الزام کد ساختمانی [۴] مجرای پلکان‌های فرار (منطبق با کارآیی تراز ۲ مقاومت ضربه‌ای استاندارد ASTM C 1629) را پذیرفته است [۵].

مطابق مطالب فوق هر یک از پلکان‌ها چالش‌های قابل توجهی را برای افراد معلول ایجاد می‌کنند؛ ویلچرهای معلولان نقش بسزایی را در زندگی آن‌ها ایفاء می‌کنند و بدون ویلچرها زندگی چنین افرادی به مخاطره می‌افتد. ویلچرها دارای وزن زیادی هستند و حرکت آن‌ها به پایین پله‌ها، حتی به یاری چند نفر نیز دشوار می‌باشد. کاربرد صندلی‌های تخلیه روش مطلوبی برای انتقال افراد ویلچری و افرادی با محدودیت‌های حرکتی به پایین پله‌ها می‌باشد. با این وجود ویژگی‌های حمایتی ویلچرها هرگز در چنین صندلی‌هایی مشاهده نمی‌شود. کاربرد صندلی‌های تخلیه و یا حتی کمک‌های فیزیکی، امکان جابجایی برخی از معلولان و افرادی با محدودیت‌های حرکتی را از پلکان‌ها میسر می‌سازد اما مستلزم تمایل و تلاش مردم برای یاری خواهد بود. انتقال افرادی با معلولیت‌های حرکتی در فواصل دور بر روی پله‌ها، خستگی افراد یاری‌کننده را در بر دارد و منجر به کندی انتقال افراد دیگر نیز می‌شود. کلیه معایب مذکور در هنگام تعیین RSET باید مورد توجه قرار گیرند.

دقیق‌ترین مطالعه پژوهشی در زمینه سیل جریان خروج افراد بر روی پله‌ها به‌وسیله تمپلر (۱۹۷۵) ارائه شده است و تاثیر بسزایی را بر روی الزامات قانونی امروزی برج‌های



عموماً پلکان‌های دسترسی و درب‌های روبه‌بیرون پلکان‌ها و راهروهای متقاطع (برای تأمین دسترسی به راهروهای انتظار آسانسور) در خارج و اطراف هسته مرکزی ساختمان آرایش می‌یابند. در طرح مذکور، پلکان‌های دسترسی در معرض فضای بیرونی ساختمان قرار می‌گیرند. فضای بیرونی ساختمان نیز تنها به وسیله پارتیشن‌های جداکننده محافظت می‌شود. در طرح برج مرکز تجارت جهانی ۷ [۱۲]، معماران شرکت SOM پلکان دسترسی را به مرکز هسته مرکزی منتقل نمودند. در طرح مذکور هسته بتنی مسلح از راهرو دسترسی محافظت می‌کند و ناحیه امنی را در هر طبقه ایجاد می‌نماید. با وجود آن که طرح مذکور مستلزم کاربرد هسته مرکزی بزرگ‌تری می‌باشد، فضای محافظت‌شده ناشی از طرح مذکور مکان امنی را برای ساکنین طبقات در برابر خطرهای خارجی و طبیعی مهیا می‌سازد. همچنین در طرح مذکور دسترسی مستقیم ساکنین ساختمان به پله‌ها و آسانسورها نیز فراهم می‌گردد. با این وجود هزینه-فایده طرح مذکور نیازمند

لزوم کاربرد پله‌های عریض‌تر می‌باشد. فرضیه پولز به‌وسیله مانورهای حریق به تایید رسیده است [۸]. همچنین بررسی فرایندهای تخلیه حریق نشان می‌دهند که سرعت‌های انتقالی روبه‌پایین پله‌ها در حدود یک‌چهارم سرعت‌هایی هستند که در مطالعه تمپلر گزارش شده است [۹]. لازم به ذکر است که افزایش عرض پله‌ها منجر به کاهش فضای ساختمانی و کاهش اجاره‌های دریافتی در طول عمر ساختمان می‌گردد.

اخیراً طرح‌هایی به هر دو سازمان کدسازی آمریکا برای افزایش عرض کمینه پله‌های فرار از ۱۱۰۰ mm به ۱۴۰۰ mm ارائه شده‌اند. افزایش عرض پله‌ها از ۱۱۰۰ mm به ۱۴۰۰ mm تنها برای پله‌هایی مطرح شده‌اند که برای انتقال جمعیت‌های بیش از ۲۰۰۰ نفری مورد استفاده قرار می‌گیرند [۱۰]. برآورد سازمان خدمات عمومی آمریکا^{۱۰} نشان می‌دهد که هزینه ساخت پله‌های عریض‌تر در حدود ۲۱ درصد از هزینه ساخت پله‌های ۱۱۰۰ mm بیشتر می‌باشد.

همچنین سازمان مذکور هزینه سالانه کاهش فضای قابل اجاره یک ساختمان اداری ۵۰ طبقه را در حدود ۲۵۰۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰۰ دلار برآورد نموده است (برای ۲ پلکان و بر طبق شرایط جغرافیایی) [۱۱].

۵- جانمایی هسته مرکزی

اکثر ساختمان‌های مرتفع دارای فضای مرکزی معینی برای قراردادی آسانسورها، پله‌ها و مجراهای عبور یوتیلیتی هستند. هسته مرکزی ساختمان‌های مرتفع به‌عنوان ستون فقرات ساختمان‌ها نقش قابل توجهی را در سامانه سازه‌ای ایفاء می‌کند. با توجه به ماهیت زیرسازه‌ای فضای مرکزی و عدم امکان دست‌یابی مالکان ساختمان‌ها به هیچ درآمدی از فضای مشاع مذکور، تلاش‌های گسترده‌ای به‌وسیله طراحان ساختمان‌ها در راستای بهینه‌سازی فضای هسته‌ای، کاهش ابعاد فضای مذکور و بهینه‌سازی درآمدهای مالکان انجام می‌گیرد.





گروه آتش‌نشانی از طریق کاربرد کلید ویژه بازفعال‌سازی کابین‌ها، کنترل دستی کابین‌ها را بر عهده می‌گیرد. در سبک کنترلی مذکور، بازخوانی تقاضای طبقه‌ای آسانسورها نادیده گرفته می‌شود و کنترل‌های درون-کابینی برای تأمین ایمنی بیشتر کابین‌ها، کارکرد متفاوتی را ارائه می‌دهند. اکثر قوانین ساختمانی کاربرد آسانسورها به‌وسیله آشنانشان‌ها برای تخلیه افراد معلول را مورد تأیید قرار داده‌اند.

علی‌رغم عدم وجود قوانین کلی معینی برای تأیید کاربرد آسانسورهای فرار، تعداد فزاینده‌ای از سامانه‌های فرار وجود دارند که کارایی آن‌ها برای تخلیه ساکنان ساختمان‌ها مورد تأیید قرار گرفته‌اند. تأیید بسیاری از سامانه‌های فرار امروزی از تلاش‌های انجمن ملی استاندارد و فناوری (NIST)، انجمن مهندسان مکانیک آمریکا (ASME) و صنایع آسانسورسازی نشأت می‌گیرد. سازمان‌های مذکور الزاماتی را برای آسانسورهای فرار ارائه نموده‌اند که در برخی از مجله‌های فنی نیز به چاپ رسیده است [۱۳، ۱۴، ۱۵].

طرح کاربرد آسانسورها برای تخلیه ساکنین ساختمان‌ها در هنگام وقوع آتش‌سوزی به‌دلیل گوناگونی مورد استقبال مالکان ساختمان‌ها، طراحان و قانون‌گذاران قرار گرفته است.

دلیل اول: پوشش تمامی مکان‌های شلوغ (بارها، رستوران‌ها و سکوه‌های تماشای فوقانی) طبقه‌های فوقانی ساختمان‌های مرتفع، بدون لزوم امتداد پله‌های فرار در سراسر ارتفاع ساختمان برای خروج ساکنین طبقه‌های فوقانی. مثالی از مورد مذکور آسمان‌خراش تجاری اکس مری خیابان ۳۰ام^{۱۲} در لندن می‌باشد. آسمان‌خراش مذکور دارای یک بار و رستوران در طبقه فوقانی و آسانسورهای فراری در فاصله میانی فضای فوقانی و تراز خیابان می‌باشد.

دلیل دوم: آسانسورهای فرار مستقیماً به درخواست‌های افراد معلول برای تخلیه از ساختمان‌های مرتفع پاسخ می‌دهند. سازندگان مجتمع‌های سالمندان، آسانسورهای فرار را مزیتی برای بازایابی طرح‌های‌شان می‌بینند. مثال‌هایی از مورد مذکور املاک پتروناس کوالالامپور^{۱۳} و ساختمان‌های شرکت

ارزیابی‌های بیشتری می‌باشد.

یکی از جنبه‌های طرح سامانه فرار که به آرایش هسته مرکزی وابسته می‌باشد، دوری پلکان‌ها از یکدیگر است. ساختمان‌های مرتفع نیازمند دو خروجی مستقل (حداقل) می‌باشند که به‌وسیله فاصله کمینه‌ای از یکدیگر جدا شده‌اند. معمولاً فاصله مذکور از یک‌سوم بعد قطری فضای مصرفی مذکور کمتر نمی‌شود. دوری پلکان‌ها از یکدیگر برای اطمینان از دسترسی حداقلی به یکی از پلکان‌ها در شرایط وقوع یک رخداد منفرد الزامی می‌باشد. در برخی از مقررات ساختمانی اندازه‌گیری فاصله جدایی در راستای مسیر دو خروجی مورد تأیید می‌باشد. در این مورد امکان قرارگیری خروجی‌ها در مجاورت یکدیگر و جداسازی آن‌ها به‌وسیله یک دیوار عمودی میسر می‌باشد. طول دیوار عمودی نیز باید حداقل برابر نیمی از بعد طولی مورد نیاز باشد. اگر رخداد اولیه منجر به خرابی دیوار عمودی گردد، طرح فاصله‌بندی خروجی‌ها نیز شکست می‌خورد.

۶- آسانسورهای فرار

آسانسورها تجهیزات متداولی برای جابجایی عمودی در ساختمان‌های مرتفع (بیش از چند طبقه) می‌باشند. با این وجود در حین آتش‌سوزی ایمنی آسانسورها به‌دلیل حریق و آب خروجی از آبی‌ها و شلنگ‌های حریق به خطر می‌افتد. بنابراین سیاست جهانی ایمنی حریق، عدم استفاده از آسانسورها در طول آتش‌سوزی می‌باشد. همچنین در هنگام زمین‌لرزه نیز آسانسورها از سرویس خارج می‌گردند. در حین زلزله شتاب جانبی آسانسورها از سطح معقوله فراتر می‌رود و عملکرد ایمن آسانسورها را به‌خطر می‌اندازد.

صنایع آسانسورسازی در دهه ۱۹۸۰ میلادی سامانه کارکرد اضطراری آشنانشان‌ها (FEO)^{۱۱} را معرفی نمودند. در حال حاضر تمامی کدهای ساختمانی جهانی کاربرد سامانه FEO را الزامی نموده‌اند. در سامانه مذکور شناسایی دود در راهرو انتظار طبقات و یا موتورخانه آسانسور منجر به بازخوانی فوری آسانسور به یک تراز معین (عموماً تراز خروجی تخلیه) و خروج آسانسور از سرویس کاری می‌گردد. سپس

11- Firefighters Emergency Operation (FEO)

12- 30 St. Mary Axe
13- Petronas Properties in Kuala Lumpur



شلنگ‌های آب بر روی پله‌ها از طریق کاربرد آسانسورهای اطفاء حریق رفع نمی‌گردند. مشکل مذکور به دلیل استفاده از پله‌ها برای اطفاء حریق کاهش نمی‌یابد ولی خروج ساکنین ساختمان‌ها از طریق آسانسورها و یا کاربرد پله‌های بیشتر منجر به کاهش قابل توجه‌ای در مشکل مذکور می‌گردد.

۸- استراتژی‌های تخلیه آسانسوری

ادغام آسانسورها در طرح تخلیه ساکنین ساختمان‌ها مستلزم بهره‌برداری از مزایای آسانسورها و رفع نقص‌های آن‌ها می‌باشد. ظرفیت و سرعت کابین‌های آسانسور باید برای تخلیه ۱۰ درصدی تمامی مردم در بازه زمانی ۵ دقیقه‌ای اوایل و اواخر ساعت‌های کاری (زمان‌های اوج) کفایت نماید؛ بنابراین معیار اصلی طراحی آسانسورهای آسمان‌خراش‌های پیشرفته تجاری، گزینش صحیح ظرفیت و سرعت کابین‌ها می‌باشد. بنابراین از طریق کاربرد آسانسورهایی با کاربری عادی، تخلیه ساکنین تمامی آسمان‌خراش‌ها در یک بازه زمانی یک‌ساعته و یا کمتر میسر می‌گردد.



بالاترین کارایی آسانسورها در کارکرد رفت و برگشتی (شاتل) آن‌ها رخ می‌دهد (یعنی رفع زمان شتاب‌گیری و شتاب‌زدایی در مسیرهای متنوع میانی). به‌علاوه روش منطقی آن است که در ابتدا از آسانسورهای مذکور برای انتقال ساکنان طبقات فوقانی‌تر استفاده گردد. در این مورد ساکنان طبقات تحتانی (افراد بدون معلولیت حرکتی) قادر به استفاده از پله‌ها خواهند بود. همچنین احتمال تخلیه کامل ساختمان‌های مرتفع از طریق پخش آژیر خودکار ساختمان نیز پایین می‌باشد. دلیل این امر ناشی از عدم اطمینان لازم از وقوع حریق و توقف‌های هزینه‌بر فعالیت‌های کاری می‌باشد. تجربیات اخیر نشان می‌دهند که ساکنین ساختمان‌های مرتفع تنها در صورتی شروع به تخلیه کامل ساختمان‌ها می‌کنند که در مورد شرایط ایمنی ساختمان مردد شوند. چنین مواردی در نظرسنجی‌های چگونگی برخورد ساکنان

ماریوت آمریکا^{۱۴} می‌باشند. هر دو ملک مذکور شامل ساختمان‌های آپارتمانی مرتفعی برای افراد کهن‌سال هستند.

دلیل سوم: کاربرد آسانسورهای فرار در مسیرهای تخلیه ساختمان‌های بسیار مرتفع دارای تاثیر فزاینده‌ای بر زمان کلی فرار می‌باشد. مثالی از مورد مذکور برج تایپه ۱۱۰^{۱۵} می‌باشد که پس از ادغام آسانسورهای فرار در طرح تخلیه ساختمانی، زمان کلی فرار از ۲ ساعت به ۵۷ دقیقه کاهش یافت [۱۶].

۷- آسانسورهای سرویس آتش‌نشانی

با وجود آن‌که آسانسورهای سرویس آتش‌نشانی جزئی از ابزارهای فرار محسوب نمی‌گردند اما نقش بسزایی را در فرار ساکنین ساختمان‌های مرتفع ایفاء می‌کنند. همزمانی تخلیه ساکنان و فرایند اطفاء حریق منجر به حرکت آتش‌نشانان به سمت موقعیت‌های حریق طبقه‌های فوقانی و حرکت ساکنین ساختمان‌ها به سمت طبقه‌های تحتانی می‌گردد. بنابراین در شرایط مذکور حرکت متضاد آتش‌نشان‌ها و ساکنین ساختمان‌ها بر روی پله‌ها مشکلاتی را ایجاد می‌کند. مطالعات پژوهشی NIST در زمینه تخلیه برج‌های مرکز تجارت جهانی و مانورهای تخلیه ساختمان‌های فدرال نشان دادند که حرکت متضاد آتش‌نشان‌ها و ساکنین ساختمان‌ها بر روی پله‌های فرار دارای تأثیر اندکی بر تخلیه افراد می‌باشد اما دارای تأثیر قابل توجهی بر دسترسی آتش‌نشان‌ها، تأخیر در آغاز فرایند اطفاء حریق و جداسازی تیم‌های آتش‌نشانی می‌باشد. جایجایی تیم‌های اطفاء حریق از طریق آسانسورها از چنین جریان متضادی جلوگیری می‌کند و مزایای بی‌شماری را از منظر بازده عملیاتی در پی دارد [۱۷].

مواردی نظیر اشغال پله‌ها به‌وسیله آتش‌نشان‌ها و گسترش

14- Marriott Corp. in the US
15- Taipei 101



کنونی سامانه تخلیه الزامی می‌باشد. علائم مذکور باید شامل زمان‌های ورود کابین‌های آسانسور به هر طبقه‌ای برای تخلیه افراد باشند. همچنین علائم تراز خروجی ساختمان باید به ساکنین ساختمان‌ها برای عدم ورود به آسانسورهای تخلیه هشدار دهند. شرایط راهروهای انتظار و موتورخانه آسانسور نیز از مرکز فرماندهی بحران مورد پایش قرار می‌گیرد. پس از اتمام مراحل مذکور می‌توان از آسانسور اطفاء حریق برای خروج افراد مصدوم و سرگردان استفاده نمود. تمامی موارد فوق را می‌توان به‌وسیله سامانه‌های در دسترس تجاری انجام داد.

۹- پناهگاه‌های طبقه‌ای

در چندین کشور آسیایی (چین، سنگاپور) تجهیز ساختمان‌های مرتفع به پناهگاه‌های طبقه‌ای الزامی می‌باشد. پناهگاه‌های طبقه‌ای باید در فواصل ۲۰ تا ۲۵ طبقه‌ای آسمان‌خراش‌ها در نظر گرفته شوند. پناهگاه‌های طبقه‌ای معمولاً طبقه‌های یوتیلیتی می‌باشند (بدون سکنه) که ۵۰ درصد از مساحت آن‌ها به منطقه پناهگاهی اختصاص می‌یابد.



ویژگی‌ها: جداسازی فضای مذکور با دیوارهای حریق ۲ ساعته از فضاهای یوتیلیتی، عدم وجود مواد سوختی، قابلیت نگهداری تمامی ساکنین طبقه‌های میانی بین دو طبقه پناهگاهی، مساحت نگهداری 0.3 m^2 یا 3 ft^2 بر نفر. فضاهای مذکور باید از دو سمت مخالف باز باشند تا دود حریق در درون آن‌ها جمع نشود. پناهگاه‌های طبقه‌ای فضای محفوظی را برای ساکنین ساختمان‌ها فراهم می‌کنند. ساکنان ساختمان‌ها می‌توانند در فضای مذکور استراحت نمایند و یا به انتظار کمک‌های گروه‌های امداد بنشینند و یا از پلکانی به پلکان دیگر تغییر مسیر دهند [۱۹].

الزامات پناهگاه‌های طبقه‌ای نسبتاً جدید می‌باشند و تنها در چندین ساختمان اجرا شده‌اند. هیچ فرایند تخلیه واقعی

ساختمان‌های مرتفع با فرایند تخلیه ساختمانی بررسی شده‌اند [۱۸].

بنابراین پروتکل تخلیه آسانسوری با هشدار اولیه‌ای به سازمان آتش‌نشانی آغاز می‌گردد و سپس آسانسورهای اطفاء حریق تا لحظه ورود مأموران آتش‌نشانی به محل حریق از سرویس کاری خارج می‌گردند و به تراز معینی منتقل می‌شوند. آسانسورهای دیگر نیز در کاربری تخلیه‌ای قرار می‌گیرند و ساکنین ساختمان را از ناحیه حریق (طبقه حریق و دو طبقه در زیر و بالای آن) به تراز خروجی ساختمان منتقل می‌کنند؛ سپس آسانسورهای مذکور در تراز معینی باقی می‌مانند و بر طبق نظر رئیس بحران برای تخلیه جزئی یا کامل افراد و یا برای کارکرد عادی مورد استفاده قرار می‌گیرند. انتقال

آسانسورها به تراز معینی از ساختمان مانعی در راستای ورود افراد به درون آسانسورها برای حرکت به طبقه‌های فوقانی می‌باشد.

اتخاذ تصمیمی در مورد تخلیه کامل ساختمان‌ها با فاز دوم پروتکل تخلیه آغاز می‌گردد. در فاز مذکور آسانسورهای داخلی کلیه افراد را از بالاترین طبقات جمع‌آوری می‌کنند و به‌طور مستقیم (بدون توقف) به تراز خروجی ساختمان منتقل می‌سازند و سپس مجدداً برای انتقال افراد باقیمانده به محل اولیه برمی‌گردند. در چنین شرایطی فراخوانی طبقه‌ای آسانسور، افراد در انتظار آسانسور را مشخص می‌کند اما تغییری در ترتیب حرکتی آسانسور ایجاد نمی‌کند. در شیوه مذکور اولییتی برای معلولان در نظر گرفته نمی‌شود و جابجایی تمامی افراد نیز به‌صورت کاملاً مشابهی انجام می‌گیرد.

راهروی سرپوشیده هر طبقه‌ای فضای محفوظی را برای انتظار افراد ایجاد می‌کند. به علاوه راهرو سرپوشیده از چاه آسانسور در برابر ورود دود، آتش و آب‌پاش‌ها و شلنگ‌های اطفاء حریق نیز جلوگیری می‌کند (تاخیر در آغاز فاز I). در تمامی راهروهای انتظار وجود علائمی برای آگاه‌سازی افراد از شرایط

اطفاء حریق باید به طور فعالی مدیریت گردد. مورد مذکور در آتش سوزی ساختمان اداری کوک کانتری^{۱۷} [۲۲] و ساختمان های دیگری مشاهده شده است. در ساختمان های مذکور فرایند اطفاء حریق منجر به عدم امکان کاربری پلکان های بالای طبقه حریق گردید. مدیریت تخلیه فعال شامل پایش لحظه های شرایط ساختمان و کاربرد ابزارهای اطلاع رسانی برای ارائه دستورالعمل ها می باشد. از طریق پایش لحظه های فرایند تخلیه، شرایطی با لزوم تغییرات اصلاحی شناسایی می گردند.

فرایند پایش لحظه های مستلزم کاربرد دوربین های مداربسته ای در پلکان ها می باشد [با بازه مسافتی ۵ طبقه ای (بر طبق طرح پیشنهادی به دادگاه جرائم بین المللی (ICC)^{۱۸} آمریکا]. در این مورد حجم کاری بالای پایش دوربین ها، نگرانی هایی را به وجود آورده است. با این وجود دوربین های مداربسته امروزی و نرم افزارهای کاربردی آن ها لزوم پایش انسانی تصاویر را رفع نموده اند. نرم افزار دوربین های مداربسته تصاویر مربوطه را پایش می کند و تا زمان استمرار جریان افراد به پایین پله ها، تنها تصاویر را در پیش زمینه نشان می دهد. نرم افزار مذکور با شناسایی عدم جنبش مردم (به معنای انسداد جریان فرار)، تصاویر مربوطه را برای بررسی به اپراتور منعکس می سازد. روند مذکور امکان شناسایی فوری مسدودشدگی مسیرهای فرار را بدون هیچ فشار کاری بی موردی میسر می سازد. همچنین دوربین های مذکور قادر به شناسایی دود حریق در پله ها نیز می باشند. پس از شناسایی وجود دود در پله ها، لزوم تغییر مسیر افراد از طریق سامانه های ارتباطی صوتی به آن ها گوشزد می شود. کاربرد سامانه های ارتباطی صوتی در کدهای جاری ساختمانی مطرح شده است.

۱۱- سامانه های ارتباطی برای مدیریت فرار

از اوایل قرن ۲۰ام میلادی سامانه های اعلام حریق برای آگاه سازی ساکنان ساختمان ها به لزوم فرار به کار رفته اند. در این مورد پس از شناسایی صدای آژیر خطر، تمامی ساکنان ساختمان به سرعت محل ساختمان را ترک می کردند. روش مذکور در اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی و در هنگام معرفی فرایند

17- the Cook County office building fire

18- the International Criminal Court (ICC)

برای بررسی چگونگی عملکرد پناهگاه های طبقه ای به وقوع نپیوسته است؛ اما مانورهای تخلیه نشان می دهند که انتظار افراد در پناهگاه های طبقه ای و عدم تمایل آن ها به خروج از ساختمان مشکلاتی را ایجاد می کند [۲۰]. تجمع افراد در پناهگاه های طبقه ای مانعی برای ورود افراد دیگر به پناهگاه های مذکور می باشد. البته نتایج مانورهای تخلیه همواره قابل اتکا نمی باشد. دلیل این امر ناشی از آگاهی ساکنان ساختمان از ماهیت مصنوعی مانورها و عدم احساس خطر و آگاهی آن ها از برگشت به منازل پس از اتمام مانور می باشد. همچنین مطالعه ای بر طبق مدل های CFD نشان می دهد که دیوارهای باز جانبی فرصتی برای ورود دود از طبقه پایین تر به طبقه پناهگاهی می باشند [۲۱]. در تغییرات اصلاحی اخیر کاربرد سامانه های پرده آبی بر روی دیوارهای جانبی باز الزامی شده است.

در سال ۲۰۰۸ پروژه فوق آسمان خراش مرکز مالی جهانی^{۱۶} شانگهای با پناهگاه های طبقه ای و دو آسانسور توریستی (برای مشاهده نمای اطراف از ارتفاع) افتتاح گردید. دو آسانسور توریستی بر روی سطح خارجی فوق ستون های فوق آسمان خراش مذکور و بر روی گوشه های متقاطع آن آرایش یافته اند. در ابتدا آسانسورهای مذکور تنها برای انتقال فوق سریع گردشگران به سکوی تماشای طبقه فوقانی طراحی شدند. سپس آسانسورهای مذکور برای توقف در هر یک از پناهگاه های طبقه ای و برای فرار ساکنان برج در هنگام وقوع حریق اصلاح شدند. پس از تغییرات مذکور، بیشترین میزان جابجایی مورد نیاز افراد بر روی پله ها تنها ۲۵ طبقه بود (و به بیان دیگر ۱۳ طبقه به شرط تایید کاربرد نزدیک ترین پناهگاه طبقه ای در مقررات ساختمانی، حتی در موارد قرارگیری پناهگاه طبقه ای در ترازهای فوقانی محل استقرار). همچنین افراد ناتوان در استفاده از پله ها برای دسترسی به طبقه پناهگاهی نیز از طریق آسانسور داخلی جمع آوری می شوند؛ در این طرح یکی از آتش نشان ها در کابین آسانسور مستقر می گردد و آسانسور را بر طبق سامانه FEO کنترل می نماید.

۱۰- مدیریت تخلیه فعال

عملیات اطفاء حریق می تواند ساکنین ساختمان ها را به دلیل تغییر شرایط داخلی به خطر بیندازد. بنابراین اکثر کارشناسان امروزی بر این باورند که روند تخلیه افراد در طول فرایند

16- The World Financial Center



تولید کننده انواع بوستر پمپ

WWW.KARABCO.COM



ISO 9001.2008



تخلیه مرحله‌ای آسمان‌خراش‌ها تغییر نمود. تخلیه مرحله‌ای ساختمان‌ها نیز به دلیل عدم قابلیت سامانه‌های فرار در تخلیه همزمان تمامی ساکنین آسمان‌خراش‌ها ابداع گردید. سپس در تخلیه مرحله‌ای، آگاه‌سازی ساکنان ساختمان‌ها از دستورالعمل‌های تخلیه‌ای از طریق پیام‌های زنده صوتی الزامی گردید. برای مثال آگاه‌سازی افراد به لزوم توقف از طریق پیام‌های مذکور به آن‌ها گوشزد می‌شد. پیام‌های ارتباطی مذکور از طریق مرکز فرماندهی حریق به اطلاع تمامی ساکنان ساختمان می‌رسید.

در این مورد شهر نیویورک قانون محلی ۵-۱۹۷۳ را مورد پذیرش قرار داد. بر طبق قانون مذکور کاربرد سامانه‌های ارتباطی صوتی در آسمان‌خراش‌های نوساز اداری الزامی می‌باشد. سپس الزام مذکور بر طبق قانون محلی ۱۶-۱۹۸۴ به آسمان‌خراش‌های نوساز تجاری و تمامی هتل‌های بلندمرتبه نیز تعمیم داده شد. کمیته فنی سامانه‌های ارتباطی حفاظتی (TCPSS) ۱۹ انجمن ایمنی حریق ملی (NFPA) ۲۰ آمریکا، کد سامانه‌های ارتباطی صوتی آسمان‌خراش‌ها (NFPA 72F) ۲۱ را معرفی نموده است. انتشار کد مذکور به سال ۱۹۸۸ بر می‌گردد. پس از سال ۱۹۸۸ نیز کد مذکور به‌عنوان یکی از فصل‌های کد اعلام حریق یکپارچه ملی (NFPA 72) ۲۲ منتشر گردیده است (از سال ۱۹۹۳ تاکنون).

تخلیه کامل آسمان‌خراش‌ها به‌ندرت رخ می‌دهد، ولی خطرپذیری کمتر جوامع کنونی احتمال تکرار تخلیه کامل آسمان‌خراش‌ها را افزایش داده است. به‌علاوه آتش‌سوزی تنها واقعه‌ای نیست که لزوم تخلیه کامل را ایجاد می‌کند. شرایط وخیم آب و هوایی، نشست مواد شیمیایی، زمین‌لرزه‌ها، نشستی‌های شدید آب، رفتارهای خشونت‌آمیز در محیط‌های کاری و قطع گسترده برق تنها برخی از شرایطی می‌باشند که به تخلیه ساختمان منجر می‌گردند. در برخی از وقایع خطرناک اجرای اقدامات اضطراری به عدم خروج افراد و انتظار در پناهگاه‌های ساختمانی محدود می‌گردد. مورد مذکور شامل تغییراتی در محل استقرار داخل-ساختمانی افراد نیز می‌شود. اجبار ساکنان ساختمان‌ها به اجرای اقدامات مقتضی یکی از مزایای سامانه‌های ارتباطی و مدیریت تخلیه پیش‌گیرانه می‌باشد.

پژوهش در زمینه عوامل انسانی نشان می‌دهد که تمامی افراد قادر به اتخاذ تصمیم‌های درستی در شرایط اضطراری می‌باشند، ولی اتخاذ چنین تصمیم‌هایی مستلزم ارائه داده‌های دقیق و روشنی به افراد می‌باشد [۲۳]. تخلیه مرکز تجارت جهانی (در سال ۱۹۹۳ و ۲۰۰۱) و تخلیه واقعی و تمرینی آسمان‌خراش‌های دیگر، گستره وسیعی از مشکلات ناشی از تخلیه تعداد کثیری از افراد را نشان می‌دهد. کلیه موارد مذکور لزوم مدیریت فعال فرایند تخلیه را نشان می‌دهند. مدیریت فعال تخلیه شامل پایش فرایند تخلیه برای شناسایی مشکلات احتمالی و کاربرد سامانه‌های ارتباطی برای ارائه دستورالعمل‌های مقتضی در جهت رفع مشکلات مذکور می‌باشد.

امروزه کاربرد سامانه‌های ارتباطی اضطراری، حتی در ساختمان‌های کوچک‌تر نیز مرسوم شده است. سامانه‌های ارتباطی قادر به پوشش نواحی خاص (نظیر طبقات اختصاصی یا مناطق حریق، پله‌ها و آسانسورها) و یا تمامی ساختمان می‌باشند. سامانه‌های مذکور دستورالعمل‌های صوتی معینی (در فرم دیجیتال یا قبلاً ضبط شده) را منتشر می‌سازند. همچنین در طول وقایع اضطراری امکان پخش فوری فرمان‌های رئیس بحران از طریق سامانه‌های مذکور نیز میسر می‌گردد. در شرایط کنونی کاربرد دوربین‌های مراقبتی در نواحی پناهگاهی و پله‌ها نیز به‌شدت مورد توجه قرار گرفته است؛ کاربرد دوربین‌های مذکور در فضاهای پناهگاهی و پله‌ها امکان پایش و رفع فوری مشکلات تخلیه‌ای را فراهم می‌کند. برای کاهش بار کاری فرایند پایشی، تصاویر مربوطه تنها در موارد ذیل نشان داده می‌شوند: (۱) عدم وجود افراد (۲) عدم حرکت افراد بر روی پله‌ها (۳) تماس با مرکز فرماندهی از محل مربوطه.

علائم دینامیک قادر به ارائه داده‌های متنی لحظه‌ای می‌باشند. علائم مذکور زمان رسیدن آسانسورها به کلیه طبقه‌ها را به‌عنوان بخشی از فرایند تخلیه آسانسوری نشان می‌دهند و همچنین جهت‌های صحیح حرکت افراد در نقاط کلیدی سامانه

19- Technical Committee on Protective Signaling Systems

20- the National Fire Protection Association (NFPA)

21- High Rise Voice Communication Systems

22- the consolidated National Fire Alarm Code

بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی
با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین خط تولید



IRANIAN BARAK COPPER CO.

www.ibcco.midhco.com

فرار نیز از طریق علائم دینامیک نشان داده می‌شوند. چنین علائم دینامیکی در طبقه انتقالی و در میان پله‌های فرار برج مرکز تجارت جهانی ۷ نصب شده‌اند. علائم مذکور نشان می‌دهند که ساکنان برج مذکور در شرایط تخلیه اضطراری از کدام خروجی‌های خیابانی استفاده نمایند. علائم مذکور قادر به نمایش کلیه پیغام‌های مرکز فرماندهی حریق و یا مرکز امنیتی ساختمان می‌باشند.

سامانه اطلاعاتی تجربی دیگری نیز به وسیله سازمان سرویس‌های عمومی آمریکا معرفی شده است؛ سامانه مذکور شامل یک پیچر متنی می‌باشد که در اختیار تمامی افرادی با ناتوانی شنوایی قرار می‌گیرد. دستگاه الکترونیکی مذکور در پیشخوان ورودی ساختمان‌ها به تمامی ناشنویان ارائه می‌شود. سامانه مذکور پیغام‌ها و دستورالعمل‌های متنی را در طول وقایع اضطراری نشان می‌دهد. ارسال پیغام‌های مذکور با ارتعاش پیچر همراه می‌گردد و کاربر را از ورود پیغام متنی باخبر می‌سازد. تنها مشکل سامانه مذکور چگونگی الزام افراد به حمل پیچرها و بازپس‌گیری پیچرها در هنگام خروج بازدیدکنندگان می‌باشد.

۱-۱۱ اهداف عملکردی سامانه‌های فرار

پیرو بررسی فروریزش برج‌های دوقلوی مرکز تجارت جهانی، انجمن ملی استاندارد و فناوری (NIST) طرحی را در مورد تغییر کدها، استانداردها و روش‌های اجرایی پیشنهاد نمود. NIST پیشنهاد کرد که ساختمان‌ها را بر طبق تخلیه کامل زمان، طراحی نمایند. مورد مذکور نشان‌گر تبدیل طرح تخلیه کلی هم‌زمان به یک هنجار و یا حتی روش مرسوم نمی‌باشد، اما انتظار برای تخلیه کامل آتی هر ساختمانی در مقطع کوچکی از عمر ساختمان نیز منطقی می‌باشد. در توصیه‌های مذکور، تعریفی برای واژه زمانی ارائه نشده است. تجربه کاربرد آسانسورهای متداول ساختمانی در تخلیه کامل آسمانخراش‌ها نشان می‌دهد که تخلیه کامل ساختمان‌ها (با هر ارتفاعی) در یک بازه زمانی ۱ ساعته و بدون لزومی در تغییر تعداد، ظرفیت و سرعت آسانسورها نیز امکان‌پذیر می‌باشد. بنابراین دستیابی به قابلیت تخلیه ساختمان‌ها در طول یک بازه زمانی ۱ ساعته و یا کمتر نیز میسر می‌باشد. زمان مذکور زمان مورد نیاز خروج ایمن (RSET) نامیده می‌شود.

۴۹

در مدل‌سازی فرایند تخلیه ساکنان ساختمان‌ها کاربرد ضریب ایمنی ۲ برای لحاظ عدم قطعیت‌های رفتارهای انسانی توصیه می‌گردد [۲۴]. همگام با روش محافظه‌کارانه مذکور افزایش دو برابری زمان در دسترس و زمان کمینه تخلیه ۲ ساعته ASET توصیه می‌گردد. افزایش دوبرابری زمان در دسترس ایمن فرار (ASET) الزامی کلی برای مقاومت حریق اسکلت‌های سازه‌ای آسمان‌خراش‌های آب‌پاشدار می‌باشد. با این وجود هم‌گرایی نتایج نهایی به هدف منطقی و محافظه‌کارانه تخلیه کامل یک ساعته افراد (شامل افرادی با معلولیت‌های حرکتی) الزامی می‌باشد. به‌علاوه تخلیه شخصی معلولان، بدون لزوم یاری افراد و یا ابزارهای ویژه دیگر نیز امکان‌پذیر می‌باشد.

۱۲- استنتاج پایانی

مطالب فوق نشان‌گر آن است که آسانسورهای حفاظت‌شده، به ابزار اصلی تخلیه عمودی آتی آسمان‌خراش‌ها بدل خواهند گردید. با فرض کارایی تخلیه کامل یک ساعته یا کمتر، کاربرد آسانسورهای فرار در ساختمان‌های بلندتر از ۵۰ طبقه و کاربرد آسانسورهای اطفاء حریق در ساختمان‌های بلندتر از ۶ تا ۹ طبقه الزامی می‌باشد. در هر نرخ تخلیه تقریبی طبقه در دقیقه، تخلیه پله‌های ساختمان‌هایی با ارتفاع بیشینه ۵۰ طبقه‌ای نیز در بازه زمانی ۱ ساعته و یا کمتر میسر می‌باشد. اکثر سازمان‌های آتش‌نشانی کاربرد آسانسورها برای دسترسی به طبقه‌های حریق بالاتر از طبقه ششم را در اولویت قرار می‌دهند. بررسی‌های تفصیلی و توافق‌های کلی در زمینه نقش پله‌ها، طبقه‌های پناهگاهی، سامانه‌های ارتباطی، شیوه‌های فرار، جابجایی داخلی ساکنان و امور حفاظتی، برای آماده‌سازی ساختمان‌ها در برابر گستره وقایع احتمالی آتی الزامی می‌باشد. در مواردی ارزیابی خطرهای آتی برای شناسایی سناریوهای بالقوه احتمالی الزامی می‌باشد.



کاربرد آسانسورهای حفاظت‌شده، برای تخلیه اکثر ساکنان ساختمان‌ها، لزوم کاربرد پله‌های فرار را کاهش می‌دهد. در چنین شرایطی لزومی به کاربرد پله‌های عریض‌تر نخواهد بود. در این مورد صرفه‌جویی در هزینه‌های اضافی برای ساخت پله‌های عریض‌تر، هزینه‌های اضافی حفاظتی و پایشی آسانسورها را پوشش می‌دهد. در این شرایط مالکان ساختمان‌ها قادر به انتقال کاربری‌های شلوغ (رستوران، بار و غیره) به طبقه‌های فوقانی آسمان‌خراش‌ها، بدون لزوم افزایش ظرفیت پله‌ها می‌باشند و معلولان نیز قادر به خروج شخصی از آسمان‌خراش‌ها به همراه افراد دیگر بدون نیاز به تجهیزات و تمهیدات ویژه‌ای خواهند بود. در هنگام ارائه دستور صریحی از رئیس بحران مبنی بر خروج همزمان تمامی افراد، تمامی ساکنان آسمان‌خراش‌ها باید قادر به تخلیه ساختمان در یک بازه زمانی یک ساعته یا کمتر باشند. دسترسی تمامی ساختمان‌های مرتفع، به‌ویژه ساختمان‌های بسیار مرتفع به یک بازه زمانی یک ساعته [زمان موردنیاز ایمن فرار (REST)] الزامی می‌باشد. همچنین برای لحاظ تنوع‌های رفتاری و قابلیت‌های انسانی، کاربرد ضریب ایمنی ۲ برای زمان در دسترس ایمن فرار (ASET) نیز الزامی می‌باشد؛ یعنی بازه زمانی دو ساعته.

منابع

- [1] Bukowski, R.W. and Kuligowski, E.D., The Basis for Egress Provisions in U.S. Building Codes, InterFlam 2004, Edinburgh, UK, July 2004.
- [2] Klem, T. and Kyte, G., Fire at the Prudential Building, Fire Command, 53, No. 3, 14-19, March 1986.
- [3] NCSTAR 1 Final Report on the Collapse of the World Trade Center Towers, Chapter 9 Recommendations, Nat Inst Stand Tech, Gaithersburg, MD 20899 2005.
- [4] Local Law 26-2004, Ammendments to the Building Code of New York City, New York City Department of Buildings, 2004.
- [5] Standard Classification for Abuse-Resistant Nondecorated Interior Gypsum Panel Products and Fiber- Reinforced Cement Panels, ASTM C 1629/C 1629M-05, ASTM International, West Conshohocken, PA.
- [6] Templar, J., The Staircase, Studies of Hazards, Falls, and Safer Design, MIT Press, Atlanta, GA 1992.
- [7] Pauls, J., Selected Human Factors Aspects of Egress System Design, presentation at CIB TG50 and W14 Joint Symposium on Tall Buildings and Fire, September 2006, proceedings available at <http://www.cibworld.nl/>
- [8] Averill, J. and Peacock, R., SFPE PED Conference proceedings (in press)
- [9] Averill, J., Mileti, D., Peacock, R., Kuligowski, E., Groner, N., Proulx, G., Reneke, P., and Nelson, H., Occupant Behavior, Egress, and Emergency Communications, NCSTAR 1-7, NIST, Gaithersburg, MD 2005, available at <http://wtc.nist.gov/>
- [10] Life Safety Code, NFPA 101-2006, Table 7.2.2.2.1.2 (B), Nat Fire Prot Assn, Quincy, MA 02269
- [11] David Frable, GSA, private communication.
- [12] Details of the design of 7 WTC can be viewed on the Silverstein Properties website <http://silversteinproperties.com/>
- [13] Bukowski, R.W., Protected Elevators for Egress and Access During Fires in Tall Buildings, Strategies for Performance in the Aftermath of the World Trade Center. CIB-CTBUH Conference on Tall Buildings. Proceedings. Task Group on Tall Buildings: CIB TG50. CIB Publication No. 290. October 20-23, 2003, Kuala Lumpur, Malaysia, Shafii, F.; Bukowski, R.; Klemencic, R., Editors, 187-192 pp, 2003.
- [14] Bukowski, R. et al, Elevator Controls, NFPA Journal, Nat Fire Protect Assoc., Quincy, MA 100, No 2, March/April 2006
- [15] Bukowski, R., Protected Elevators and the Disabled, Fire Protection Engineering, SFPE, Bethesda, MD, Issue



بررسی کاربرد چندراهی کم افت^۱ در سامانه‌های گرمایشی به همراه شبیه‌سازی جریان در داخل آن

نویسنده: سمانه ایزدفر

در ایران، مصرف انرژی در ساختمان، حدود ۴۰ درصد از کل انرژی مصرف شده در کشور را به خود اختصاص می‌دهد؛ با توجه به اینکه ۷۱ درصد مصرف گاز طبیعی در ساختمان صرف گرمایش محیطی می‌شود؛ لذا بهینه‌سازی مصرف سوخت در گرمایش محیط از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. مقاله حاضر به صورت ترکیبی به بررسی اثرات دو مورد از عوامل موثر بر گرمایش محیط (شرایط اقلیم آب و هوایی، مصالح ساختمانی) پرداخته است. به همین منظور ابتدا اقلیم‌های مختلف آب و هوایی در استان مازندران به صورت دقیق استخراج و استان مازندران به ۵ بخش مختلف تقسیم بندی شده است. سپس شبیه‌سازی گرمایش محیطی یک ساختمان نمونه بوسیله نرم افزار کریر با طیف وسیعی از مصالح مختلف ساختمانی ممکن (پنجره، دیوار، کف، سقف) در اقلیم‌های مختلف انجام شده است، مقدار مصرف گاز طبیعی برای اقلیم‌ها در بدترین و بهترین حالت محاسبه گردیده است. ملاحظه شد در صورتیکه تمام مصالح انتخابی بصورت بهترین حالت ممکن (دیوار، سقف و کف با عایق بندی و پنجره‌ها بصورت سه جداره کم گسیل) انتخاب شوند از مقدار ۲۳ درصد تا مقدار ۷۸ درصد (بسته به مصالح انتخابی) در مصرف سوخت ساختمان صرفه جویی می‌شود که در این میان دیوار بیشترین اثر و کف ساختمان کمترین اثر را دارد.



1-Low Loss Header



۱- مقدمه

دیگ‌ها به عنوان یکی از مصرف‌کننده‌های عمده انرژی در ساختمان می‌باشند، به طوری که وضعیت عملکرد آنها، نقش مهمی در تعیین میزان مصرف انرژی ساختمان ایفا می‌نماید. از این رو کنترل بازده این تجهیزات و بهبود عملکرد آن، گام موثری در رفع مشکلات موجود در مصرف انرژی ساختمان و کاهش تلفات انرژی خواهد بود.

یکی از راه‌های بهبود عملکرد دیگ‌ها به کارگیری چندراهی کم‌افت در چرخه عملکردی آنها است. چندراهی کم‌افت نقش ارزشمندی را در حصول اطمینان از بابت اینکه دیگ‌ها در یک دبی ثابت عمل می‌کنند، ایفا می‌کند؛ به طوری که چندراهی کم‌افت دیگ را قادر می‌سازد تا صرف‌نظر از هر گونه تغییری که در دبی جریان مدار ثانویه ایجاد می‌شود، در مدار خود در یک دبی ثابت عمل کند.

متأسفانه در رابطه با طراحی چندراهی کم‌افت، یک خلأ عمیق مشاهده می‌شود. هدف از این مقاله، آشنایی با نحوه کارکرد چندراهی کم‌افت و بیان نکاتی پیرامون نکات طراحی این تجهیزات ارزشمند است.



شکل ۱: نمایی از یک چندراهی کم‌افت

چکیده

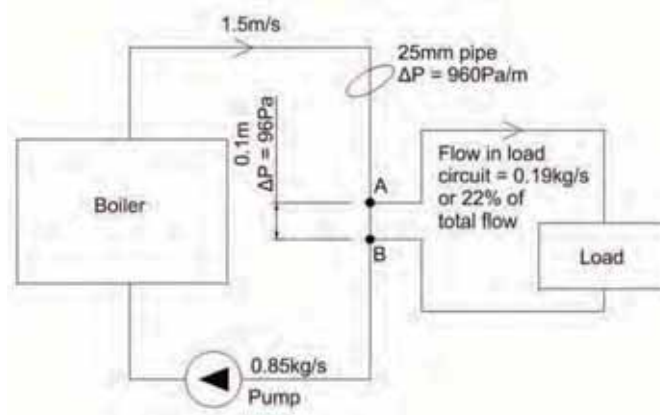
وضعیت عملکرد دیگ‌ها به عنوان یکی از مصرف‌کننده‌های عمده انرژی در ساختمان، نقش مهمی در تعیین میزان مصرف انرژی ساختمان ایفا می‌نماید. از این رو کنترل بازده این تجهیزات و بهبود عملکرد آن، گام موثری در رفع مشکلات موجود در مصرف انرژی ساختمان و کاهش تلفات انرژی خواهد بود. یکی از راه‌های بهبود عملکرد دیگ‌ها به کارگیری چندراهی کم‌افت در چرخه عملکردی آنها است. هدف اصلی از به کارگیری چندراهی کم‌افت ایجاد یک مجزاسازی هیدرولیکی میان مدارهای اولیه (مدار شامل دیگ) و مدار ثانویه (مدار مصرف‌کننده حرارت) است. در این مقاله به بیان اهمیت به کارگیری چندراهی کم‌افت در چرخه گرمایش پرداخته می‌شود. همچنین جهت تبیین فرآیندهایی که در درون چندراهی کم‌افت اتفاق می‌افتد از شبیه‌سازی عددی کمک گرفته شده است.

واژه‌های کلیدی: دیگ، چندراهی کم‌افت، شبیه‌سازی عددی



۲- هدف از به کارگیری چندراهی کمافت

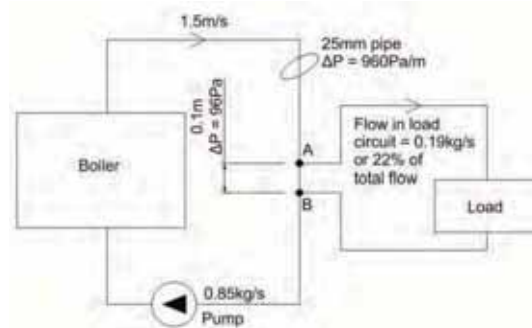
هدف اصلی از به کارگیری چندراهی کمافت ایجاد یک مجزاسازی هیدرولیکی میان مدارهای اولیه (مدار شامل دیگ) و مدار ثانویه (مدار مصرف کننده حرارت) است. برای بررسی تأثیر چندراهی کمافت به بررسی چند مثال پرداخته می شود. شکل ۲ یک مدار گرمایشی بدون چندراهی کمافت را نشان می دهد:



شکل ۲: مدار گرمایشی بدون وجود چندراهی کمافت - فاصله نقاط A و B ۲۰ متر است [۱]

۵۳

این مدار شامل یک دیگ و یک پمپ در مدار اولیه و یک مصرف کننده حرارت در مدار ثانویه است. آب زمانی در یک مدار بسته جریان پیدا می کند که اختلاف فشار در طول مسیر وجود داشته باشد. اگر در مدار اولیه با قطر ۲۵ میلی متر، جریانی با دبی ۰/۸۵ کیلوگرم بر ثانیه و با سرعت ۱/۵ متر بر ثانیه جریان داشته باشد، در این صورت با صرف نظر از افت ناشی از خمها و اتصالات، افت فشار در مدار اولیه به ازای هر متر، ۹۶۰ پاسکال خواهد بود. اگر نقاط اتصال مدار ثانویه (نقاط A و B) از همدیگر دو متر فاصله داشته باشند، اختلاف فشاری به اندازه ۱۹۲۰ پاسکال در طول مدار ثانویه ایجاد می شود. بنابراین اگر این اختلاف فشار در مدار ثانویه وجود داشته باشد، ۵۰ درصد از جریان اولیه وارد مدار ثانویه خواهد شد. مطابق شکل ۳ اگر نقاط A و B به همدیگر نزدیک تر باشند، مثلاً فاصله آنها ۱۰۰ میلی متر باشد، در این حالت اختلاف فشار در مدار ثانویه فقط ۶۹ پاسکال خواهد بود که سبب ایجاد جریان کمتری در مدار ثانویه می شود.

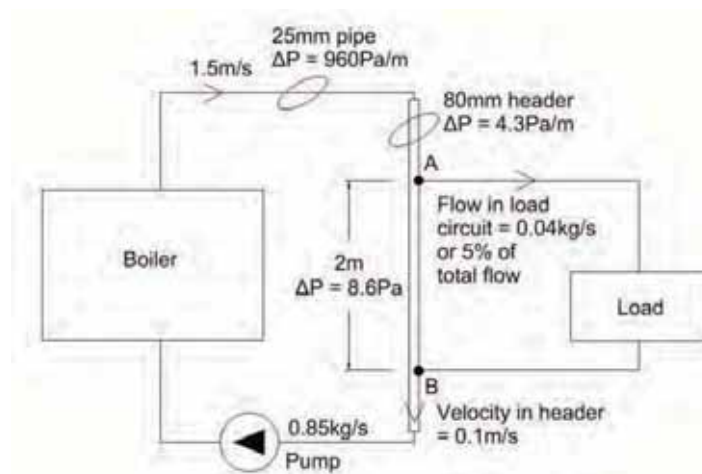


شکل ۳: مدار گرمایشی بدون وجود چندراهی کمافت - فاصله نقاط A و B ۱۰۰ میلی متر است [۱]



بنابراین حتی اگر محل رفت و برگشت جریان ثانویه به جریان اولیه به یکدیگر نزدیک باشد، یک جریان ناخواسته با دبی معادل ۲۲ درصد جریان اولیه همچنان در مدار ثانویه ایجاد می‌شود. چندراهی کم‌افت چندراهی از طریق کاهش افت فشار به یک مقدار بسیار ناچیز، سبب ایجاد مجزاسازی هیدرولیکی بین دو مدار می‌شود.

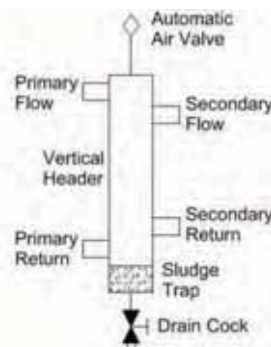
شکل ۴ همان مدار قبلی را با اضافه شدن یک چندراهی کم‌افت به قطر ۸۰ میلی‌متر نشان می‌دهد که سبب کاهش افت فشار به مقدار ۴/۳ پاسکال بر متر و کاهش سرعت جریان به مقدار ۰/۱ متر بر ثانیه می‌شود. با در نظر گرفتن همان فاصله دو متری بین نقاط رفت و برگشت مدار ثانویه، در این حالت جریان ناخواسته در مدار ثانویه تنها ۵ درصد جریان در مدار اولیه خواهد بود. در حالت واقعی و با به‌کارگیری یک چندراهی کم‌افت با اندازه مناسب، مقدار جریان ناخواسته در مدار ثانویه به کمتر از ۱ درصد مقدار جریان در مدار اولیه می‌شود و در نتیجه با به‌کارگیری پمپ در مدار ثانویه می‌توان جریان مورد نیاز را تأمین کرد. بنابراین قطر چندراهی کم‌افت باید به اندازه‌ای انتخاب شود که در صورت عدم وجود پمپ در مدار ثانویه کمتر از ۱ درصد از جریان مدار اولیه وارد مدار ثانویه شود.



۵۴

شکل ۴: مدار گرمایشی با وجود چندراهی کم‌افت [۱]

با توجه به پایین بودن سرعت جریان در داخل چندراهی کم‌افت پتانسیل بالایی برای جمع شدن لجن و رسوب در قسمت‌های پایینی چندراهی کم‌افت وجود دارد. به همین خاطر چندراهی کم‌افت همواره باید به صورت عمودی قرار داده شود و یک شیر تخلیه در قسمت پایینی آن نصب شود (مطابق شکل ۵). باید توجه داشت که محل قرارگیری پایین‌ترین اتصال به چندراهی کم‌افت باید از سطح تجمع لجن و رسوبات بالاتر باشد.



شکل ۵: وجود شیر تخلیه در قسمت پایینی چندراهی کم‌افت [۱]



۳- شبیه سازی جریان در چندراهی کمافت

به منظور بررسی الگوی جریان در داخل چندراهی کمافت از شبیه سازی عددی کمک گرفته شد. در این قسمت به نحوه مدل سازی و بررسی نتایج به دست آمده پرداخته می شود. شکل ۶ هندسه چندراهی کمافت مدل سازی شده و شکل ۷ شبکه بندی انجام شده بر روی آن را نشان می دهد. در مدل سازی، دمای ورودی و خروجی دیگ به ترتیب ۳۲۰ و ۳۴۰ درجه کلوین است. هدف ما رسیدن به دمای ثابت ۳۳۰ درجه کلوین برای سامانه گرمایشی ساختمان با اختلاف دمای ورودی و خروجی ۱۰ درجه می باشد. برای رسیدن به این امر، مطابق محاسبات زیر، دبی جریان در مدار ثانویه باید دو برابر مدار اولیه در نظر گرفته می شود تا قانون بقای انرژی برقرار شود.

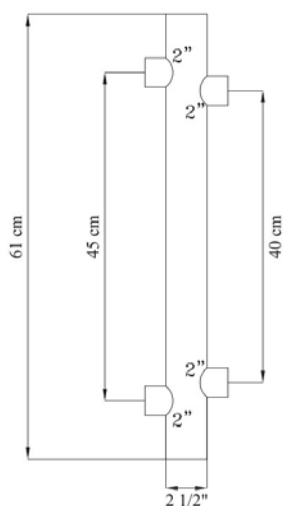
$$Q_1 = m_1 \times C \times \Delta T_1$$

$$Q_2 = m_2 \times C \times \Delta T_2$$

$$Q_1 = Q_2 \Rightarrow m_1 \times \Delta T_1 = m_2 \times \Delta T_2$$

$$\Delta T_1 = 2\Delta T_2 \Rightarrow m_1 = 0.5m_2$$

در این روابط زیرنویس ۱ مربوط به مدار اولیه و زیرنویس ۲ مربوط به مدار ثانویه می باشد.



شکل ۶: چندراهی کمافت مدل سازی شده

شکل ۷: شبکه بندی انجام شده بر روی چندراهی کمافت





۴- بررسی نتایج

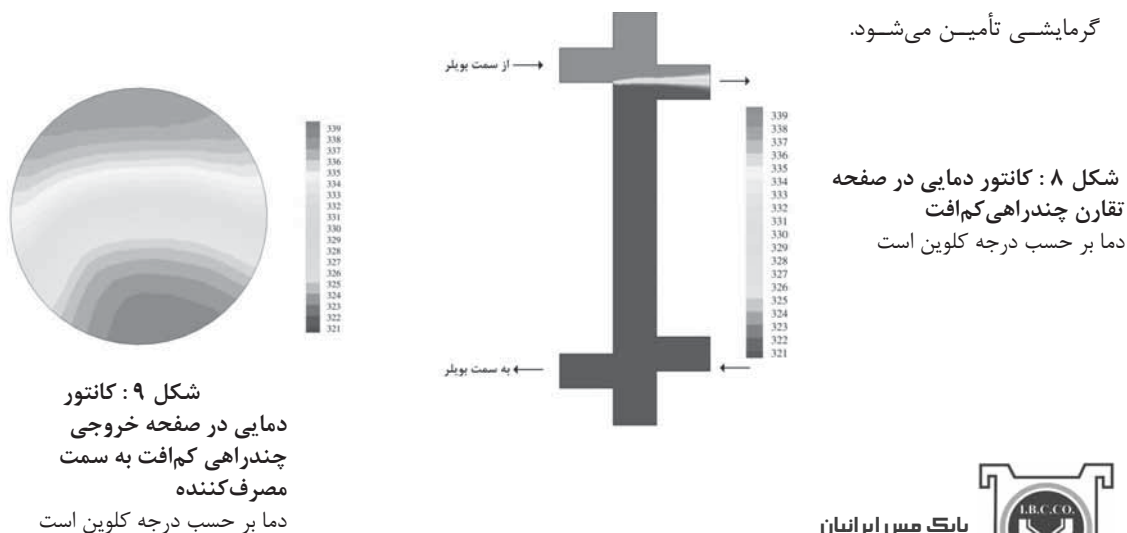
این سوال در طراحی چندراهی کم‌افت وجود دارد که نحوه اتصال ورودی‌ها و خروجی‌ها به چه نحوی باید باشد. به همین منظور در این قسمت نتایج در دو حالت مختلف مورد بررسی قرار می‌گیرند. یکی در حالتی که اتصالات در سمت دیگ (که در این مقاله «اتصالات مدار اولیه» نامیده می‌شوند) به یکدیگر نزدیکتر هستند و دیگری در حالتی که اتصالات در سمت مصرف‌کننده حرارت (که در این مقاله «اتصالات مدار ثانویه» نامیده می‌شوند) به یکدیگر نزدیک می‌باشند. در هر حالت کانتورهای سرعت و دما در صفحه تقارن چندراهی برای ارزیابی نحوه توزیع سرعت و دما در داخل آن، بردارهای سرعت برای مشاهده نحوه ترکیب جریان در داخل چندراهی کم‌افت و همچنین توزیع دما در صفحه خروجی چندراهی کم‌افت به سمت مصرف‌کننده برای مشاهده توزیع دمای خروجی از چندراهی کم‌افت مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

۴-۱- اتصالات مدار ثانویه درون اتصالات مدار اولیه قرار دارند

بر اساس دستورالعمل سازنده‌های چندراهی کم‌افت، زمانی که نیاز به دمای ثابتی جهت تغذیه سامانه گرمایشی ساختمان وجود دارد، اتصالات باید در سمت مصرف‌کننده به یکدیگر نزدیکتر باشند یا به عبارت دیگر اتصالات مدار ثانویه درون اتصالات مدار اولیه قرار گیرند. ولی متأسفانه دلیل این امر توضیح داده نشده است. در این قسمت به بررسی صحت این موضوع پرداخته می‌شود.

در شکل ۸ کانتور دمایی در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این حالت با توجه به دو برابر بودن دبی جریان در مدار ثانویه، تمامی آبی که از سمت دیگ وارد چندراهی کم‌افت می‌شود، توسط پمپ مدار ثانویه مکیده می‌شود و مابقی جریان نیز از مدار برگشت مدار ثانویه تأمین می‌شود.

در این حالت، این اطمینان وجود دارد که تمامی آبی که توسط دیگ گرم شده است وارد مدار ثانویه می‌شود، که در مدل‌سازی ۵۰ درصد جریان را شامل می‌شود و ۵۰ درصد باقی مانده نیز از آبی که بعد از عبور از سامانه حرارتی دمای آن کاهش پیدا کرده تأمین می‌شود. در نتیجه در این حالت همواره یک ترکیب ثابت و متعاقباً با یک دمای ثابت، وارد مدار ثانویه می‌شود. کانتور دمایی در صفحه خروجی چندراهی کم‌افت در سمت مدار ثانویه در شکل ۹ نشان داده شده است. متوسط دمای خروجی از چندراهی کم‌افت به سمت مصرف‌کننده در این حالت ۳۳۰ درجه کلوین است. در نتیجه در این حالت همواره دمای مطلوب جهت سامانه گرمایشی تأمین می‌شود.



شکل ۹: کانتور دمایی در صفحه خروجی چندراهی کم‌افت به سمت مصرف‌کننده دما بر حسب درجه کلوین است

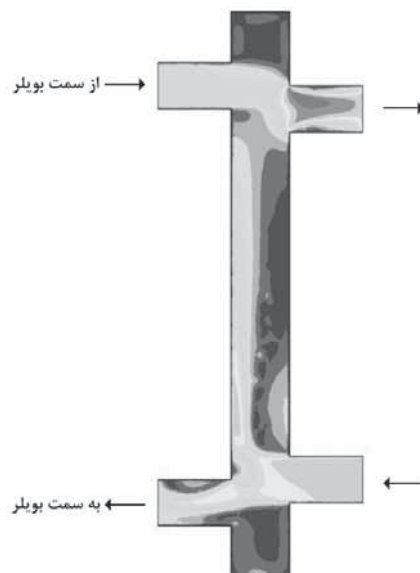
بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین خط تولید



IRANIAN BARAK COPPER CO.

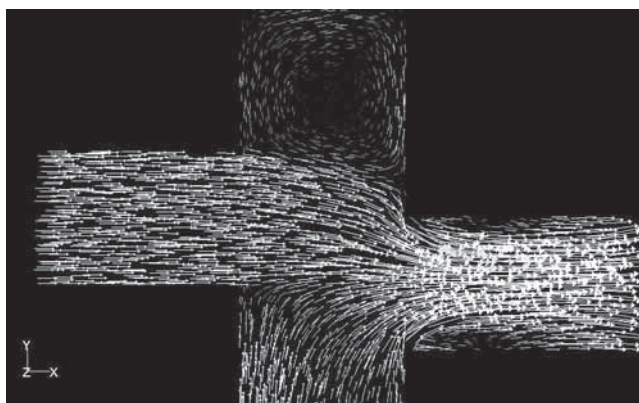
www.ibcco.midhco.com



شکل ۱۰: کانتور سرعت در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت

شکل ۱۰ کانتور سرعت را در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این حالت بیشینه سرعت در قسمت میانی اتصال خروجی چندراهی کم‌افت به سمت مدار ثانویه تشکیل می‌شود.

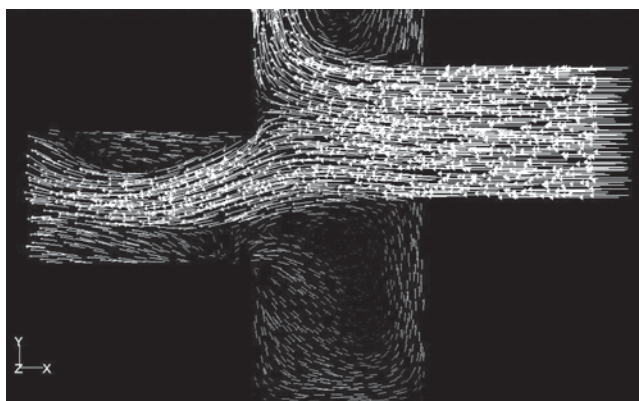
شکل‌های ۱۱ و ۱۲ بردارهای جریان را در ورودی و خروجی‌های چندراهی کم‌افت نشان می‌دهد. در این شکل‌ها نحوه ترکیب جریان‌ها در داخل چندراهی کم‌افت به خوبی نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هر دو خروجی بالایی و پایینی چندراهی کم‌افت بیشینه سرعت در قسمت میانی مقطع ایجاد می‌شود.



شکل ۱۱: بردارهای سرعت در قسمت بالایی چندراهی کم‌افت



نکته دیگری که در این شکل‌ها نمایان می‌شود، گردابه‌های ایجاد شده در قسمت‌های بالایی و پایینی چندراهی کم‌افت است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این قسمت‌ها سرعت جریان به مراتب کاهش می‌یابد و به همین دلیل است که در چپ‌ای جهت خروج هوا و محل تخلیه برای خروج رسوب و پسماندها در این قسمت‌ها قرار داده می‌شوند. این نقاط تخلیه به صورت استاندارد بر روی چندراهی‌ها تعبیه شده است.



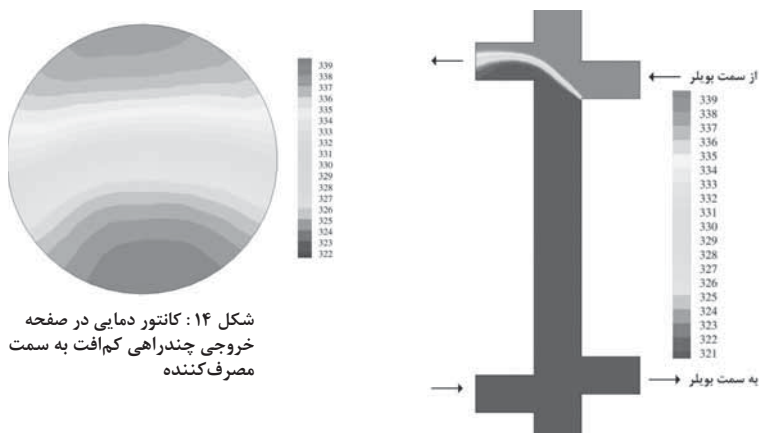
شکل ۱۲: بردارهای سرعت در قسمت پایینی چندراهی کم‌افت

۲-۴- اتصالات مدار ثانویه درون اتصالات مدار اولیه قرار دارند

در این حالت اتصالات سمت مصرف کننده به یکدیگر نزدیکتر هستند و یا به عبارت دیگر اتصالات مدار اولیه درون اتصالات مدار ثانویه قرار دارند.

در شکل ۱۳ کانتور دمایی در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت نشان داده شده است. در این حالت نیز تمامی جریان آبی که توسط دیگ گرم شده وارد مدار ثانویه می‌شود. ولی در صورتی که اتصالات سمت دیگ از حدی بیشتر به یکدیگر نزدیک باشند این امکان وجود دارد که بخشی از جریان خروجی از دیگ دوباره به دیگ بازگردد و تمامی آن وارد مدار ثانویه نشود. در نتیجه در فواصل نزدیک به هم تفاوتی از لحاظ دمایی در خروجی چندراهی کم‌افت به سمت مصرف کننده وجود ندارد. زیرا در این حالت نیز تمامی آبی که توسط دیگ گرم شده است وارد مدار ثانویه می‌شود و تا زمانی که اطمینان از این امر وجود دارد، خروجی دمایی مطلوب به دست خواهد آمد.

کانتور دمایی در صفحه خروجی چندراهی کم‌افت در سمت مدار ثانویه در شکل ۱۴ نشان داده شده است.



شکل ۱۳: کانتور دمایی در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت

شکل ۱۴: کانتور دمایی در صفحه خروجی چندراهی کم‌افت به سمت مصرف کننده

بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی
با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین خط تولید



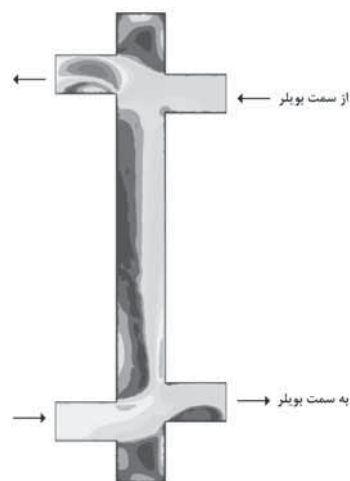
IRANIAN BARAK COPPER CO.

www.ibcco.midhco.com

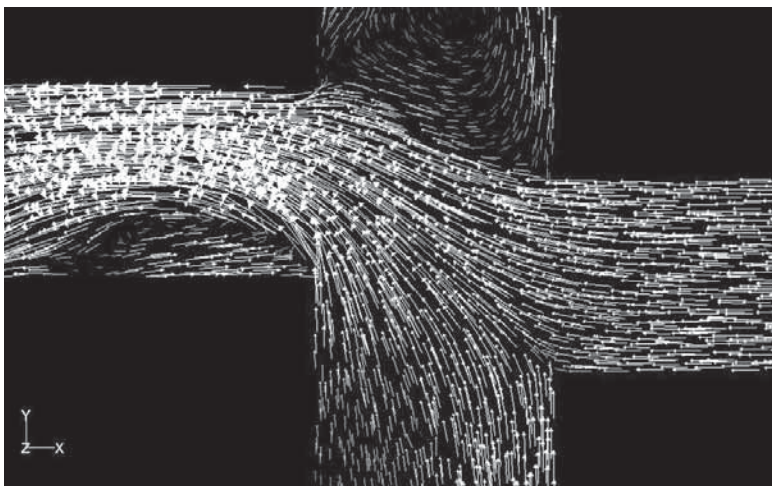
شکل ۱۵ کانتور سرعت را در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود در این حالت بیشینه سرعت در قسمت بالایی اتصال خروجی چندراهی کم‌افت به سمت مدار ثانویه تشکیل می‌شود.

شکل‌های ۱۶ و ۱۷ بردارهای جریان را در ورودی و خروجی‌های چندراهی کم‌افت نشان می‌دهد. در این شکل‌ها نحوه ترکیب جریان‌ها در داخل چندراهی کم‌افت به خوبی نشان داده شده است. همان‌طور که مشاهده می‌شود در هر دو خروجی بالایی و پایینی چندراهی کم‌افت بیشینه سرعت در قسمت بالایی مقطع ایجاد می‌شود.

تفاوتی که در این حالت نسبت به حالت قبل وجود دارد تشکیل یک گردابه بزرگ در مقطعه خروجی از چندراهی کم‌افت چندراهی است که سبب کاهش سطح مقطع جریان می‌شود. در این حالت نیز همانند حالت قبل گردابه‌هایی در قسمت‌های بالایی و پایینی چندراهی کم‌افت تشکیل می‌شود. به همین خاطر وجود دریچه جهت خروج هوا و محل تخلیه برای خروج رسوب و پسماندها ضروری است.



شکل ۱۵: کانتور سرعت در صفحه تقارن چندراهی کم‌افت



شکل ۱۶: بردارهای سرعت در قسمت بالایی چندراهی کم‌افت



شکل ۱۷: بردارهای سرعت در قسمت پایینی چندراهی کم‌افت

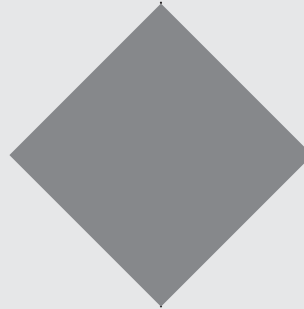
۵- نتیجه گیری

مقدار آب ورودی در سامانه (رادیاتور، مخزن و ...) ممکن است بیشتر و یا کمتر از مقدار مشخص در دیگ باشد. دیگ تنها زمانی در پیک بازده خود عمل می‌کند که سرعت آب عبوری از آن در محدوده پارامترهای تعیین شده قرار گیرد. در برخی موارد، مانند سامانه‌های چند دیگ، ممکن است نرخ جریان در مدار سامانه از حداکثر نرخ پیشنهادی تجاوز کند. در این مواقع نصب چندراهی کم‌افت باعث تولید یک مدار اولیه جریان می‌گردد که به وسیله آن بدون توجه به تغییرات و یا نیازمندی‌های مدار ثانویه، سرعت آب در مدار اولیه می‌تواند در مقدار ثابت مورد نظر قرار داده شود. در حقیقت مدار اولیه مانند مخزن چرخش آب داغی عمل می‌کند که مدار ثانویه می‌تواند در هنگام لزوم به آن نفوذ کند. علاوه بر سرعت آب، دمای آب نیز اهمیت دارد. به ویژه برای دیگ‌های چگالشی که نیازهای خاص خود را جهت عملکرد با حداکثر بازده دارند. برای ورود دیگ به حالت چگالشی دمای بازگشت نباید بیشتر از ۵۵ درجه سلسیوس باشد. در این صورت با استفاده از چندراهی کم‌افت، جریان خروجی از دیگ با جریان برگشتی از سامانه ترکیب و در نهایت دمای ورودی به دیگ کاهش می‌یابد. بنابراین در برخی موارد حسگرهای دما بر روی چندراهی جهت کنترل دمای مدار اولیه نصب می‌شوند.

مرجع

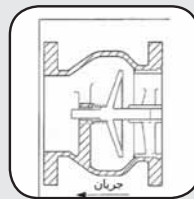
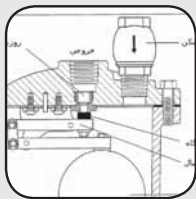
[1] David Palmer (2014), "Talking Headers", CIBSE Journal.





کنترل موج آبی در ایستگاه های پمپاژ

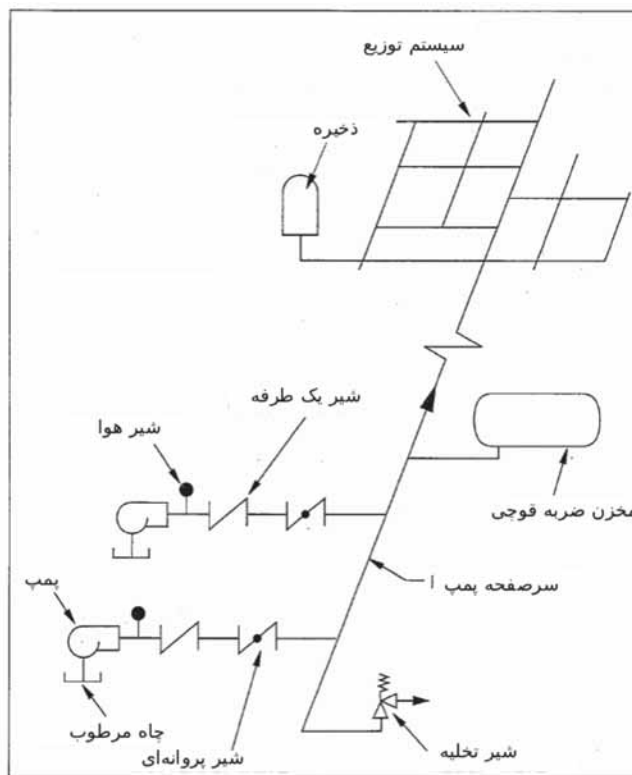
ترجمه و ویرایش: سید محمدرضا ناجیان





این مقاله اصول اولیه کنترل موج‌آبی و عملکرد شیرهای مختلف در ارتباط با ایستگاه‌های پمپاژ را ارائه می‌دهد.

خطوط لوله آبی و سامانه‌های توزیع‌کننده تقریباً هر روز در معرض موج‌آبی هستند، که در طول زمان می‌تواند به تجهیزات موجود و نیز خود خط لوله آسیب وارد کند. موج‌آبی‌ها با تغییرات ناگهانی در سرعت سیال ایجاد می‌شوند و می‌توانند به کوچکی چند پوند در مجذور اینچ تا به بزرگی پنج برابر فشار استاتیک باشند. علل و اثرات این موج‌آبی‌ها در سامانه‌های پمپاژ، به همراه تجهیزاتی که برای جلوگیری و دفع موج‌آبی‌ها طراحی شده است مورد بحث قرار خواهد گرفت. همچنین تاسیسات رایج و مثال‌هایی دیگر به منظور درک محدودیت‌های قابل اجرا مطرح می‌شوند. شکل ۱ یک سامانه نمونه پمپاژ و توزیع آب را نشان می‌دهد که در آن دو پمپ موازی از چاه مرطوب آب می‌کشند و سپس آب را از طریق شیرهای بررسی و پروانه‌ای



شکل ۱: یک سیستم توزیع / پمپاژ نمونه

به یک سامانه سرصفحه و توزیع، پمپاژ می‌کند. مخزن ضربه قوچی و شیر تخلیه به عنوان تجهیزات ممکن در سرصفحه پمپ برای از بین بردن و جلوگیری از موج‌آبی نشان داده شده‌اند. در رابطه با هر یک از این‌ها در ادامه بیشتر بحث خواهد شد.



علتها و معلولها

موج آبی‌ها به علت تغییرات ناگهانی در سرعت جریان ایجاد می‌شوند که خود ناشی از علل شایعی مانند بسته شدن سریع شیر، روشن و خاموش شدن پمپ و روش‌های پرکردن نادرست است. خطوط لوله اغلب اولین موج آبی خود را در طول پر کردن مشاهده می‌کنند؛ این زمانی است که هوایی که به سرعت از یک لوله خارج می‌شود، از طریق یک شیر دستی و یا یک شیر متوقف‌کننده در امتداد آب به بیرون می‌رود.

از آنجایی که آب چند برابر چگال‌تر از هوا است، هوا را با سرعت زیادی به سمت خروجی دنبال می‌کند، اما سرعت آن در خروجی محدود می‌شود که در نتیجه باعث ایجاد موج آبی می‌شود. از این رو کنترل دقیق سرعت جریان پر کردن و همچنین تهویه هوا از طریق شیرهای هوای خودکار با اندازه‌های مناسب ضروری است. به‌طور مشابه، شیرهای خط باید برای جلوگیری از تغییرات سریع در سرعت جریان به آهستگی بسته و باز شوند.

می‌توان گفت عملکرد پمپ‌ها و توقف ناگهانی پمپ‌ها به علت قطعی برق، شایع‌ترین تاثیر بر روی سامانه و بیشترین احتمال ایجاد موج آبی را دارد. اگر سامانه پمپاژ کنترل شده و یا تحت محافظت نباشد، آلودگی و آسیب به تجهیزات و خط لوله به خودی خود می‌تواند جدی باشد.

اثرات موج آبی می‌تواند به مقدار شل کردن اتصالات لوله‌ها جزئی، تا حد آسیب به پمپ‌ها، شیرها و سازه‌های بتنی شدید باشد. اتصالات لوله‌های آسیب دیده و شرایط خلاء می‌تواند موجب آلودگی سامانه از شرایط آب‌های زیرزمینی و جریان برگشتی شود. موج آبی‌های کنترل نشده نیز می‌توانند فاجعه‌بار باشند. شکستگی خط می‌تواند موجب سیل شود و جابجایی خط می‌تواند به ستون‌ها و بعضاً حتی بتن و خزانه آسیب وارد کند و ضرر و زیانی به ارزش میلیون‌ها دلار می‌تواند رخ دهد. بنابراین درک

و کنترل موج آبی با تجهیزات مناسب ضروری است.

سابقه موج آبی

به منظور کسب درک درستی از تجهیزات کنترل موج آبی، تعدادی از معادلات اساسی تئوری موج آبی در ادامه ارائه می‌شود. گام اول؛ فشار موج آبی (H) ناشی از توقف لحظه‌ای جریان با تغییر در سرعت رابطه مستقیم دارد است و به‌صورت زیر محاسبه می‌شود: $H = av / g$ که در آن:

H = فشار موج آبی، ارتفاع ستون آب به فوت

a = سرعت فشار موج آبی، فوت بر ثانیه

v = تغییر در سرعت جریان، فوت بر ثانیه

g = گرانش، $32/2$ فوت بر مجذور ثانیه

سرعت موج فشاری (a) بسته نوع مایع، اندازه لوله، و مواد لوله متفاوت است. برای یک خط فولادی به اندازه متوسط، سرعت به‌طور تقریبی برابر با ۳۵۰۰ فوت بر ثانیه است. برای لوله‌های پی‌وی‌سی، سرعت به مراتب کمتر خواهد بود. برای یک خط فولادی ۱۲ اینچی که در آن آب با سرعت ۶ فوت بر ثانیه جریان دارد، مقدار موج آبی ناشی از یک توقف جریان لحظه‌ای برابر است با:

$$H = (3500 \text{ ft/s})(6 \text{ ft/s}) / (32 \text{ ft/s}^2) = 656 \text{ ft}$$

$H = 656 \text{ ft}$ ستون آب

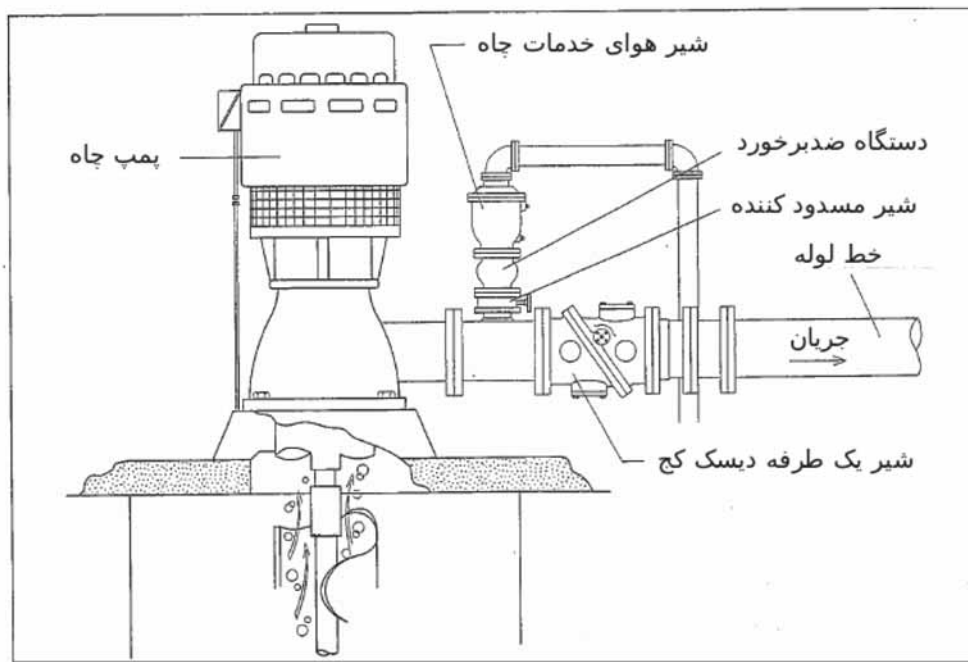
فشار موج آبی ۶۵۶ فوتی (یا ۲۸۵ پوند بر مجذور اینچ) در کنار فشار خط استاتیک وجود دارد. از این رو، فشار حاصل به احتمال قوی از نرخ فشار سامانه بیشتر می‌شود. به علاوه، در حالی که موج آبی از یک انتهای سامانه لوله کشی به انتهای دیگر منتقل می‌شود، این فشار بالا برای چند ثانیه حفظ می‌شود، که باعث فشار بیش از حد لوله و اتصالات



معمول برای پیش‌بینی جدایی ستون و سرعت بازگشت واقعی و موج‌آبی به کار گرفته می‌شوند. برنامه‌های کوتاه همچنین می‌توانند شیوه‌هایی برای کنترل قطعی ستون مانند استفاده از یک مخزن ضربه قوچی، خلاء شکن، یا شیر هوا را مدل‌سازی کنند. این راه‌حل‌ها در ادامه با جزئیات بیشتری بحث خواهد شد.

تاکنون، تغییرات در سرعت از نوع تغییرات ناگهانی شرح داده شد. اما تغییرات در سرعت باید چقدر

می‌شود. پس از یک انتقال، موج‌آبی فشار می‌تواند برای چند ثانیه یک فشار منفی و یک جداره خلاء ایجاد کند که باعث می‌شود آب زمینی آلوده از طریق بست‌ها و یا اتصالات به سمت سامانه‌ها کشیده شود. دستیابی به سرعتی حتی بالاتر از سرعت پمپاژ در سامانه‌های لوله کشی طولانی ممکن است. اگر پمپاژ به علت قطع برق به طور ناگهانی متوقف شود، انرژی جنبشی آب همراه با اینرسی کم پمپ ممکن است



شکل ۲: یک پمپ توربین عمودی

ناگهانی باشد که بتواند باعث موج‌آبی ایجاد شود؟ اگر تغییر سرعت در مدت زمان مورد نظر ایجاد شده باشد، موج‌آبی فشار از طول خط لوله عبور می‌کند و باز می‌گردد و تغییر در سرعت می‌تواند لحظه‌ای در نظر گرفته شود و معادله فشار موج‌آبی (S) که قبلاً داده است در مورد آن صادق است. این دوره زمانی، که اغلب دوره بحرانی نامیده می‌شود، با معادله زیر

موجب ایجاد یک قطعی در ستون آب در پمپ و یا در یک نقطه بالاتر در خط لوله شود. زمانی که ستون‌های آب از طریق سر استاتیک خط بر می‌گردند، سرعت معکوس می‌تواند از سرعت نرمال تجاوز کند. فشار موج‌آبی حاصل می‌تواند حتی بالاتر از مقدار ۶۵۶ فوت محاسبه شده در بالا باشد.

برنامه‌های کامپیوتری تجزیه و تحلیل کوتاه به‌طور



بحرانی برای خط لوله فولادی به طول ۴ مایل به
شرح زیر است:
 $t = 2 (21, 120 \text{ ft}) / (3500 \text{ ft/sec})$

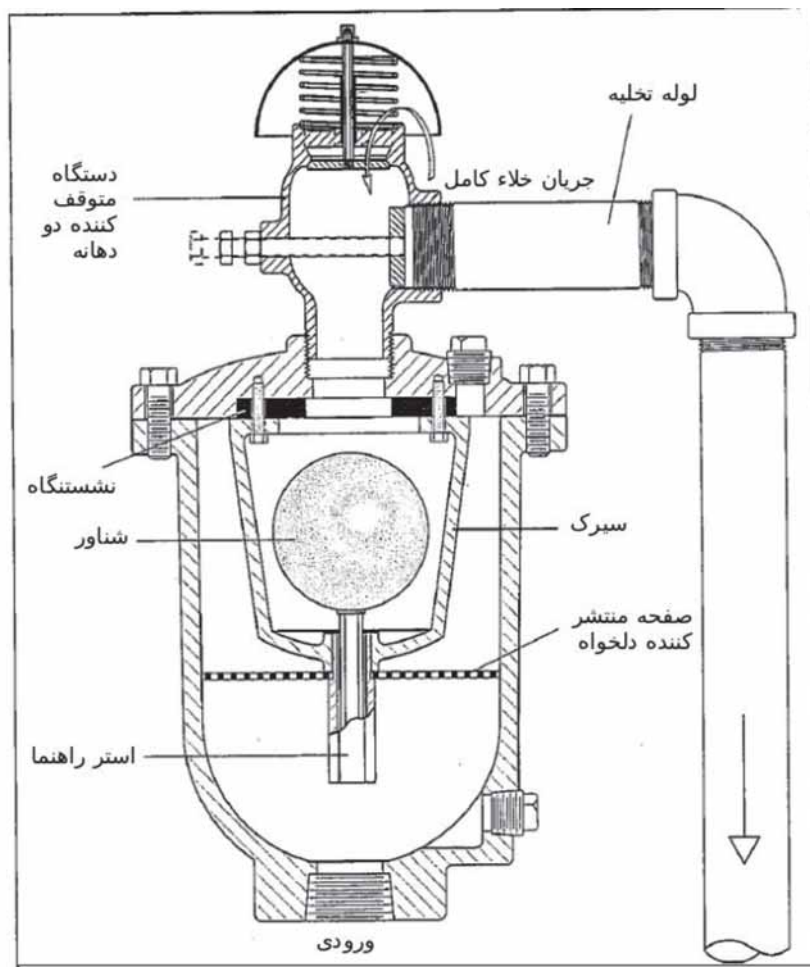
محاسبه می شود:

$$t = 2 L / a$$

که در آن داریم:

$$t = 12 \text{ sec}$$

$t =$ دوره بحرانی، به ثانیه



شکل ۳: شیر هوای خدمات چاه

برای ایجاد موج آبی، نه یک پمپ به متوقف شدن سریع نیازی دارد و نه یک شیر به بسته شدن لحظه ای (و یا حتی ناگهانی). یک توقف جریان طبیعی به مدت ۵ تا ۱۰ ثانیه می تواند حداکثر موج آبی را در سامانه های پمپاژ طولانی ایجاد کند. از این

$L =$ طول لوله، به فوت

$a =$ سرعت موج آبی فشار، به فوت بر ثانیه

برای مثال اخیر در مورد خط ۱۲ اینچی، دوره



استفاده کرد. پمپ‌های بزرگ می‌توانند در برخی از سامانه‌های پمپاژ موجب خرابی شوند.

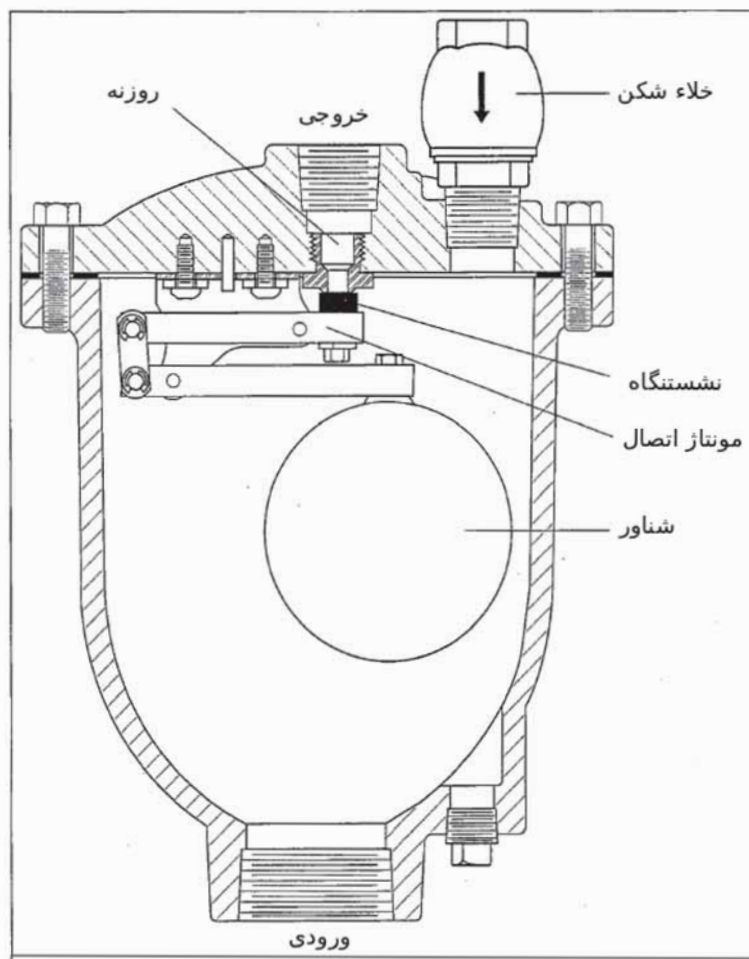
سامانه‌های کنترل موتور پمپ‌های ویژه در دسترس هستند تا پمپ‌ها را با کنترل درایو الکتریکی پمپ به آرامی به بالا یا پایین شیب دهد. این سامانه‌ها عرضه را کنترل می‌کنند و می‌توانند در طول عملیات پمپ نرمال از موج‌آبی جلوگیری کنند. با این حال، پس از یک قطعی برق، کنترل موتور متوقف می‌شود و پمپ به سرعت فعال می‌شود و باعث توقف ناگهانی جریان می‌شود.

برخی از طرح‌های ایستگاه پمپاژ، از چند پمپ استفاده می‌کنند تا وقتی که یکی از پمپ‌ها شروع به کار می‌کند یا متوقف می‌شود، پمپ متوقف شده

تأثیر کمی بر روی سرعت

کلی خط لوله بگذارد. با این حال، این ایستگاه‌ها نیز به همین شکل با تأثیر شدید قطع برق مواجه هستند. تقریباً تمام سامانه‌های پمپاژ نیازمند تجهیزات اضافی برای جلوگیری از موج‌آبی پس از قطع برق دارند.

پمپ‌های عمودی و شیرهای هوای خدمات چاه همان‌طور که در شکل ۲ نشان داده شده است، پمپ‌های عمودی بلند آب را از یک مخزن و یا چاه مرطوب به داخل یک خط لوله بلند می‌کنند. وقتی پمپ خاموش است، سطح مکش آب زیر لوله تخلیه



شکل ۴: شیر تخلیه هوا

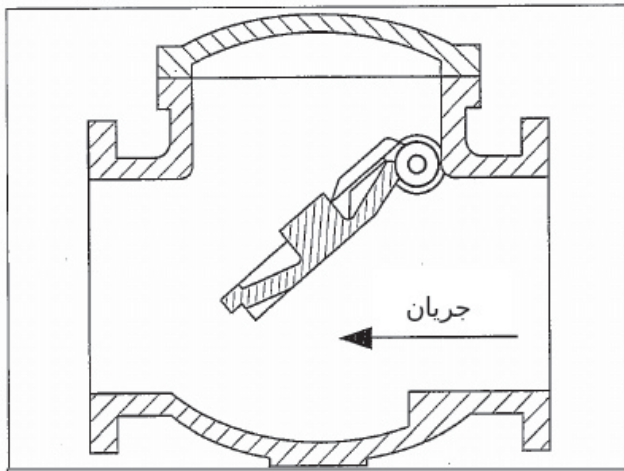
رو استراتژی‌های

کنترل موج‌آبی باید در تمام خطوط لوله طولانی به خدمت گرفته شود.

پمپ‌ها

با اشاره دوباره به شکل ۱، یک کلید اصلی برای کنترل موج‌آبی در سامانه‌های پمپاژ، کنترل میزان افزایش و کاهش سرعت جریان در سامانه است. پمپ‌ها باید برای کنترل پیش‌شرط اندازه مورد انتظار، اندازه‌گیری شوند. از پمپ‌های متعددی می‌توان برای برآوردن خواسته‌های متنوع از آب





شکل ۵: یک شیر یک طرفه چرخشی

خارجی تنظیم می‌شود تا سرعت افزایش آب در ستون پمپ را کنترل کند. با این حال، پس از خاموش شدن پمپ، یک پورت دیگر در بالای دستگاه گلوگاه برای از بین بردن خلاء، در داخل ستون پمپ جریان کامل ایجاد می‌کند. دستگاه کنترل گلوگاه پورت دوگانه از این جهت مهم است که جریان خلاء کامل را فراهم می‌کند و از کشیده شدن آب آلوده به خط لوله (که اگر دستگاه دارای یک اگزوز مشترک و اتصال خلاء باشد می‌تواند رخ دهد) جلوگیری می‌کند.

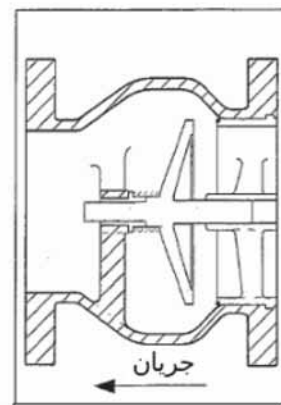
هنگامی که شیر کنترل کننده یک پمپ برقی به همراه یک پمپ عمودی استفاده شود، یک شیر آزاد کننده هوا مجهز به خلاء شکن می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد؛ چنانکه در شکل ۴ نشان داده شده است. در این حالت، پمپ شروع به کار می‌کند و باز شدن شیر کنترلی چند ثانیه‌ای به تاخیر می‌افتد تا شیر آزاد کننده هوا موفق شود هوا را به آرامی از طریق روزنه کوچک آن خارج کند.

در طول این فرآیند، ستون پمپ به سمت سر بسته پمپ فشرده می‌شود و هوا را با فشار زیادی به بیرون می‌راند. هوایی که یک لحظه به دام افتاده است به عنوان یک بالشکتک برای کنترل افزایش آب در ستون پمپ عمل می‌کند. روزنه شیر برای کنترل بالا آمدن آب با سرعتی ایمن، که معمولاً ۲ فوت بر ثانیه است اندازه‌گیری می‌شود.

پمپ است. ستون پمپ بعد از هر توقف پمپ مجدداً با هوا پر می‌شود. شیرهای هوا نقش مهمی در تخلیه خودکار هوای ستون پمپ و کنترل موج‌آبی در ستون پمپ ایفا می‌کنند. اگر توربین عمودی پمپ بدون یک شیر هوا شروع به کار کند، هوا در ستون پمپ فشرده و از طریق شیر یک طرفه وارد خط لوله می‌شود، و موجب بروز مشکلات مربوط به هوا می‌گردد. شیرهای هوا برای خدمات تخلیه پمپ، که شیرهای هوای خدمات چاه نامیده می‌شوند، مشابه شیرهای هوا/خلاء هستند، با این تفاوت که مجهز به یک دستگاه کنترل گلوگاه یا دستگاه ضد

برخورد به منظور خارج کردن هوا در شروع پمپ و نگهداری هوا در هنگام خاموشی پمپ هستند. همان‌طور که در شکل ۳ نشان داده شده است، شیر هوای خدمات چاه یک شیر معمولاً باز و عمل کننده شناور است که هوا را به سرعت در پمپ آزاد می‌کند. هنگامی که آب وارد شیر می‌شود، شناور به‌طور خودکار افزایش می‌یابد و بسته می‌شود تا از تخلیه آب جلوگیری کند.

دستگاه‌های کنترل گلوگاه در خروجی ۳ اینچی و شیرهای کوچکتر برای کنترل نرخ تخلیه هوا، به‌خصوص در شیرهای کنترل پمپ به آرامی باز شونده، تعبیه شده‌اند. دستگاه کنترل گلوگاه با پیچ



شکل ۶: یک شیر یک طرفه ساکت



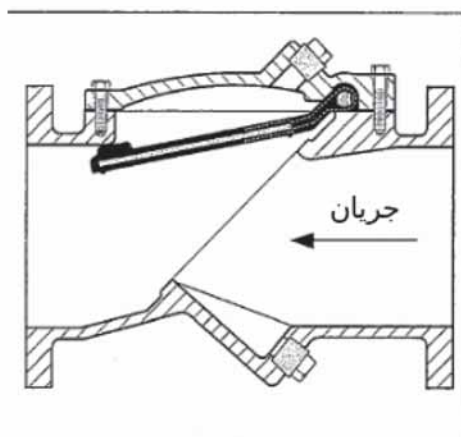
پمپاژ عمل می کنند. دسته دیگری شیرهای یک طرفه پمپی است، که بسیار آهسته کار می کنند (به عنوان مثال ۶۰ تا ۳۰۰ ثانیه) تا تغییرات در سرعت جریان خط لوله را به دقت کنترل کنند.

شیرهای یک طرفه به سرعت بسته شونده

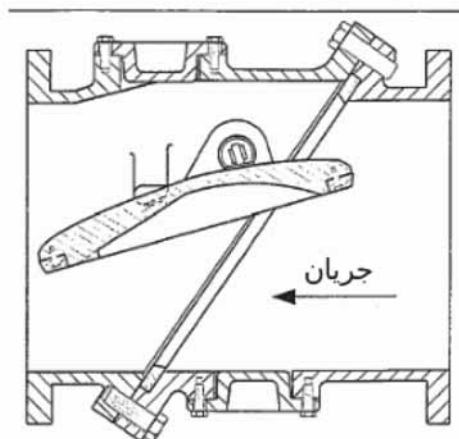
شیرهای یک طرفه به سرعت بسته شونده، ساده، خودکار، و مقرون به صرفه هستند. با این وجود آن‌ها اغلب دچار مشکل برخورد شیر یک طرفه و فشار موج‌آبی سامانه ناشی از آن می‌باشند. اگر کاهش سرعت جریان رو به جلو را بتوان از جمله با یک تجزیه و تحلیل کوتاه از سامانه پمپاژ تخمین زد، پتانسیل برخورد شیرهای یک طرفه مختلف چک قابل پیش‌بینی می‌شود. سپس، چند گزینه شیرهای غیر صدادار ارائه می‌شوند و ویژگی‌های عملکرد و هزینه‌ها را می‌توان برای انتخاب بهترین شیر برای به‌کارگیری مورد استفاده قرار داد.

رایج‌ترین نوع شیر یک طرفه، نوسان شیر یک طرفه. شیرهای یک طرفه چرخشی است. شیرهای یک طرفه چرخشی در AWWA C508 برای خدمات فواره‌ای تعریف شده‌اند و به منظور جلوگیری از گردش معکوس در طول تعویض جهت جریان، طوری طراحی شده‌اند که به سرعت بسته شوند.

شیرهای یک طرفه چرخشی سنتی نوسان ۹۰ درجه با ضربه‌های طولانی دارند و در معرض برخورد قرار دارند. بنابراین این شیرها مجهز به صف بلندی از لوازم



شکل ۸: یک شیر یک طرفه چرخشی منعطف



شکل ۷: یک شیر یک طرفه دیسک کج

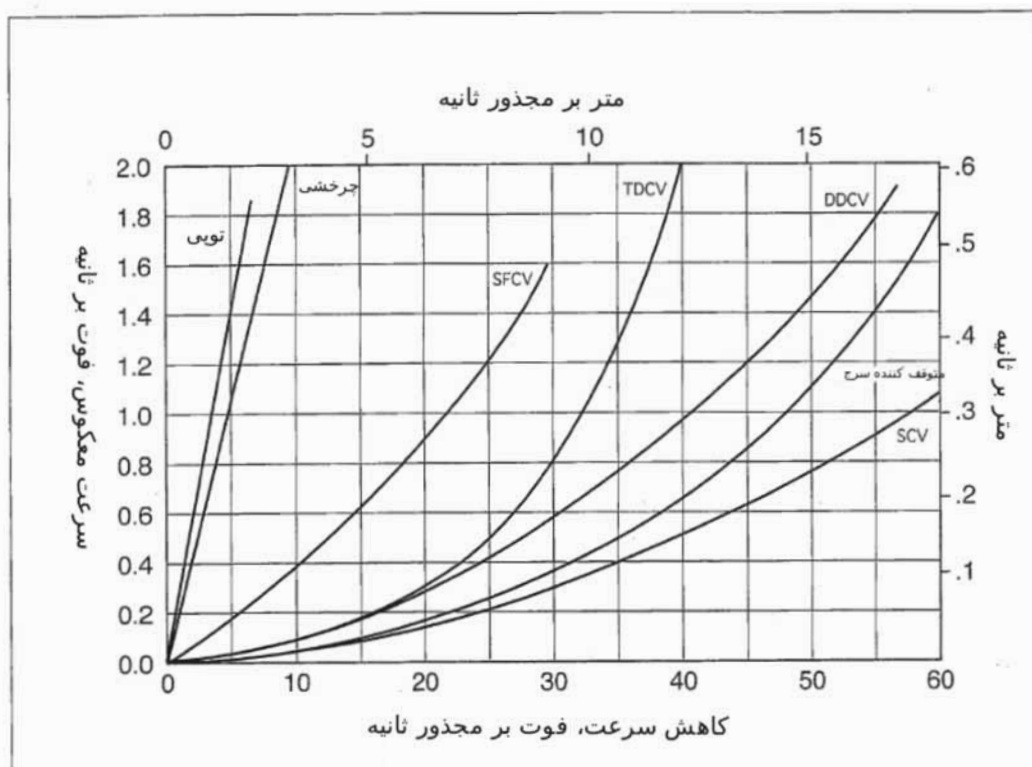
شیرهای یک طرفه

عنصر کلیدی دیگر در طراحی سامانه پمپاژ، انتخاب و بهره‌برداری مناسب از شیر یک طرفه تخلیه پمپ است. هر طراح ایستگاه پمپاژ با برخورد شیر یک طرفه مواجه است که به دلیل توقف ناگهانی جریان معکوس در یک شیر در حال بسته شدن ایجاد می‌شود.

برای جلوگیری از شدت برخورد، شیر یک طرفه باید با بسیار به سرعت و یا بسیار به آرامی بسته شود. هر کاری به غیر از این دو حالت نادرست است و موجب نگرانی است. اما یک نکته مهم دیگر این است که شیر باید از سامانه پمپاژ و لوله کشی در برابر تغییرات ناگهانی سرعت محافظت کند، چنانچه در حوزه قابلیت‌های عملکردی آن باشد. شیر یک طرفه نیز باید قابل اعتماد باشد و افت پایینی را ارائه دهد.

در اینجا دو دسته از شیرهای یک طرفه با جزئیات مورد بحث قرار خواهند گرفت. اولی، شیرهای یک طرفه به سرعت بسته شونده است، که نشان دهنده دسته کلی شیرهای یک طرفه‌ای است که به طور خودکار در کمتر از یک ثانیه و بدون استفاده از قدرت خارجی و یا سیگنال‌های دریافتی از سامانه





شکل ۹: مشخصات دینامیک شیرهای یک طرفه مختلف

لوله به میزان قابل توجهی متفاوت است. هنگامی که یک در محکم صدا می خورد، حرکت آن به نحو همواری توسط سیلندر هوا گرفته می شود زیرا وقتی که حرکت در آرام می شود، نیروهای وارد آمده از فنر بسته شونده و باد بیرونی کمتر و کمتر می شود. در مقابل، هنگامی که یک شیر در یک خط لوله بسته می شود، جریان معکوس با سرعت فوق العاده ای تسریع پیدا می کند، بنابراین برای هر کسری از ثانیه که بسته شدن شیر به تاخیر بیفتد، نیروهای روی دیسک به ترتیب قدرتش افزایش خواهند یافت. در حالی که ممکن است درست باشد که بالشتک مانع از کوبیدن دیسک به نشستگاه شیر توسط وزنه در یک غرفه کالا می شود، در عمل، بالشتک تقریباً نمی تواند دیسک را به قدری باز نگه دارد که جریان

جانبی هستند، که فراتر از دامنه استاندارد AWWA C508 است. احتمالاً از رایج ترین لوازم جانبی، اهرم و وزنه است. در حالی که به طور معمول فرض می شود که وزنه باعث بسته شدن سریع تر شیر می شود، اما آن در واقع با محدود کردن ضربه دیسک باعث کاهش برخورد می شود و در عوض موجب افزایش قابل توجهی در افت می گردد. بسته شدن شیر توسط اینرسی خود وزنه و اصطکاک بسته بندی های بنیادی نیز آهسته می شود.

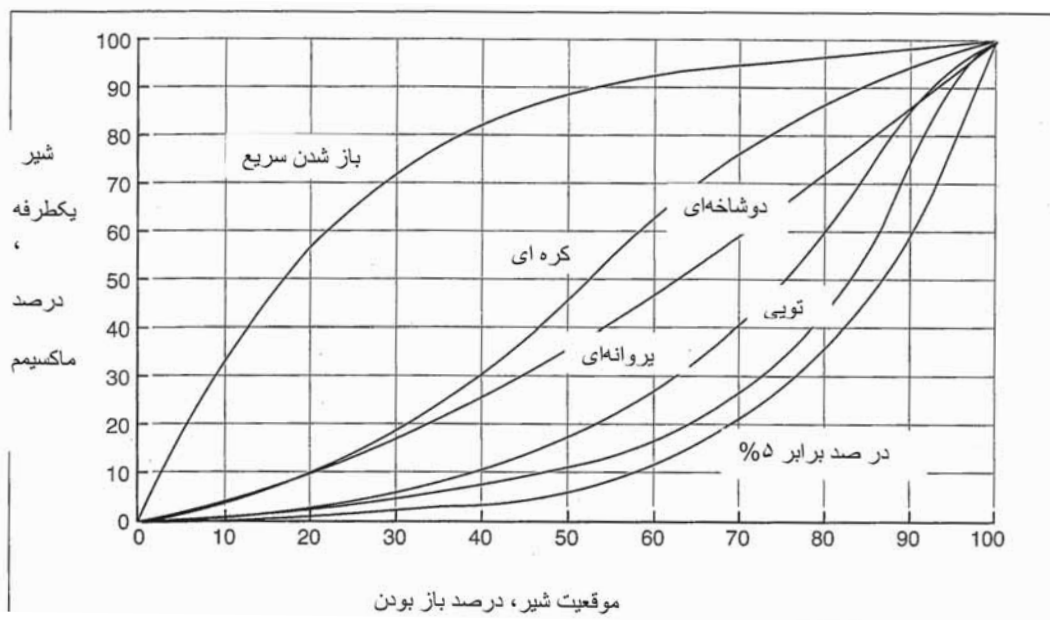
در کاربردهای شدیدتر، گاهی از یک بالشتک هوا استفاده می شود که به کم کردن سرعت تاثیر بسته شدن شیر کمک می کند. همه می دانند که یک بالشتک هوا بر روی یک در که صدای محکمی می خورد چقدر موثر است. اما شرایط در یک خط



شیر بسیار قوی هستند، فشار نفت اغلب از ۲۰۰۰ پوند بر اینچ مربع فراتر می‌رود، که موجب هزینه‌بر شدن این دستگاه‌ها می‌گردد. سیلندر روغنی فشار بالا گران است و به دلیل اینکه پاشنه شیر را زیر بارهای سنگین می‌گذارد، معمولاً به یک شیر یک‌طرفه خاص نیاز است. از آنجا که پمپ‌ها تنها می‌توانند مقدار مشخصی جریان برگشتی را تحمل کنند، زمان بسته شدن ضربه‌گیر معمولاً محدود به ۱ الی ۵ ثانیه است. اگر خط لوله شامل پسمانده یا فاضلاب باشد، یک شیر یک‌طرفه با بالشتک روغنی می‌تواند به عنوان یک صفحه در طول شرایط جریان معکوس عمل کند و به سرعت خط را مسدود کند. یک راه حل بهتر انتخاب یک شیر یک‌طرفه است که قبل از هر گونه جریان معکوس قابل توجه شکل می‌گیرد، و در نتیجه از شدت برخورد جلوگیری می‌کند. این شیر یک شیر یک‌طرفه فنردار و رو به مرکز ساکت (SCV) است، همانطور که در شکل ۶ نشان داده شده است. شیر یک‌طرفه ساکت، نزدیک به علت ضربه خطی کوتاه آن (با قطر ۱/۴)، محل دیسک در طول جریان و فنر فشرده قوی تقریباً در

معکوس تشدید شود و دیسک را شدیدتر به نشستگاه بکوبد. از آنجا که بالشتک‌های هوا وابسته به استفاده از هوا (که قابل متراکم شدن است) می‌باشند، هیچ نوع محدودیت مثبتی را برای دیسک بسته‌شونده ایجاد نمی‌کنند و نمی‌توانند با نیروهای عظیمی را که توسط جریان معکوس اعمال مقابله کنند. در مجموع، بهترین تنظیم یک بالشتک معمولاً در جایی است که در آن شیر سوزنی تخلیه به طور کامل باز است و هوا با بالاترین میزان خارج می‌شود. یکی از لوازم جانبی به مراتب موثرتر برای کنترل نوسان حرکت شیر یک‌طرفه چرخشی، بالشتک روغنی است، که به آن ضربه‌گیر روغنی هم می‌گویند. از آنجا که روغن تراکم‌ناپذیر است، بالشتک روغنی در برابر نیروهای بالا بر روی دیسک که توسط جریان معکوس اعمال می‌شوند مقاومت می‌کند و ۱۰ درصد آخر از بسته شدن‌های شیر را کنترل کنید. اگرچه پمپ باید قادر به ایجاد جریان برگشتی قابل توجهی باشد، زیرا ضربه‌گیر روغنی اجازه می‌دهد که شیر یک‌طرفه بخشی از جریان را از طریق پمپ برگرداند. از آنجا که نیروهای جریان معکوس بر روی دیسک

۷۰



شکل ۱۰: مشخصات جریان طبیعی شیر

بابک مس ایرانیان

تولید کننده انواع لوله مسی
با پیشرفته‌ترین و مدرن‌ترین خط تولید

IRANIAN BARAK COPPER CO.

www.ibcco.midhco.com

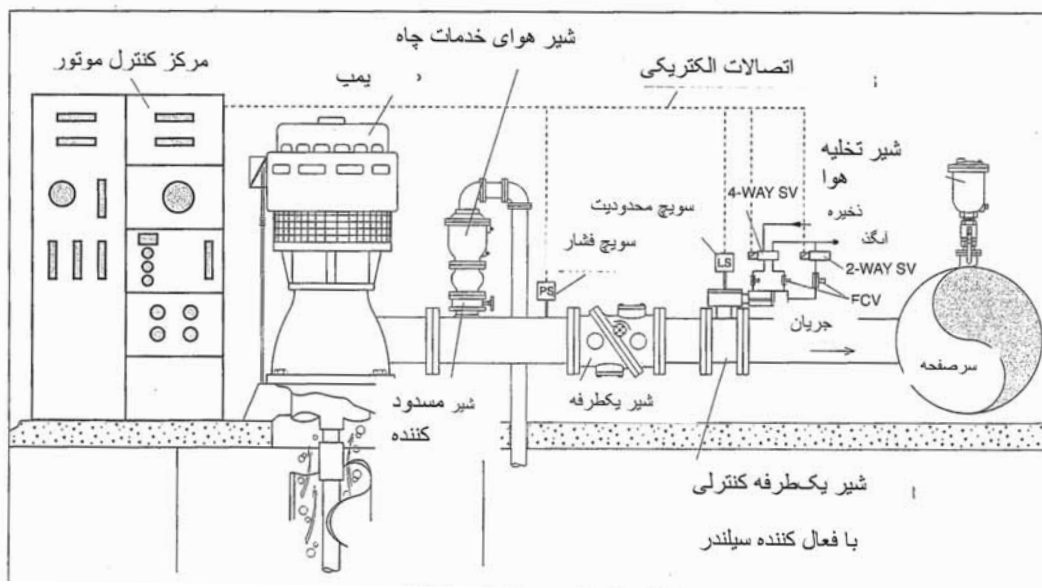
نوع شیر	اندازه دهانه	C_p	K
شیر کنترل کراهی شکل	%۱۰۰	۱۸۰۰	۵,۷۰
شیر یکطرفه ساکت	%۱۰۰	۲۵۰۰	۲,۹۵
شیر یکطرفه دو دیسک	%۸۰	۴۰۰۰	۱,۱۵
شیر یکطرفه چرخشی*	%۱۰۰	۴۲۰۰	۱,۰۵
شیر یکطرفه دو شاخه خارج از مرکز	%۸۰	۴۷۵۰	۰,۸۱
شیر یکطرفه چرخشی منعطف	%۱۰۰	۴۸۰۰	۰,۸۰
شیر یکطرفه دیسک کج	%۱۴۰	۵۴۰۰	۰,۶۳
شیر پروانه‌ای	%۹۰	۶۵۵۰	۰,۴۳
شیر تویی	%۱۰۰	۲۱۵۰۰	۰,۰۴

* زمانی که وزنه‌ها و فنرها برای جلوگیری از صدای ضربه به آن اضافه می‌شوند افت بیشتر است.

جدول ۱: داده‌های جریان شیر ۱۲ اینچی

به صورت خودکار و بدون نیاز به قدرت و یا اتصال الکتریکی خارجی برای کنترل پمپ انجام می‌شود. یک گزینه دیگر، شیر یکطرفه دیسک ارتجاعی (SFCV) است. تنها بخش متحرک شیر یکطرفه دیسک ارتجاعی، دیسک انعطاف پذیر است. این شیر دارای یک پورت ۱۰۰ درصدی با شیب ۴۵ درجه است که یک ضربه کوتاه ۳۵ درجه‌ای، بسته شدن سریع و افت پایین را فراهم می‌کند. این همچنین با یک شاخص موقعیت مکانیکی و تغییرات محدودیت در دسترس است. موج شکن (SB) به دلیل داشتن یک شتاب‌دهنده دیسک اضافی که به موج شکن ویژگی‌های بسته شدن شبیه به یک شیر یکطرفه ساکت را می‌دهد، سرعت بسته شدن حتی بیشتری را دارد.

برابر برخورد مقاوم است. با این حال، انتخاب شیر یکطرفه ساکت چندین مشکل از جمله افت بالا، عدم داشتن نشانه موقعیت و محدودیت برای تمیز کردن برنامه‌های کاربردی آب دارد. در انتهای دیگر این طیف، شیر یکطرفه دیسک کج (TDCV) قرار دارد. شیر یکطرفه دیسک کج همان‌طور که در شکل ۷ نشان داده شده است کمترین افت را دارد زیرا منطقه درگاه آن ۱۴۰ درصد از اندازه لوله است و دیسک آن مشابه یک دیسک شیر پروانه‌ای است که در آن جریان مجاز است از هر دو طرف دیسک عبور کند. این شیر دارای نشستگاه فلزی قابل اعتماد است و مجهز به روغن ضربه‌گیر اضافه شده در بالا یا پایین به منظور ارائه ابزار موثر کنترل و به حداقل رساندن موج‌آبی است. این کاملاً



شکل ۱۱: نصب یک شیر کنترل پمپ

می‌شوند، بنابراین حرکت عضو بسته شیر (یعنی شیر دیسک پروانه‌ای) از جریان یا فشار در خط لوله تاثیر می‌گیرد. به علاوه، بیشتر پمپ‌های حاضر در خدمات امروز اینرسی چرخش کمی دارند و در کمتر از ۵ ثانیه متوقف می‌شوند.

شیر کنترل پمپ می‌تواند به منظور حفاظت از پمپ، در هنگام قطع برق یا قطعی پمپ به سرعت بسته شود. با این حال، وقتی بسته شدن سریع مورد نیاز باشد، تجهیزات موج‌آبی اضافی، مورد نیاز خواهد بود، همان‌طور که در بخش زیر توضیح داده شد. اما ابتدا معیارهای انتخاب مربوط به شیرهای کنترل پمپ ارائه خواهد شد.

فهرست شیرهای کنترل پمپ ممکن فهرستی طولانی است زیرا بسیاری از شیرها مجهز به کنترل اتوماتیک لازم برای سامانه‌های پمپاژ هستند. شیرهایی که معمولاً در نظر گرفته می‌شوند پروانه‌ای، دوشاخه، توپی، و کره شکل هستند. احتمالاً رایج ترین معیار برای انتخاب شیر هزینه‌های اولیه است، اما برای سامانه‌های پمپاژ، فرآیند انتخاب باید به دقت و با در نظر گرفتن موارد زیر انجام شود:

شیر یکطرفه با تمام امکانات آن، برای هر سامانه با افت کم و عملکرد ضد ضربه در دسترس است. ویژگی‌های بسته شدن تمام انواع شیرهای یکطرفه برای کاهش سرعت سامانه‌های مختلف در شکل ۹ نشان داده شده است. شیرهایی که منحنی آن‌ها در دورترین قسمت سمت راست قرار دارد بهترین مشخصات غیر ضربه‌ای را دارند.

شیرهای کنترل پمپ

اگرچه یک شیر یکطرفه که به سرعت بسته می‌شود ممکن است از شدت برخورد جلوگیری کند، اما نمی‌تواند تغییرات سرعت سامانه‌های پمپاژ با دوره‌های بحرانی طولانی را در هنگام راه‌اندازی پمپ و خاموش شدن آن به‌طور کامل کنترل کند. برای سامانه‌های پمپاژ که در آن‌ها دوره بحرانی طولانی است، معمولاً از یک شیر کنترل پمپ استفاده می‌شود.

یک شیر کنترل پمپ به مدار پمپ با سیم متصل است و دفعات باز و بسته شدن قابل تنظیمی را به مقدار بیش از دوره زمانی بحرانی سامانه فراهم می‌کند. شیرهای کنترل پمپ به صورت هیدرولیکی کنترل



U = استفاده، درصد $\times 100$ (1.0) برابر با ۲۴ ساعت در روز است)

E = بهره وری از پمپ و مجموعه موتور (۰/۸۰ معمولی)

به عنوان مثال، تفاوت افت بین یک شیر پروانه‌ای ۱۲ اینچی ($K = 0.43$) یک شیر کنترل کره‌ای شکل ($K = 5.7$) در یک سامانه ۴۵۰۰ گالنی در دقیقه (۱۲/۷ فوت بر ثانیه) را می‌توان به صورت زیر محاسبه کرد:

$$\Delta H = Kv^2 / 2g$$

که در آن:

ΔH = افت فشار، آب بر حسب فوت

K = ضریب مقاومت جریان، بدون بعد

v = سرعت، فوت بر ثانیه

g = جاذبه، ۳۲/۲ فوت بر مجذور ثانیه

مقادیر را جایگذاری می‌کنیم:

$$\Delta H = \Delta H = (5.7 - 0.43) (12.7)^2 (12.7)^2$$

- هزینه شیر و نصب آن
- هزینه‌های پمپاژ
- یکپارچگی نشستگاه
- قابلیت اطمینان
- مشخصات جریان

هزینه‌های نصب برای انواع شیرهای کنترل پمپ مختلف می‌تواند به‌طور گسترده‌ای متفاوت باشد. به عنوان مثال، یک شیر پروانه‌ای یا دو شاخه ۱۲ اینچی با محرک‌ها و کنترل‌های هیدرولیک می‌تواند ۵۰۰۰ دلار هزینه داشته باشد، و یک شیر کنترل توپی یا کره‌ای شکل می‌تواند به میزان ۲ تا ۴ برابر مبلغ آن باشد. علاوه بر هزینه خرید، هزینه ایجاد ارتباطات محدوده، سیم‌کشی کنترلی به کنترل‌های موتور پمپ و ساختن پایه ستون بتنی برای شیرهای کنترل توپی و کره‌ای شکل سنگین‌تر نیز باید اضافه شود. البته، هزینه نصب شیر مهم است و نمایانگر سرمایه‌گذاری مهمی است. اما هزینه‌های پمپاژ مرتبط با افت از طریق شیر نیز به همان اندازه مهم است. مکش جریان الکتریکی پمپ تابعی از افت سامانه و سرعت جریان است. هزینه‌های اضافی دیگر به دلیل افت فشار شیر را می‌توان با استفاده از فرمول زیر محاسبه کرد:

$$A = (1.65Q\Delta H S_G CU) / E$$

که در آن:

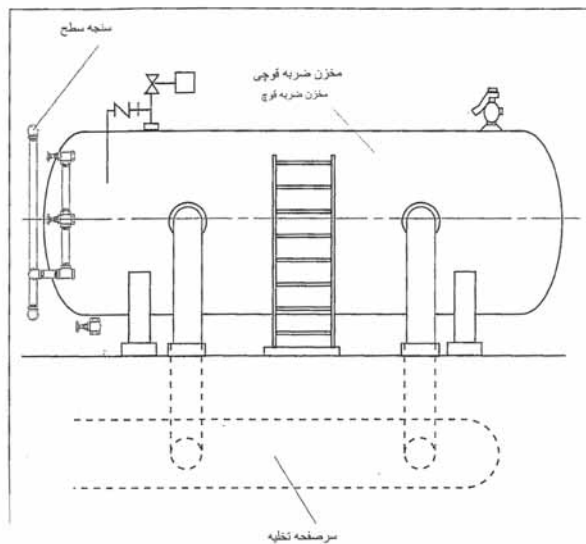
A = هزینه‌های انرژی سالانه، به دلار در سال

Q = نرخ جریان، گالن در دقیقه

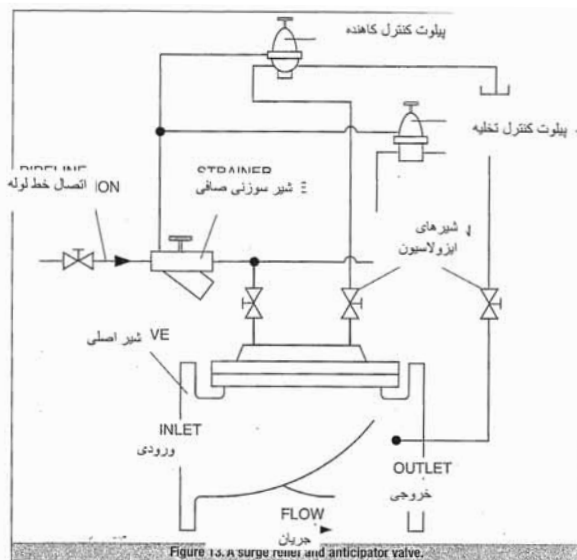
$\Delta H \Delta H$ = افت فشار، آب بر حسب فوت

$S_G S_G$ = جاذبه مشخص، بدون بعد (آب) = 1.0

C = هزینه برق، دلار برای کیلووات در ساعت



شکل ۱۲: مخزن ضربه فوجی هیدرو پنوماتیک



شکل ۱۳: تخلیه سرچ و شیر پیش‌بینی‌کننده

افت بیشتر به کمتر، در جدول ۱ نشان داده شده‌اند. شیر توپی AWWA کمترین افت را در بین تمام شیرهای کنترل پمپ دارد، اما از سوی دیگر شیر پروانه‌ای AWWA بهترین تعادل بین هزینه‌های انرژی و هزینه‌های نصب و راه‌اندازی را فراهم می‌کند.

یکپارچگی نشستگاه شیر کنترل پمپ نیز مهم است، به طوری که پمپ بتواند بدون جریان برگشتی از طریق شیر سرویس شود. یک نشستگاه انعطاف پذیر در شیر، که با سطح نشستگاه مقاوم در برابر خوردگی جفت می‌شود، بسیار قابل اعتماد است زیرا مقدار نشستی را به صفر می‌رساند. اگر هر گونه نشستی رخ دهد، مثلاً به علت اتصالات بد نشستگاه فلزی، در محل نشست پسمانده باقی می‌ماند و سطوح جفت شده در معرض فرسایشی در اثر پسماند یا سرعت نشست بالا قرار می‌گیرند.

برای اینکه این قابلیت اعتماد ایجاد شود، شیر باید با استانداردهای صنعتی از قبیل ANIMA C504، شیر پروانه‌ای، منتشر شده توسط انجمن امور آب آمریکا

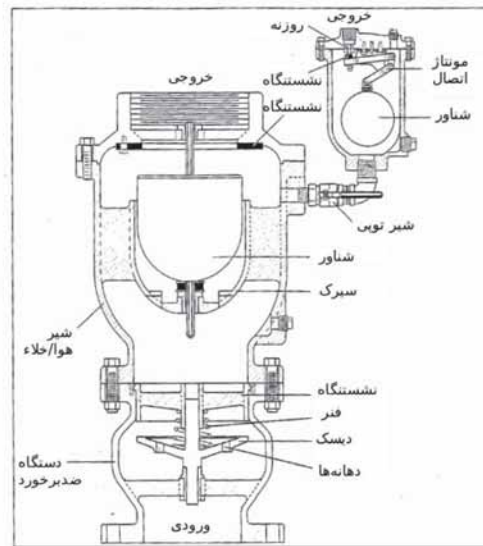
$$/2 \times 32.2 = 13.2 \text{ ft. wc} = 13.2 \text{ ft. wc}$$

سپس می‌توان از این تفاوت در افت برای محاسبه تفاوت در هزینه‌های سالانه عملکرد استفاده کرد؛ با این فرض که هزینه برق به ازای هر کیلووات در ساعت، ۰/۰۵ دلار و ۵۰ درصد از مصرف باشد.

$$A = (1.65 \times 4500 \times 13.2 \times 1.0 \times 0.05 \times 0.5) / (0.8) = 3062 \text{ دلار}$$

محاسبات هزینه نشان می‌دهد که استفاده از یک شیر پروانه‌ای ۱۲ اینچی به جای یک شیر کنترل کره‌ای شکل ۱۲ اینچی می‌تواند سالانه ۳۰۶۲ دلار صرفه‌جویی در هزینه انرژی به همراه داشته باشد. اگر ایستگاه پمپ چهار عدد از این شیرها را به مدت ۴۰ سال داشته باشد، مجموع صرفه‌جویی معادل ۴۹۰۰۰ دلار در طول عمر نیروگاه خواهد بود. واضح است که پمپاژ هزینه می‌تواند حتی از هزینه نصب مهم تر باشد. به علاوه، هر چه شیر بزرگتر باشد، تاثیر آن بر هزینه‌های انرژی بیشتر است. عوامل رایج موثر بر جریان افت فشار، به ترتیب





شکل ۱۴: یک شیر هوای ترکیبی ضد برخورد

می‌دهد. مطلوب‌ترین مشخصه جریان برای لوله‌های طولانی درصدی یکسان با درصد فراهم شده توسط شیرهای پروانه‌ای و تویی است.

تمام معیارهای انتخاب بحث شده، شامل هزینه، افت فشار، قابلیت اطمینان، و مشخصات جریان، باید در هنگام انتخاب یک شیر در نظر گرفته شوند. هیچ نوع شیر منحصر به فردی نمی‌تواند در تمام دسته‌ها بهترین باشد. مزایای عملکرد مورد انتظار بایستی در برابر هزینه‌ها و تاثیر بر نیروی بالقوه موج‌آبی سامانه سنجیده شود.

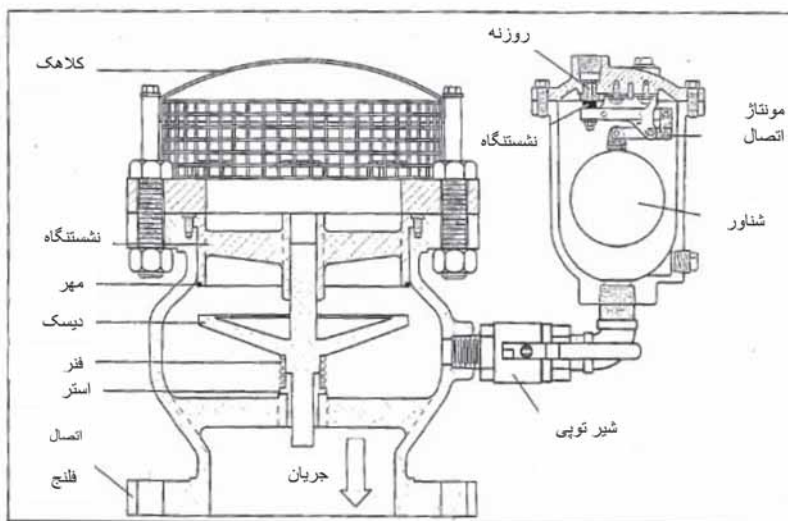
عملیات شیر کنترل پمپ

عملیات یک شیر کنترل پمپ معمولی را با به‌کارگیری یک شیر پروانه‌ای در نظر بگیرید. یک شیر پروانه‌ای با چرخش ۹۰ درجه‌ای محور خود عمل می‌کند و معمولاً مجهز به یک فعال کننده سیلندری هیدرولیک است. سیلندر انرژی خود را با فشرده سازی آب از خط لوله و یا از یک سامانه مستقل قدرت نفت به دست می‌آورد.

ساخته و آزمایش شده باشد، تا قابلیت اطمینان در طراحی و همچنین در عملکرد آن اثبات شده باشد. شیرهایی مانند شیرهای کنترل کره‌ای شکل توسط استاندارد AWWA پوشش داده نمی‌شوند.

در نهایت، مشخصات جریان شیرهای کنترل پمپ تعیین کننده میزان قدرت آن در جلوگیری از موج‌آبی خواهد بود. مطلوب‌ترین مشخصه یک شیر این است که در آن شیر هنگامی که در سامانه نصب شد به طور یکنواخت سرعت جریان را تغییر دهد. داده‌های جریان موج‌آبی موجود از تولید کنندگان، مشخصه‌های جریان شیر معمولی هستند که اغلب به صورت ضریب ردیف (G_p) در موقعیت‌های مختلف بیان می‌شود، همان‌طور که در شکل ۱۰ نشان داده شده است.

در سمت چپ یک منحنی شیر به سرعت باز شونده (مانند یک شیر یک‌طرفه) نمایش داده می‌شود که یک تغییر سریع در سرعت جریان را در هنگام باز شدن شیر نشان می‌دهد. در طرف دیگر یک شیر دیگر با درصد برابر است (مانند شیر تویی با دهانه V) که سرعت جریان را با درصد یکسانی تغییر



شکل ۱۵: یک خلاء شکن و شیر تخلیه هوا

سوئیچ محدودیت (LS) واقع در شیر پمپ را متوقف می‌کند.

زمان عملکرد مناسب برای شیر کنترل پمپ معمولاً بسیار بیشتر از دوره بحرانی است. یک زمان عملکرد طولانی برای عملیات در خط لوله مورد نیاز است زیرا زمان موثر بسته شدن شیر بخشی از زمان بسته شدن کل آن می‌باشد، با توجه به این حقیقت که افت فشار شیر باید با کل افت خط لوله در کنترل سرعت جریان ترکیب شود.

یک کارکرد اضافی از شیر کنترل پمپ باید در نظر گرفته شود و آن جلوگیری از گردش معکوس پمپ پس از قطع برق و یا کار کردن بیش از حد است. از آنجا که پمپ‌های امروزه دیگر مانند دستگاه‌های دیزل قدیمی مجهز به چرخ معدل نیستند، اینرسی چرخشی کمتری دارند و تنها در چند ثانیه متوقف می‌شوند. از این رو، پس از یک قطعی برق و یا کار کردن پمپ، شیر کنترل پمپ باید برای جلوگیری از گردش معکوس با سرعت بیشتری بسته شود.

کنترل‌های هیدرولیک شیر دارای یک خط گذرگاه مجهز به یک شیر برقی دو طرفه (SV) برای ارسال جریان سیلندر کنترل شده در سراسر شیر کنترل جریان معمولی و در داخل یک شیر کنترل جریان

بیشتر دیدیم که شرایط موج‌آبی منفی می‌تواند به مدت چندین ثانیه محقق شود، از این رو آب پشتیبان یا سامانه روغن مناسب می‌باشد. شکل ۱۱ یک نصب و راه‌اندازی معمولی را نشان می‌دهد. کنترل‌های هیدرولیک که به صورت الکتریکی به مدار پمپ سیم‌کشی شده‌اند بر روی شیر نصب شده است. شیرهای چهار سوپه و دوسوپه برقی (SV) به منظور به گردش در آوردن شیرها، واسط عمل‌کننده را به دهانه سیلندر هدایت می‌کنند. سرعت باز و بسته شدن توسط شیرهای کنترل جریانی (FCV) که به‌طور مستقل قابل تنظیم هستند کنترل می‌شود. شیرهای کنترل جریان شیرهای سوزنی ویژه‌ای هستند که مجهز به شیرهای یک‌طرفه معکوس می‌باشند که جریان آزاد به داخل سیلندر را ممکن می‌کند اما در عین حال جریان کنترل شده را بیرون از سیلندر نگه می‌دارد.

هنگامی که پمپ شروع به کار می‌کند و فشار به وجود می‌آید، یک سوئیچ فشار (PS) واقع در سر پمپ به شیر پروانه‌ای سیگنالی می‌رساند تا باز شود. در طول زمان خاموشی پمپ، به شیر سیگنال می‌رسد که بسته بماند، درحالی که پمپ هنوز کار می‌کند. وقتی که شیر به حالت بسته نزدیک می‌شود، یک



بسیاری از انواع تجهیزات تخلیه موج آبی جهت حفاظت از سامانه های پمپاژ استفاده می شوند. برای سامانه های فشار پایین، یک لوله عمودی باز به سمت محیط فشار را با خارج کردن هوا تقریباً بلافاصله آزاد می کند. برای سامانه های با فشار بالاتر، ارتفاع یک لوله عمودی کار را غیر عملی خواهد کرد، بنابراین می توان از یک انباشتگر کیسه ای شکل و یا مخزن ضربه قوچی با هوای فشرده شده در بالای آب برای جذب شوک ها و جلوگیری از جداسازی ستون استفاده کرد (شکل ۱۲ را ببینید).

با این حال این مخزن ها برای سامانه های پمپاژ معمولی بزرگتر و گران قیمت تر هستند و نیاز به یک سامانه هوای فشرده دارند. در هنگام استفاده، یک شیر یک طرفه به سرعت بسته شونده اضافی نیز برای جلوگیری از فرار سطح آب مخزن ضربه قوچی مجدداً به داخل پمپ مورد نیاز است. این یک مثال رایج از زمانی است که شما هم شیر کنترل پمپ و شیر یک طرفه به سرعت بسته شونده را به طور همزمان نصب شده دارید.

علاوه بر این، مخزن ضربه قوچی نرخ کاهش سرعت بسیار بالایی را ایجاد می کند (۲۵ فوت بر مجذور ثانیه) به طوری که شیرهای یک طرفه به سرعت بسته شونده و یا شیرهای یک طرفه مجهز به ضربه گیر نفت نصب شده در پایین باید برای جلوگیری از صدای کوبیده شدن استفاده شوند.

شیرهای تخلیه موج آبی

شیرهای تخلیه موج آبی اغلب ابزار عملی تری از تخلیه فشار می باشند. در این شیرها، موج آبی فشار یک دیسک را بلند می کند و به شیر اجازه می دهد تا آب را به سرعت به سمت محیط بیرون و یا مجدداً به چاه مرطوب تخلیه کند.

شیرهای تخلیه موج آبی دچار این محدودیت هستند که ممکن است نتوانند به اندازه کافی سریع باز شوند تا در مواردی که جدایی ستون می تواند رخ دهد از اسراف موج آبی جلوگیری کنند. برای این موارد که در

بزرگ (FCV) است، که در نتیجه موجب بسته شدن خودکار پمپ شیر کنترل در طول ۵ تا ۱۰ ثانیه پس از قطع برق می شود. این کار برای جلوگیری از گردش معکوس زیادی پمپ و نیز جلوگیری از تخلیه آب مخزن ضربه قوچی هیدروپنوماتیک از طریق پمپ (در صورت استفاده) ضروری است.

به عنوان جایگزینی برای مدار گذرگاه ویژه، یک شیر یک طرفه به سرعت بسته شونده گاهی در بالادست شیر کنترل پمپ برای پشتیبانی از شیر کنترل نصب می شود. این شیر نه تنها مانع از جریان معکوس از طریق پمپ می شود، بلکه محافظت مضاعفی را برای پمپ فراهم می کند که در شرایطی که شیر کنترل پمپ، به علت افت فشار یا نقص فنی، برای بسته شدن با مشکل مواجه می شود به کار می آید.

بسته شدن سریع یکی از دو گزینه شیر کنترل پمپ و یا شیر یک طرفه به سرعت بسته شونده در یک سامانه لوله کشی انتخاب سختی را پیش روی ما می گذارد. پیشتر توضیح داده شد که شیر کنترل باید در مدت زمان سه تا پنج برابر دوره بحرانی بسته شود. از سویی دیگر، دریچه باید در عرض پنج ثانیه بسته شود تا بتواند از پمپ در صورت قطعی برق حفاظت کند. از این رو، در این سامانه ها، موج آبی بیش از حد در هنگام قطع برق پیش می آید و در نتیجه تا حفاظت اضافی در برابر موج آبی معمولاً مورد نیاز است.

تجهیزات تخلیه موج آبی

از آنجا که استفاده از مواد لوله که می تواند فشار موج آبی بالا را تحمل کند و یا سرعت جریان عمل کننده را کاهش دهد عملی نیست، تجهیزات تخلیه برای پیش بینی و از هم پاشیدن موج آبی در اثر تغییرات ناگهانی سرعت پس از قطعی برق مورد نیاز است. تجهیزات تخلیه موج آبی همچنین حفاظت در برابر شیرهای خراب، پر کردن نامناسب و یا دیگر مشکلات سامانه را فراهم می کنند.

لوله های عمودی و مخازن ضربه قوچی



انتظار است، درچه هوا باید مجهز به یک دستگاه ضد برخورد باشد که برای جلوگیری از آسیب به شناور شیر، جریان آب به شیر هوا را کنترل کند (شکل ۱۴ را ببینید).

دستگاه ضد برخورد اجازه می‌دهد تا هوا بدون محدودیت در طول تخلیه هوا یا چرخه ورود مجدد هوا حرکت کند. هنگامی که آب (به دلیل چگالی بیشتر آن) وارد دستگاه می‌شود، دیسک به سرعت بسته می‌شود و بسته شدن آرام شیر شناور هوا را مهیا می‌کند. این دیسک حاوی یک خروجی است که اجازه می‌دهد آب از درون دستگاه ضد برخورد، زمانی که برای پر کردن شیر هوا با نرخ حدود ۵ درصد از نرخ پر شدن کامل بسته می‌شود، جریان پیدا کند و از کوبیده شدن شیر هوا جلوگیری می‌کند.

شیر خلاء شکن

نوع دیگری از شیر هوای مورد استفاده در نقاط بحرانی در خط لوله که در آن جدایی ستون ممکن است رخ دهد، خلاء شکن می‌باشد (VB) (شکل ۱۵ را ببینید).

خلاء شکن دارای اجزایی بسیار شبیه به دستگاه ضد برخورد است، با این تفاوت که دیسک خلاء شکن توسط یک فنر بسته نگه داشته می‌شود، درحالی‌که دیسک ضد برخورد باز نگه داشته می‌شود. از این رو، خلاء شکن نمی‌تواند هوا را اخراج کند. بلکه تنها هوا را به داخل قبول می‌کند تا از تشکیل یک جداره خلاء جلوگیری کند. این امر خط لوله را در یک فشار مثبت نگاه می‌دارد و موج‌آبی مربوط به جدایی ستون را کاهش می‌دهد. در اصل، بعد از به راه افتادن پمپ، یک بالشتک بزرگ هوا پذیرفته می‌شود و در خط لوله به دام می‌افتد. سپس هوا به آرامی در طول چند دقیقه از طریق شیر مجاور تخلیه هوا که دارای روزنه بسیار کوچکی است (به اندازه یک چهارم اینچ) به داخل می‌آید. در این مورد نیز، برنامه‌های تجزیه و تحلیل کوتاه برای مدل‌سازی این نوع از راه حل‌های شیر هوا طراحی شده‌اند.

آن‌ها مدل کامپیوتر کوتاه موج‌آبی‌های فشار پرشیب و یا سریع را پیش‌بینی می‌کند، شیرهای تخلیه موج‌آبی مجهز به کنترل‌های پیش‌بینی‌کننده باید در نظر گرفته شوند. شیر کنترل کره‌ای شکل مجهز به تخلیه موج‌آبی و کنترل‌های پیش‌بینی‌کننده در شکل ۱۳ نشان داده شده است. یک شیر پیش‌بینی‌کننده موج‌آبی در هنگام احساس یک رخداد پر فشار یا کم فشار، به سرعت باز خواهد شد.

هنگامی که یک پمپ به طور ناگهانی متوقف می‌شود، فشار در سرفحه به کمتر از فشار استاتیک افت می‌کند و باعث باز کردن شیر پیش‌بینی‌کننده موج‌آبی می‌شود. سپس زمانی که افزایش فشار بازگشتی رخ می‌دهد شیر به طور جزئی یا کامل باز می‌شود. شیرهای پیش‌بینی‌کننده معمولاً در کمتر از پنج ثانیه باز می‌شوند، نرخ‌های پایین بالایی را عبور می‌دهند و مجدداً به آرامی با سرعت بسته شدن شیر کنترل پمپ (۶۰ تا ۳۰۰ ثانیه) بسته می‌شوند. اندازه شیر تخلیه موج‌آبی مهم است و باید تحت نظارت کارشناسان تحلیل کوتاه تعیین شود.

ترکیب ضد برخورد شیرهای هوا

درچه‌های هوا با جلوگیری از تشکیل جداره‌های هوا در خطوط لوله در طول عملکرد طبیعی آن‌ها، به کاهش موج‌آبی در خطوط لوله کمک می‌کنند. جداره هوا می‌تواند در امتداد یک خط لوله حرکت کند و موجب ایجاد تغییرات ناگهانی در سرعت شود و تجهیزات عملیات مانند دستگاه‌های اندازه‌گیری جریان را تحت تاثیر منفی خود قرار دهد. جداره‌های هوا همچنین طوری طراحی شده‌اند که باز شوند و اجازه دهند هوا در بستری خط لوله جریان پیدا کند و از این طریق از تشکیل جداره‌ای خلاء مرتبط با جدایی ستون جلوگیری شود. برنامه‌های کامپیوتری تجزیه و تحلیل کوتاه برای تجزیه و تحلیل کاهش موج‌آبی که در اثر استفاده از شیرهای هوا با اندازه‌های مختلف ایجاد می‌شوند مناسب هستند.

هنگامی که جدایی ستون در محل شیر هوا مورد





